

تفسیر قرآنی و حدیثی از آیه «وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْوَالِدِ وَالْوَالِدَاتِ بِمَا هُنَّ حَتَّىٰ يَأْتِيَ الْوَسْئِلَ الْأَرْبَعُ»

# کتاب الاحکام

نسرین میانجی - مجتبی گوگردزی







میانجی، نسرین.

کتاب انتظار، نسرین میانجی، مجتبی گودرزی؛ [تهیه کننده مؤسسه فرهنگی انتظار نور]. - قم: شباب الجنه، ۱۳۸۵.

۱۲۸ ص

۱۰۰۰۰ ریال

ISBN.964-94925-7-7

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص [۱۲۷] - ۱۲۸؛ هم چنین به صورت زیر نویس.

۱. مهدویت - انتظار. ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - احادیث. الف. گودرزی، مجتبی ۱۳۴۶ - نویسنده همکار.

ب. مؤسسه فرهنگی انتظار نور. ج. عنوان.

۲۹۷/۴۶۲

ک ۲۲۴ / ۴ / ۹ م BP

۱۳۸۵

شناسنامه

نام کتاب: کتاب انتظار

مؤلف: نسرین میانجی و مجتبی گودرزی

ناشر: شباب الجنه

نوبت چاپ: اول - تابستان ۸۵

لینتوگرافی، چاپ و صحافی: سپهر قم

شمارگان: ۲۰۰۰

بهاء: ۱۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

نشانی پخش: مؤسسه انتظار نور - چهار راه غفاری، کوچه شماره ۱۰، پلاک ۳۷

تهیه شده توسط مؤسسه پژوهشی انتظار نور

# کتاب انتظار

نسرین میانجی، مجتبیٰ گودرزی

## فهرست

مقدمه	۹
مبانی نظری انتظار	۱۱
نسرین میانجی	
مقدمه	۱۱
۱. بیان مسأله	۱۱
۲. فرضیه‌های پژوهش	۱۲
۳. هدف پژوهش	۱۲
۴. سابقه پژوهش	۱۵
فصل اول: حقیقت انتظار	۱۹
۱. مفهوم شناسی انتظار	۱۹
۱-۱. تعریف لغوی و اصطلاحی	۱۹
۱-۲. معنای عام	۲۰
۱-۳. معنای خاص	۲۳
فصل دوم: برخی دیدگاه‌ها در باره انتظار	۲۷
۱. دیدگاه‌های منفی بینانه	۲۷
۱-۱. نگرش ماتریالیستی	۲۷
۱-۲. نگرش وارداتی	۲۸
۱-۳. بازتاب نابسامانی‌ها	۳۲

۳۳	۲. دیدگاه‌های واقع بینانه
۳۳	الف) فطری و غریزی بودن انتظار
۳۹	ب) غایت و پایان تاریخ (فلسفه تاریخ)
۵۱	فصل سوم: مبانی انتظار در روایات
۵۲	اضطرار به وجود حجت
۵۲	۱. حجیت امام
۵۳	۲. ضرورت حجت
۵۳	۲-۱. برهان غایت
۵۵	۲-۲. برهان امکان اشرف
۵۵	۲-۳. برهان ضرورت هدایت و استكمال نوع انسان
۶۳	مهدی <small>علیه السلام</small> در منابع اهل سنت
۶۵	نتیجه
۶۷	<b>اوصاف و ویژگی‌های منتظران</b>
	مجتبی گودرزی
۶۷	چکیده
۶۸	بیان مسأله
۶۸	سوالات تحقیق
۶۹	فرضیات تحقیق
۷۰	پیشینه تحقیق
۷۰	روش تحقیق
۷۱	ضرورت و اهمیت تحقیق
۷۱	کلیدواژه‌ها
۷۵	مقدمه

الف) ویژگی‌های درونی و فردی منتظران بر اساس اعتقادات و باورها	۸۳
۱. پایداری و استقامت	۸۳
۲. معرفت و شناخت صحیح	۸۶
۳. صبر و شکیبایی	۸۹
۴. منتظران مهذبند	۹۲
۵. آمادگی	۹۵
۶. عبادت	۹۹
۷. اطاعت	۱۰۱
۸. تقوا	۱۰۵
۹. اخلاص	۱۱۰
۱۰. ایمان	۱۱۴
۱۱. یقین	۱۱۸
۱۲. اقتدا و تأسی	۱۲۰
ب) ویژگی‌های منتظران بر اساس رفتارهای جمعی و گروهی در جامعه	۱۲۲
نتایج تحقیق	۱۲۵
منابع	۱۲۷

## مقدمه

حمد و ستایش بر پروردگار جهانیان و سلام و درود بی پایان بر بهترین آفریده خداوند سبحان، رسول مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی و خاندان شریف و مطهرش و تمام کسانی که تا رستاخیز، به شایستگی از ایشان پیروی می‌کنند.

مسلمانان از سپیده دم طلوع خورشید اسلام تا کنون، حقانیت بشارت نبی اکرم ﷺ به ظهور مردی از خاندان شریف خود در آخرالزمان به نام مهدی (عج) را باور داشته‌اند. همان کسی که پس از لبریز شدن جهان از ستم و بی‌عدالتی، عدل و قسط را بر پهنه این کره خاکی خواهد گسترد. بنابراین، چشم‌انتظاری و لحظه‌شماری برای ظهور وی و مبارزه با ظالمان و مجاهده در راه گسترش عدالت برای آماده‌سازی زمینه‌های ظهورش در طول قرن‌های متمادی در میان مسلمین استمرار داشته است. خصوصاً امروز که با همت والای منتظران راستین او نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه برپا گردید و با هدایت داهیانه مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه الله)، سروش انتظار، که عاملی برای اقتدار مؤمنانه بشر است، به جهانیان خوانده شده است. گرچه موضوع انتظار منجی و تبیین آن سابقه‌ای طولانی در بین ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی دارد و همواره مورد توجه بوده است.



انگاره‌ای که در عصر غیبت، بر او گرد و غبارِ زمان نمی‌نشیند و کهنه نمی‌گردد. چرا که پویایی طرح انتظار منجر به انتظار پویا می‌شود. اهمیت انتظار و اثرات آن در امروز و فردای جوامع بشری، مسأله‌ای است حیاتی که در هر عصری نیازمند بیانی نو و جدید است تا در پرتو آن، معارف مهدوی از آسیب‌ها، خرافه‌ها و تحریف‌ها پیراسته گردد. و نیز با تبیین انتظار، وظایف و ویژگی‌های منتظران واقعی حضرت مهدی (عج)، می‌توان پیام آن را به جهانیان و جوامع بشری رساند. جوامعی که بحران معنویت، اخلاق و روان مشخصه شناخت آنها شده است. پیام انتظار، پیام امید، تحرّک، تلاش و کوشش است. چرا که انتظار، دریچه‌ای رو به ملکوت اعلیٰ، حماسه تبر ابراهیم علیه السلام و ذورالفقار علی علیه السلام، تفسیر خون‌نامه نینوا، پرچم مقاومت و ایستادگی، شعار عدالت‌خواهی و آزادگی، پاسداشت شرافت و کرامت انسانی، زورقی عرش‌پیما در گرداب شهوات و هواهای نفسانی، چکامه شورانگیز یکتاپرستی، واحه سبز معنی در برهوت ماده، و بهانه‌ای برای تپیدن قلب تاریخ است.

تبیین درست و صحیح انتظار و نشر آن در جامعه، در پی ترسیم جامعه ایده‌آل مهدوی و ایجاد شرایط و زمینه‌های تحقق ظهور حضرت مهدی (عج) و انسان‌سازی و آماده کردن یاران و یاوران آن حضرت برای ایفای نقش در حکومت جهانی موعود، است.

از آن‌جا که مؤسسه پژوهشی انتظار نوری یکی از رسالت‌های خویش را تبیین معارف مهدوی از جمله انتظار راستین قرار داده است، اقدام به نشر اثر حاضر نموده و این نوشتار را در دو بخش مستقل تنظیم نموده است. امید است مورد رضایت الهی و در ظلّ توجهات حضرت ولی عصر (عج) قرار گیرد.

## مبانی نظری انتظار

نسرین میانجی

مقدمه

### ۱. بیان مسأله

موضوع انتظار منجی و ظهور مصلح با توجه به اهمیت ویژه‌ای که در بین ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی دارد از دیرباز مورد توجه خاص بوده است و کتب زیادی در این زمینه نگاشته شده و از جنبه‌های مختلف به قضیه پرداخته شده است، از این رو تفکر در ابعاد مختلف مهدویت و موعودگرایی و انتظار، دارای سابقه طولانی است، یکی از ابعاد این موضوع، جایگاه و مبانی نظری انتظار از دیدگاه اسلام است که در یک نگاه کلی به مسأله فوق می‌توان دو گونه پاسخ داد:

الف) به دلیل این که امامت و ولایت در نزد شیعه، امری ضروری، مداوم و جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشر است و نمی‌توان محدودیت و پایانی برای آن قائل شد از این رو امتداد امامت، در مهدویت و غیبت امام دوازدهم تجلی یافته، لذا مسأله انتظار موعود ریشه در اصول عقاید شیعه دارد.

ب) با توجه به کمال‌جویی و کمال‌طلبی انسان، انتظار ریشه در ما فی الضمیر انسان‌ها دارد و ذاتی اوست.

ج) از دیدگاه قرآن و احادیث و روایات، پایان تاریخ با حاکمیت صالحان است لذا مسلمانان در انتظار چنین حکومت صالحی به سر می‌برند.



## ۲. فرضیه‌های پژوهش

براساس چهارچوب نظری استفاده شده در این پژوهش سه فرضیه ارائه می‌شود:

۱. از دیدگاه شیعه، انتظار موعود یک مسأله فطری بوده و ذاتی انسان‌هاست.

۲. انتظار به دلیل ضرورت وجود انسان کامل و امام معصوم در هر عصر و زمانی ریشه در اصول عقاید شیعه دارد.

۳. از دیدگاه اسلام پایان و غایت تاریخ با حاکمیت صالحان است.

## ۳. هدف پژوهش

پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران براساس تفکر سیاسی اسلام شیعی، که در اصل ولایت فقیه متجلی و متبلور گردید، دستگاه‌های پژوهشی سلطه جهانی را بر آن داشت که این پدیده اجتماعی را شناخته و برای مقابله با آن طرح‌های بنیادین ارائه نمایند. براساس تحقیقاتی که عده‌ای از اسلام‌شناسان و شیعه‌شناسان در غرب انجام دادند، دکترین مهدویت و انتظار موعود را بعنوان خطر و تهدید اصلی مطرح کردند.<sup>۱</sup> لذا مبارزه و ستیز با این تفکر، برای دشمن، استراتژیک و

۱. در دسامبر ۱۹۸۶، مطابق با ۱۳۶۵ ه. ش در دانشکده تاریخ دانشگاه تل آویو با همکاری مؤسسه مطالعاتی شیلوه - که یک مؤسسه مطالعاتی غیر انتفاعی است و متصل به صهیونیسم - کنفرانسی با حضور سیصد شیعه‌شناس درجه یک جهان، برگزار شد و ظرف مدت سه روز، در آن، سیصد مقاله صد در صد تفصیلی، تحقیقی و مبتنی بر عمده‌ترین متد تحقیقی و عمیق‌ترین روش‌ها ارائه شد. به

ضروری شد، چون به این نتیجه رسیدند که ایمان و اعتقاد به امام زمان مانع از تسلیم شدن است و ملت‌های با ایمان که حضور قلب عالم امکان را در میان خود احساس می‌کنند و منتظر ظهور نهایی او هستند هرگز ناامید و تسلیم نخواهند شد و در آثار و کنفرانس‌ها و مجامع خویش علناً به این مطلب اذعان کرده‌اند.<sup>۱</sup>

جیمز دارمستر می‌گوید: قومی چنین را که هر لحظه منتظر ظهور است می‌توان کشتار کرد اما مطیع نمی‌توان ساخت.<sup>۲</sup>

بنابراین دشمن مقوله مهدویت و انتظار موعود را در تقابل با منافع خویش دانسته و در مقابل آن صف آرای کرده و از روش‌های مختلف جهت مبارزه با فرهنگ انتظار بهره جسته است.

عملکرد دشمن در مورد باورهای صحیح و مفید اعتقادی و مذهبی معمولاً به این شکل است که در وهله اول، تا آن‌جا که ممکن باشد انکار

→ قول مارتین کرامر - که یکی از شیعه‌شناسان جهان و دبیر این کنفرانس بود - هدف اصلی از برپایی این کنفرانس، شناخت مفاهیم محوری در تمدن شیعه اثناعشری و بعد، بالطبع، شناسایی انقلاب اسلامی سال پنجاه و هفت ایران (و راه‌های مبارزه با آن) بود. (حسن بلخاری، تهاجم یا تفاوت فرهنگی، تهران، انتشارات حسن افرا، ۱۳۷۰ ش، ص ۹۳-۹۴). در کنفرانس تل‌آویو در بحث مبارزه با تفکر مهدی باوری، ابتدا امام حسین و بعد امام زمان را مطرح و هر دو را عامل پایداری شیعه می‌دانند نگاه سرخ و نگاه سبز، و در این کنفرانس مطرح می‌شود که شیعه به اسم امام حسین قیام می‌کند و با امام زمان قیامش را حفظ می‌کند. (همان، ص ۹۳، ۱۳۰).

۱. فهمی هویدی در کتاب ایران من الدخل، کلید فهم تحقق انقلاب ایران را در واژه‌هایی مانند، ولایت فقیه، مرجعیت، امام غایب، غیبت کبرا و غیبت صغرا و انتظار می‌داند. (حسن بلخاری، پیشین، ص ۱۳۱). و حامد الگار در کتاب انقلاب اسلامی در ایران، ریشه انقلاب ایران را به نوع امامت از دیدگاه شیعه و مسئله غیبت امام زمان و پیامدهای سیاسی آن می‌داند. (همان).

۲. محمدصابر جعفری، "مهدی انکاری - انتظار ستیزی"، فصلنامه انتظار، ش ۵، ص ۲۶۸، به نقل از: کتاب مهدی از صدر اسلام تا قرن سیزدهم هجری، ترجمه محسن جهان‌سوز، ص ۳۸ و ۳۹.



می‌کند و اگر نتوانست به تحریف و تخریب آن پرداخته یا در مقابل آن اقدام به جایگزینی می‌کند، که در مورد مسأله انتظار هم از این روش بهره جسته است، نخست به انکار مقوله مهدویت و انتظار موعود در اسلام و شیعه پرداخته و آن را یک مقوله وارداتی و برگرفته از ادیان و مکاتب دیگر و یا صرف پیامد نابسامانی‌ها و مشکلات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حتی عقده‌های روحی و روانی معرفی می‌کند و در وهله بعد اقدام به تحریف مسئله انتظار کرده و مقوله انتظار موعود را که آثار و پیامدهای بسیار شگرف و معجزه‌آسا و مثبتی دارد به انتظار منفی و تلخ و ناگوار تبدیل کرده است و در اقدام دیگری به تخریب موضوع انتظار منجی پرداخته است به این نحو که دشمن حمله‌ای ناجوانمردانه و نفرت‌زایی در مقابل جریان مهدویت و انتظار موعود با ژست‌های علمی و فرهنگی کرده که نمونه آن فیلم پیش‌گویی‌های نوسترا داموس است.

از حربه‌های دیگر دشمن جایگزین‌سازی می‌باشد که با شخصیت‌پردازی و مدعی‌سازی و حمایت از مدعیان و فرقه‌ها و ساختن شخصیت‌هایی مانند سیدعلی باب و... به مبارزه با مقوله انتظار و مهدویت پرداخته است.<sup>۱</sup>

هجمه‌های گسترده دشمنان به مسئله انتظار موعود، و عدم تحقیق مستوفی و اثری مستقل در زمینه مبانی نظری انتظار، انگیزه‌ای برای راقم این سطور شد تا با بضاعتی اندک خوشه چین خرمن بزرگان باشم و تحقیقی مستقل را در این زمینه ارائه دهم.

۱. مرکز تخصصی مهدویت، فصلنامه انتظار، شماره ۵، ص ۲۶۵.

#### ۴. سابقه پژوهش

ایده ظهور منجی بزرگ که با خروج خود، عدل و قسط و گشایش و آسایش را در مقطع پایانی حیات انسان به ارمغان خواهد آورد و به ستم و تجاوز ظالمان در پهنه کره خاکی پایان خواهد بخشید و دولت کریمه عدل پرور و دادگستری را بنیان خواهد نهاد، عقیده‌ای است که پیروان ادیان ابراهیمی و بخش چشم‌گیری از سایر ملل بدان ایمان داشته و دارند. یهودیان مانند مسیحیان - که به بازگشت عیسی علیه السلام معتقدند - به ظهور یک منجی می‌اندیشند و همان‌گونه که زرتشتیان در انتظار، سوشیانت، نصرانیان حبشی نیز چشم براه ظهور پادشاه خود تئودور موعود هستند و هندوها نیز به خروج ویشنو دل بسته‌اند و مجوسی‌ها به زنده بودن هوشیدر اعتقاد راسخ دارند و بودایی‌ها منتظر باز آمدن بودا و اسپانیایی‌ها مترقب بزرگ خود رودریک‌اند و اقوام مغول هم رهبر خود چنگیز را منجی بزرگ می‌شمارند. هم‌چنین ایده ظهور منجی در مصر باستان هم رواج داشته است همان‌گونه که در متون کهن چین نیز دیده شده است.<sup>۱</sup>

مسلمانان از سپیده دم طلوع خورشید اسلام تا کنون، حقانیت بشارت نبی اکرم صلی الله علیه و آله به ظهور مردی از خاندان شریف خود در آخرالزمان به نام مهدی (عج) را باور داشته‌اند همو که پس از لبریز شدن جهان از ستم و بی‌عدالتی، عدل و قسط را بر پهنه این کره خاکی خواهد گسترد.

بنابراین، چشم‌انتظاری و لحظه‌شماری برای ظهور مهدی خاندان

۱. سید ثامر هاشم العمیدی، در انتظار قنوس، ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده، قم، انتشارات مؤسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹ ش، ص ۴۵.



عصمت و طهارت علیه السلام در طول قرن‌های متمادی در میان احاد امت اسلامی استمرار یافته و مسلمانان بر این عقیده پای فشرده‌اند.

پیشینه تاریخی انتظار موعود و منجی هم‌چنان که اشاره شد در ادیان ابراهیمی و غیرابراهیمی بوده و در دین اسلام نیز همزاد با نشر دین اسلام است و اندیشمندان اسلامی در موضوع مهمی چون انتظار موعود و منجی تالیفاتی داشته‌اند که به شرح زیر می‌توان طبقه‌بندی کرد:

۱. آثاری که پیش از ولادت امام مهدی (عج) درباره آن حضرت تالیف شده است.

۲. آثاری که از آغاز عصر غیبت تا پیش از سدهٔ اخیر تالیف شده است.

۳. آثاری که در سدهٔ اخیر تالیف شده‌اند.

جناب آقای علی اکبر مهدی پور در کتاب ارزش‌مند کتابنامه حضرت مهدی (عج) نام و مشخصات بیش از دو هزار کتاب که مستقلاً در مورد حضرت مهدی نوشته شده را درج کرده‌اند و همین‌طور جناب آقای مهدی علیزاده در ترجمه کتاب «در انتظار ققنوس» کاوشی در قلمرو موعودشناسی و مهدی باوری انجام داده‌اند که می‌توان موضوع انتظار را از آن کتب استفاده کرد و علاوه بر کتبی که در مورد مهدویت نگاشته شده و هرکدام بنحوی به موضوع انتظار از جوانب مختلف اشاراتی داشته‌اند کتب مستقلی هم در خصوص این موضوع به رشته تحریر در آمده است<sup>۱</sup>

۱. ۱. انتظار و انسان معاصر، عزیزالله حیدری

۲. تشیع و انتظار، محمدتقی خلجی

۳. درآمدی بر استرانی انتظار، اسماعیل شفیعی سروستانی

اما در هیچکدام از کتب مزبور بحثی از مبانی نظری انتظار بمیان نیامده است و بیش تر به تعریف انتظار، اثرات انتظار و وظایف منتظرین پرداخته شده است.

- 
- ۴. امید و انتظار، محمدتقی جعفری  
 ۵. انتظار در سایه توحید، علی قائمی  
 ۶. انتظار عامل مقاومت و حرکت، صافی گلپایگانی  
 ۷. انتظار، فلسفه تاریخ، موحد  
 ۸. انتظار موعود، گروه نویسندگان  
 ۹. انتظار فرج حضرت مهدی (عج)، محمود شریعتی  
 ۱۰. آیین انتظار، علی اکبر تلافی  
 ۱۱. آفاق انتظار، علی شاداب رو  
 ۱۲. در انتظار نور، دکتر حسن بلخاری  
 ۱۳. در انتظار خورشید ولایت، عبدالرحمن انصاری و عذرا انصاری  
 ۱۴. در انتظار امام، عبدالهادی فضلی  
 ۱۵. در انتظار امام زمان (عج)، بهاءالدین نجفی  
 ۱۶. در انتظار آفتاب، حسین فریدونی



## فصل اول: حقیقت انتظار

### ۱. مفهوم شناسی انتظار

#### ۱-۱. تعریف لغوی و اصطلاحی

اگر مفاهیم صحیح و واقعی واژه‌ها، درست درک شود، اشتباهات و سوء تفاهماتی که در شناخت مذهب و اهداف آن برای عده‌ای پیش آمده یا می‌آید، مرتفع و اهداف واقعی مکتب روشن می‌شود، از جمله مفاهیمی که برداشت‌های مختلفی از آن شده، مسئله انتظار ظهور و فرج مهدی موعود (عج) است به همین علت شایسته است در این زمینه کنکاشی داشته باشیم.

انتظار از نظر ریشه لغوی به معنای چشم به راه بودن، «توقع»،<sup>۱</sup> «درنگ در امور، نگرهبانی و نوعی امید داشتن به آینده»<sup>۲</sup> تعبیر شده است. آن‌چه با مراجعه به کتب لغوی معلوم می‌شود، این است که انتظار یک حالت روانی به همراه درنگ و تأمل است.

برخی نیز گفته‌اند: انتظار، حالتی است نفسانی که آمادگی برای آن‌چه انتظارش را می‌کشند از آن بر می‌آید و ضد یأس و ناامیدی است.<sup>۳</sup>

---

۱. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه لغت‌نامه و هخدا، ۱۳۷۷، واژه انتظار، نقل از: اقرب الموارد، ناظم الاطباء...

۲. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱۲، ص ۱۶۶.

۳. سید تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للفائم، ج ۲، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران، انتشارات بدر، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۸۸.

به نظر می‌رسد امید به آینده و انتظار فرج در آموزه‌های دین اسلام به دو معنا به کار رفته است: انتظار به معنای عام و انتظار به معنای خاص.

## ۲-۱. معنای عام

در این معنا مکتب اسلام تلاش کرده است از یک سو با فضیلت بخشیدن به انتظار، گشایش و امید به آینده و از سوی دیگر با نکوهش یأس، ناامیدی، دل‌سردی و دلمردگی، روحیه تلاش و تکاپوی سازنده را در افراد جامعه اسلامی زنده نگه دارد و از ایجاد حالت یأس و ناامیدی در زندگی شخصی مسلمانان جلوگیری کند.

اهتمام اسلام به این معنای عام از انتظار و امید به آینده تابدان حد بوده که از یک سو امید به فرارسیدن گشایش از طرف خداوند در زمره بهترین اعمال بر شمرده شده و از سوی دیگر، یأس و ناامیدی از رحمت خداوند از جمله گناهان بشمار آمده است، در قرآن کریم می‌خوانیم:

«لَا تَيْأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»<sup>۱</sup>.

«وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ»<sup>۲</sup>.

شاید بتوان گفت بسیاری از روایاتی که در آن‌ها به فضیلت انتظار فرج به طور کلی و بدون ذکر متعلق اشاره شده به اصل تقویت روحیه امید به آینده و مقابله با حالت ناامیدی و بدبینی نسبت به آینده نظر داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به این روایات اشاره کرد: حضرت علی علیه السلام در بخشی از

۱. سوره یوسف، آیه ۸۶: «از فرج خدا نومید نشوید، که جز گروه کافران از گشایش خدا ناامید نمی‌شوند».

۲. سوره حجر، آیه ۵۶: «به جز مردم نادان و گمراه کسی از رحمت خدا ناامید نیست».

روایت مفصلی که در آن به امور زیادی که برای صلاح دین و دنیای مؤمن شایسته است، اشاره می‌کند، و پس از توصیه به طلب روزی در بین طلوع فجر و طلوع شمس می‌فرماید:

«انتظروا الفرج، و لا تياسوا من روح الله، فان احب الاعمال الى الله عزوجل انتظار الفرج»<sup>۱</sup>.

اگر امید به آینده و انتظار از جامعه بشری رخت بر بندد، زندگی دیگر مفهومی نخواهد داشت، حرکت و انتظار، در کنار هم بوده و از هم جدا نمی‌شوند انتظار علت حرکت و تحرک بخش است و از آن جایی که انسان ذاتاً کمال طلب است لذا انتظار رسیدن به کمال مطلوب و آینده بهتر با نهاد او عجین شده است. انتظار و امید به آینده همزاد انسان است و اگر امید را از او بگیرند سرنوشتی جز، سکون، مرگ و تباهی نخواهد داشت. از همین روست که در کلام نورانی پیامبر گرامی اسلام ﷺ آمده است:

«الامل رحمة لامتی و لولا الامل ما رضعت والدة ولدها و لا غرس غارس شجراً»<sup>۲</sup>.

امید به آینده موجب تحرک و پویایی است و به قول «فرانکل» اعتقاد به آینده، هم عامل معنا داشتن زندگی و هم عامل تداوم و استمرار آن است.<sup>۳</sup>

۱. «در انتظار فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید، زیرا دوست داشتنی‌ترین کارها نزد خداوند انتظار گشایش است». (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، بیروت، انتشارات الوفاء، ۱۴۰۳ق، ص ۹۴).

۲. «امید برای امت من مایه رحمت است و اگر امید نبود هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی درختی نمی‌کاشت». (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، پیشین، ص ۱۷۵).

۳. دو آن شولستن، روان‌شناسی کمال، ترجمه گیتی خوشدل، ص ۲۱۱-۲۱۰.



گوستا و لوبون گوید:

«بزرگ‌ترین خدمت‌گزاران عالم بشریت، همان اشخاصی هستند که توانستند بشر را امیدوار نگه دارند.»<sup>۱</sup>

کانت، طرح مسئله امید را از ویژگی‌های هوش‌مندی آدمی تلقی می‌کند و می‌نویسد:

برای هر کس که متنبه و هوشیار باشد و در کار دنیا و حال خود بنگرد، سه سؤال پیش می‌آید:

چه می‌توانم بدانم؟

چه باید بکنم؟

چه امید و انتظاری می‌توانم داشته باشم؟<sup>۲</sup>

در مقابل، یأس و ناامیدی و بدبینی، نظام زندگی را از هم می‌پاشد و آثار زهرآگینی برای بشر به بار می‌آورد، که یکی از آثار آن تن دادن به وضع موجود است، چون همه تلاش برای فردای بهتر است، در این جوامع (جامعه‌های مایوس) هرچه هست، گرایش به فساد و رذیلت است، زیرا هنگامی که فرد، از پدید آوردن راستی و درستی، سرخورده و نومید گشت، خواسته‌ها و نیازهایش، از سوی دیگر سر بر می‌آورد، و آن نیازها در جای دیگر، اشباع می‌شود.

لاابالی‌گری، پازدن به همه اصول زندگی، از نتایج نومیدی است از سوی دیگر یأس خود شکست است، کم‌تر کسی از خود مشکلات،

۱. محمدعلی فروغی، سیر حکمت در اروپا، ج ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۰، ص ۲۵۳.

۲. همان.

شکست خورده است، بلکه غالباً قبول شکست است که منجر به شکست می‌گردد. هنگامی شکست خورده‌ایم که باور کنیم شکست خورده‌ایم؛ زیرا شکست از درون شروع می‌شود، و از طرز تفکر و ارادهٔ شخص. به همین دلیل اسلام با یأس و ناامیدی مبارزه کرده و آن را در حکم کفر اقرار داده است.

### ۳-۱. معنای خاص

در این معنا انتظار گشایش و امید به آینده از حالت امری محدود، سطحی و فردی خارج شده و تبدیل به امری گسترده، عمیق و اجتماعی می‌گردد.

در توضیح مطلب باید گفت: تعالیم ادیان الهی و به‌ویژه دین مبین اسلام دقیقاً برگرایش‌های درونی انسان تکیه دارد و اهداف و برنامه آن‌ها براساس همین گرایش‌های درونی و ویژگی‌های فطری سامان یافته است و در این میان نقش دین تنها جهت‌دهی، توسعه و تعمیق این گرایش‌هاست. در موضوع مورد بحث نیز دین مبین اسلام با توجه به این که امید به آینده و انتظار، یک گرایش فطری و جوهرهٔ زندگی انسان‌هاست، تلاش نموده که این گرایش را از یک سو توسعه و از دیگر سو تعمیق بخشد.

به این بیان که دین اسلام به همه انسان‌ها می‌گوید: اولاً شما فقط منتظر بهبود وضعیت معنوی و مادی زندگی خود و اطرافیان نباشید و تنها سعادت نزدیکان خود را طلب نکنید، بلکه این انتظار را نسبت به همه افراد جامعه

گسترش دهید و چشم انتظار روزی باشید که معنویت، عدالت، سعادت، رفاه، نه تنها در شهر و دیار شما بلکه در همه جهان گسترده شود. ثانیاً، انتظار شما نباید تنها متوجه امور ظاهری، سطحی و محدود زندگی گردد، شما باید انتظارتان را تعمیق بخشید و چشم به راه آینده‌ای باشید که حقیقت مطلق، عدالت مطلق و معنویت مطلق در جهان حاکم باشد.

برخی هم انتظار را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

«انتظار سنتز تضاد بین واقعیت و حقیقت است، واقعیت یعنی آن‌چه هست و حقیقت یعنی آن‌چه که باید باشد، گفته‌اند انتظار سنتز ناشی از تضاد بین واقعیت و حقیقت است کوییدن جاده آن‌چه هست تا آن‌چه باید باشد».<sup>۱</sup>

انتظار موعود یا مسیانیزم در اکثر ادیان و مذاهب و مکاتب از دیرباز مطرح بوده است و اکثر جوامع بشری به مسیح یا رهاننده موعود معتقدند، معادل این نظر در انسانشناسی فوتوریسم است به معنای اصالت آینده و آینده‌گرایی و اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور ناجی.

به تعبیر دکتر شریعتی، انتظار، هم یک اصل فکری اجتماعی و هم یک اصل فطری انسانی است به این معنا که اساساً انسان موجودی است منتظر و هر که، انسان‌تر، منتظر‌تر و هم چنین جامعه بشری دارای غریزه انتظار است، و براساس همین اصل، اعتقاد به مسیح از ابتدا در جوامع بشری وجود داشته است.<sup>۲</sup> اما موعود و مسیح در فرهنگ اکثر آنان یک وجود

۱. دکتر علی شریعتی، انتظار مذهب اعتراض، ص ۳۷.

۲. همان، ص ۳۷.

اسطوره‌ای یا نیم اسطوره‌ای و فرابشری است که در آخرالزمان ظهور کرده و نظم و عدالت را به جهان باز می‌گرداند، و حتی هندی‌ها و اقوامی که هیچ وابستگی به امر قدسی ندارند منتظر چنین تحول عظیمی هستند.

اما حقیقت انتظار در اندیشه و فرهنگ شیعه، به نیاز و اضطرار او به موعود و انسان کامل و امام معصوم، یعنی کسی که همه دین را در دل خود دارد تعبیر می‌شود، که با تکیه بر وحی و تشکیل حکومت عادلانه، جهان را به غایت مطلوب خود می‌رساند، چرا که جهان برای این آفریده شده که بشر فارغ‌البال و آسوده‌خاطر با آرامش و راحتی به پرستش خدای بپردازد و دردها و فقرها و سختی‌ها او را از مسیر اصلیش که قرب الی‌الله و رسیدن به بارگاه جلال خداوندی است باز ندارد، مشیت خداوند بر این قرار گرفته است که موجودات راه کمال را بیمایند، و زندگی برای تکامل و ترقی برپا شده است پس باید هر موجودی به کمال نهایی خود برسد. انسان نیز از این قانون مستثنی نیست و ناگزیر باید به کمال نهایی خود برسد آن هم در همه جوانب زندگی و همه مزایای انسانی، و خود زندگی اجتماعی و مدنی انسان از اصیل‌ترین جوانب زندگی اوست. جوامع انسانی هنوز به رشد و کمال نهایی خود نرسیده‌اند و به آن جا نرسیده‌اند که همگان به کمال استعداد خویش برسند و دچار موانع نباشند البته مقدمات این سیر تکاملی توسط انبیاء و ائمه علیهم‌السلام فراهم شده است و حضرت مهدی (عج) با ظهور خویش و تشکیل حکومت واحد جهانی آن را به سر منزل نهایی خواهد رساند. بنابراین انتظار فرج در معنای خاص خود یعنی انتظار قدرت اسلام راستین و ظهور امام زمان حجة بن الحسن العسکری علیه‌السلام و حکومت جهانی آن حضرت.



امام خمینی در این باره می‌فرماید: انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور این شاء الله فراهم شود.<sup>۱</sup>

۱. امام خمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۲۰، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

## فصل دوم: برخی دیدگاه‌ها در باره انتظار

همان‌گونه که گذشت در نگاه شیعه، انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام راستین و ظهور امام زمان حجة بن الحسن العسكري علیه السلام و حکومت جهانی آن حضرت است که تحقق بخش عدل و امنیت و تبلور تمام ارزش‌های والای انسانی است. اما درباره سبب و علل پدیده انتظار و مبانی و ریشه‌های آن، دیدگاه‌های مختلف فراروی ماست.

### ۱. دیدگاه‌های منفی بینانه

عده‌ای برای انتظار، هیچ‌گونه ریشه و مبنای اسلامی قایل نبوده و نسبت به منشأ آن نظرهای متفاوتی دارند:

#### ۱-۱. نگرش ماتریالیستی

جامعه‌شناسان ماتریالیست، ریشه انتظار را، مسایل اقتصادی و بازتاب محرومیت‌های طبقه شکست خورده می‌دانند که غالباً در شکل‌های مذهبی خودنمایی می‌کند به همین علت این تفکر را مایه تخدیر افکار

عمومی خوانده‌اند و از نظر فردی، آن را عامل رکود و وقوف و از نظر اجتماعی وسیله خاموش ساختن جنبش‌های ضد استعماری گفته‌اند.<sup>۱</sup>

## ۱-۲. نگرش وارداتی

برخی اصرار دارند که ایمان به وجود مهدی و مصلح جهانی را یک فکر وارداتی تلقی کنند که از عقاید یهود و نصاری و یا زرتشت گرفته شده است. مثلاً:

۱-۲-۱. در دایرة المعارف معروف بریتانیکا آمده است: اسلام دینی نیست که در آن ظهور منجی انتظار برود و جایی برای مسیح نجات‌بخش در آن وجود ندارد. با این همه به طور تدریجی و شاید تحت تأثیر مسیحیت، عقیده به یک اعاده‌کننده آخرالزمانی، مطرح گردیده است. قرآن اشاره‌ای به آن ندارد و به هیچ حدیث قابل اعتمادی نیز در مورد مهدی نمی‌توان استناد کرد.<sup>۲</sup>

۱-۲-۲. گلدزیهر<sup>۳</sup> نیز که از بنیان‌گذاران استشرق و بزرگان این امر است در کتاب العقیده و الشریعة فی الاسلام که مبنای بسیاری از نوشته‌های مستشرقان پس از او قرار گرفت، چنین می‌نویسد:

«اندیشه مهدی، که در اصل به عناصر یهودی و مسیحی بر می‌گردد. بعضی ویژگی‌های سائوشیانت زرتشتی به آن اضافه شد. چنان‌که اذهان

۱. مکارم شیرازی، مهدی انقلابی بزرگ، قم، انتشارات هدف، بی‌تا، ص ۹۰-۹۱.

۲. مجله موعود، شماره ۱۹. نقل از: بریتانیکا، ترجمه دکترین‌های مذاهب و اصول مذهبی آخرالزمان در مذاهب غرب، واژه اسلام، مرتضی دهقان.

۳. Goldziher، (۱۹۲۱-۱۸۵۰) که یهودی است.

خیال پردازان نیز به آن مطالبی افزود، و عقیده به مهدی مجموعه‌ای از اساطیر شد... آنان احادیثی را به پیامبر ﷺ نسبت دادند که اوصاف دقیق مهدی در آن تصویر شده بود، در حالی که این احادیث به هیچ وجه در تألیفاتی که احادیث صحیح را جمع آوری کرده‌اند نیامده است.<sup>۱</sup>

۱-۲-۳. مارگلی یوت<sup>۲</sup> نیز در مقاله‌ای تحت عنوان مهدی، در یکی از دائرة المعارف‌های غربی<sup>۳</sup> چنین می‌نویسد:

احادیث را هرگونه هم تفسیر کنند، دلیل قانع‌کننده در دست نیست که تصور کنیم پیامبر اسلام ﷺ ظهور یک مهدی را برای احیاء، تحقق، اکمال، و تقویت اسلام لازم و حتمی شمرده باشد.<sup>۴</sup>

۱-۲-۴. دارمستر نیز همین نظریه را ارایه می‌دهد.<sup>۵</sup>

۱-۲-۵. «منیر بعلبکی» در ذیل واژه «مهدی منتظر» آورده است: در قرآن و در روایات نبوی، هیچ اشاره‌ای به مهدی نشده است.<sup>۶</sup> او می‌گوید: «آیا می‌دانید که محمد ﷺ شریعت خود را چگونه بنیان نهاد؟ هنگامی که او ظهور کرد، در عربستان، علاوه بر شرک ملی باستانی، سه دیانت بیگانه موجود بود: آیین یهود، دیانت عیسوی و کیش زرتشت. نکته مشترکی که

۱. مجله انتظار، ش ۸۹، ص ۲۴۵ به نقل از: ذهنیت مستشرقین.

2. Margoliught

3. Encyclo paedia of Reliqion and Ethies, vol. VIII Edit by: s. Hasting. Latestedit, Edinbough, NEW YORK, 1964, p. 337.

نقل از: مجله انتظار، شماره ۸۹، ص ۲۵۰.

۴. ذهنیت مستشرقین، ص ۵۹.

۵. ناصرالدین صاحب الزمانی، دیباچه بر رهبری، تهران، انتشارات مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۴۵ش، ص ۲۰۰-۲۰۱.

۶. همان.



در این سه دیانت یافت می‌شد، عبارت از اعتقاد به یک وجود مافوق الطبیعه بود، که بایستی در آخرالزمان ظهور کند و نظم و عدالت از دست رفته را به جهان بازگرداند و مقدمه خلود و سعادت دائم انسان را فراهم سازد.<sup>۱</sup>

وی اضافه می‌کند: «این اعتقاد که نخست در دیانت یهود بوده و عیسویت را به وجود آورده است فقط وقتی در دیانت یهود یا عیسویان به صورت نهایی درآمد که تحت تأثیر اساطیر ایرانی واقع شد... مسلمانان در خصوص اعتقاد به ظهور منجی، اصول عیسویان را پذیرفته‌اند. عده محدودی از پژوهشگران شرقی و اسلامی نیز به تبعیت از مستشرقین و غربی‌ها با عدم تأمل کافی چنین دیدگاهی را مطرح می‌سازند».

۱-۲-۶. سید امیرعلی (۱۹۲۸ - ۱۸۴۹) از مسلمانان هندوستان در سال (۱۹۲۲ م) در کتاب روح اسلام پس از بحث مختصری درباره «پیدایش اعتقاد به مهدی موعود در اسلام» می‌نگارد:

«اهل سنت در اسلام نیز همانند یهود، معتقدند که هنوز مهدی، واپسین منجی بزرگ اسلام از مادر زاده نشده است. شیعیان اثنی عشری، به مثابه ترسایان، در انتظار بازگشت و رجعت مهدی زنده غایب‌اند که به خاطر استقرار عدل و بهزیستی، قیام خواهد کرد».<sup>۲</sup>

البته پیش از سید امیرعلی، ابن خلدون<sup>۳</sup> هم روایات مهدی را زیر

۱. دار مستر، مهدی در سیزده قرن، ترجمه محسن جهانسوز، ص ۵ و ۶ به نقل از: سید هادی

خسروشاهی، مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت، تهران، انتشارات اطلاعات.

۲. منیر بعلبکی، موسوعة المورد، واژه مهدی المنتظر، نقل از: مجله کلام اسلامی، مسلسل ۴۱، ص ۱۰۶؛

ناصرالدین صاحب الزمانی، دیباچه‌ای بر رهبری، ص ۲۰۲.

۳. ناصرالدین صاحب الزمانی، دیباچه بر رهبری، پیشین، ص ۲۰۲.

سؤال برده و معتقد به بی‌پایگی آن است.<sup>۱</sup> و پیش از آن نیز عبدالقاهر بغدادی (۴۲۰)، نظریه مهدویت را همانند اسلام شناسان معاصر اروپایی، یک نظریه وارداتی، بیگانه، تحمیلی و عاریتی از یهود دانسته و بر این افسانه پای فشارد که شیعه و عقاید آنان برگرفته از عبدالله بن سبا یهودی است. او می‌گوید: ابن سوداء (سبا) از هواداران دین یهود بود و می‌خواست اسلام را با تأویلات خود درباره‌ی علی و فرزندان او از بین برد تا مسلمانان آن‌چه را که نصارا درباره‌ی عیسی معتقدند درباره‌ی علی نیز معتقد گردند....

پیروان «عبدالله بن سبا» چنان پندارند که مهدی آینده، جز علی کسی نیست.<sup>۲</sup>

و همینطور احمد کسروی در دو کتاب شیعی‌گری و بهایی‌گری در این باره می‌نویسد: مهدی‌گری افسانه است... اگر در ادیان دیگر هم منتظر منجی هستند، آن‌ها نیز افسانه است، بی‌گمان در زمان بنیان‌گذار اسلام، سخنی از مهدی در میان نبوده و نباید می‌بود. «مهدودیت را ایرانیان بین مسلمانان انداختند» و امام حسن عسکری فرزندی نداشته، و چگونه می‌شود کسی فرزندی داشته باشد، و کسی از آن آگاه نباشد.<sup>۴</sup>

۱. سید ثامر هاشم العمیدی، پیشین، ص ۲۰۷.

۲. البته گفتنی است که وجود خارجی عبدالله بن سبا، نیز از نظر تاریخی و روایی مخدوش و ساخته دروغ‌پردازان و روایت‌سازان حرفه‌ای است تا چه رسد به این‌که منشأ شیعه و معتقداتی چون انتظار باشد. (عبدالله بن سبا، علامه عسکری).

۳. همان.

۴. ذهبت مستشرقین، ص ۵۵.

## ۱-۳. بازتاب نابسامانی‌ها

برخی ایمان به وجود مصلح و انتظار موعود را واکنشی از وضع نابسامان مسلمانان در دوران تاریک تاریخ خوانده‌اند:<sup>۱</sup>

۱-۳-۱. مارگلی یوت می‌گوید:

«درگیری آتش جنگ در میان یک نسل واحد، پس از وفات پیامبر ﷺ و درهمی و آشفتگی جهان اسلام که بر اثر اختلافات آنان با یکدیگر روی داد، موجب اقتباس فکر ظهور منجی از یهود و مسیحیان گردید که به ترتیب در انتظار ظهور و بازگشت مسیح به سر می‌برند».<sup>۲</sup>

۱-۳-۲. دبی بک دنالد، مهم‌ترین انگیزه آن را در ناامنی و تزلزل خاطر توده‌ها می‌جوید، وی می‌گوید:

«مسلمانان در میان انبوه تیرگی و تزلزل راویان سیاسی اجتماعی، اخلاقی و تأملات الهی و کلامی، به دامن نوید و مژده ظهور یک رهاننده و مصلح و سررسید یک عصر شکوه و جلال کوتاه، پیش از پایان جهان، دست توسل یازیدند».<sup>۳</sup>

۱-۳-۳. در دایرة المعارف «بریتانیکا» آمده است:

به نظر می‌رسد عقیده به مهدی در دوره‌های اغتشاش و عدم امنیت مذهبی بر تحولات سیاسی اوایل اسلام رواج یافته باشد.

۱-۳-۴. در مدخل مهدویت در دایرة المعارف دین ویراسته میرچا الیاده نیز می‌نویسد:

۱. عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، باب چهارم، ص ۲۴۳ - ۲۳۵، ترجمه و اقتباس، نقل شده از: مجله کلام اسلامی، مسلسل ۴۱، ص ۱۰۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی، مهدی انقلابی بزرگ، پیشین، ص ۹۲ و دیباچه‌ای بر رهبری، ص ۲۰۱.

۳. ناصرالدین صاحب‌الزمانی، دیباچه بر رهبری، پیشین، ص ۲۰۱.

«شخصیت مهدی در پی تحولات دینی - سیاسی ظهور کرد. تحولاتی که در فاصله بین قتل عثمان، خلیفه سوم، در سال ۳۵ پس از هجرت، ۶۵۵ میلادی، و شهادت حسین [ع] [ع] نوه محمد [ع] و پسر علی بن ابی طالب [ع] [ع] پسر عمو و داماد محمد [ع] [ع]. پس از ربع قرن اتفاق افتاد. اعتقاد به مهدی به عنوان منجی متفکر باید از میان گروه‌های جاه‌طلب و ناآرام عرب که حامی ادعاهای علویان در خصوص رهبری مشروع جامعه بودند برخاسته باشد».<sup>۱</sup>

از اسلام شناسان معاصر نیز، برخی بر همین عقیده‌اند:

برنارد لوئیس در مقاله خود تحت عنوان «شیعه در تاریخ اسلام» در کنفرانس تل آویو می‌گوید:

«سرکوبی بسیاری از قیام‌ها و ناپدید شدن رهبران آن‌ها باعث ظهور ویژگی دیگری در دکتترین شیعه شد و موضوعات و مسائلی چون مسأله غیبت و رجعت رهبر شیعیان، حضرت مهدی، آخرین امام شیعیان به وجود آمد و این منجی‌گری تبدیل به یکی از جنبه‌های اساسی اسلام تشیع شد».<sup>۲</sup>

## ۲. دیدگاه‌های واقع بینانه

### الف) فطری و غریزی بودن انتظار

دلایل و نمودهای فطری و غریزی بودن انتظار به شرح ذیل است:

۱. مجله انتظار، شماره ۸ و ۹، ص ۲۱۷.

۲. مجله موعود، شماره ۱۹، مقاله هدایت شده پیروز.



### ۱- الف) عمومیت و همگانی بودن انتظار:

فیلسوف شهیر انگلیسی «برتراند راسل» می‌گوید:

دنیا چشم به راه مصلحی است که همگان را در سایهٔ یک پرچم و یک شعار متحد سازد.<sup>۱</sup>

پروفسور «آلبرت اینشتاین تئوری پرداز نظریه نسبیت» می‌گوید:

«فرا رسیدن آن روزی که در جای جای جهان، صلح و صفا حکومت کند و همهٔ اعضای بشری با یکدیگر دوست و برادر باشند، دیری نخواهد پایید».<sup>۲</sup>

«برنارد شاو» نیز سخن قابل توجه دارد او در کتاب خود بشر و ابرمرد به ظهور یک مصلح بشارت می‌دهد. در این زمینه، عباس محمود العقاد می‌نویسد:

«ظهور مصلح ابرمرد مورد نظر «شاو» صرفاً یک فرضیه و امر ناشدنی نیست و فراخوانی بشر بسوی چنین مصلحی توسط شاو از حقیقتی ثابت و واقعیته اصیل ریشه گرفته است».<sup>۳</sup>

حقیقت این است که: یهودیان مانند مسیحیان به بازگشت عیسی معتقد بوده و به ظهور یک منجی می‌اندیشند و همان‌گونه که زرتشتیان در انتظار رجعت «بهرام شاه» اند. نصرانیان حبشی نیز چشم به راه ظهور پادشاه خود «تئودور موعود» هستند و هندوها نیز به خروج «ویشنو» دل بسته‌اند. مجوسی‌ها به زنده بودن «هوشیدر» اعتقاد راسخ دارند و بودایی‌ها منتظر

۱. سید ثامر هاشم العمیدی، پیشین، ص ۴۵.

۲. بلخاری، پیشین، ص ۱۳۰.

۳. سید ثامر هاشم العمیدی، پیشین، ص ۴۵.

باز آمدن «بودا» و اسپانیایی‌ها مترقب بزرگ خود «رودریک» اند و اقوام مغول هم رهبر خود «چنگیز» را منجی می‌شمارند. هم‌چنین ایده ظهور منجی و انتظار موعود در مصر باستان هم رواج داشته است. همان‌گونه که در متون کهن چینی نیز دیده شده است.<sup>۱</sup>

گلد زیهر - خاورشناس و یهودی متعصب می‌گوید:

«اعتقاد به بازگشت و ظهور منجی موعود، اختصاص به اسلام ندارد... پندارهای مشابهی را می‌توان در میان اقوام دیگری نیز به فراوانی یافت... بنابر اعتقاد هندوایسم «ویشنو» در حالی که بر اسبی سوار است و شمشیری از شعله آتش به دست دارد در پایان دوره کنونی جهان به عنوان «کال کی» ظاهر خواهد شد.

بنابراین، از نظر تاریخی، جامعه‌ها، همواره معتقد به پیروزی قطعی حقیقت و عدالت و آزادی بشریت در آینده‌اند.

«و جوامع بشری به معنای اعم، چه جامعه طبقاتی، چه ملی و چه گروهی، هر تمدن و هر فرهنگی (تا جایی که من تحقیق کرده‌ام) معتقد به انقلاب بزرگ و نجات‌بخش در آینده و بازگشت به عصر طلایی، عصر پیروزی عدالت و برابری و قسط می‌باشند».<sup>۲</sup>

از سوی دیگر، جامعه‌شناسی هم معتقد است که هر جامعه‌ای در نهاد خویش این اعتقاد را داراست. و این اعتقاد (انتظار) تجلی‌گریزه جامعه است، چراکه جامعه موجود زنده‌ای است و موجود زنده منتظر است و اگر منتظر نباشد حرکت نمی‌کند و تن به آن‌چه هست می‌دهد.<sup>۳</sup>

۱. همان، ص ۴۵ به نقل از: سعد محمد حسن، المهدیه فی الاسلام، ص ۴۳-۴۴.

۲. علی شریعتی، انتظار مذهب اعتراض، پیشین، ص ۳۴.

۳. همان.

اصل مسیانیزم (Messidnisme) که در جامعه‌شناسی بعنوان یک بحث بسیار عمیق مطرح است، به معنای اصل اعتقاد جامعه بشری به مسیح یا موعود می‌باشد، بنابراین، هم تاریخ به ما می‌گوید که جامعه‌ها همواره معتقد به پیروزی قطعی حقیقت و عدالت و آزادی بشریت در آینده‌اند و هم جامعه‌شناسی بعنوان مسیانیزم معتقد است که هر جامعه‌ای در نهاد خویش این اعتقاد را بعنوان عکس‌العمل طبیعی و فطری ساختمان خودش، در توجیه‌های مختلف، دارد، از این اصل در اومانیزم و انسان‌شناسی یک اصل کلی بنام فوتوریسم یا فیچریسم (Futurism) استنباط شده به معنای اصالت آینده و آینده‌گرایی است.<sup>۱</sup> فوتوریسم به معنای اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی غیبی و مصلح جهانی، و یک ایده جهان‌وطنی (انترناسیونالیستی) است و به قوم، جغرافیا، نژاد یا مذهب خاص، اختصاص ندارد پس انتظار موعود امری است عمومی و ویژه‌گروه و مذهبی نیست و انتظار چون در جهان عمومیت دارد و مشترک بین همه انسان‌ها، مذاهب و اندیشه‌های مختلف است پس فطری است و همینطور عمومیت این اعتقاد در همه مذاهب و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، نشانه اصالت و واقعیت آن است، زیرا چیزی که زائیده شرایط خاص و محدودی باشد نمی‌تواند این چنین عمومی باشد.<sup>۲</sup>

شهید صدر می‌نویسد:

«مهدی علیه السلام یک الهام فطری انسانی است... این الهام طبیعی و این شعور

۱. علی شریعتی، انتظار مذهب اعتراض، پیشین، ص ۳۳.

۲. علی قائمی، نگاهی به مسأله انتظار، ص ۱۴-۱۵.

باطنی که در افراد همه جوامع و ملل موجود است از گسترده‌ترین و روشن‌ترین الهامات بشری است»<sup>۱</sup>.

## ۲- الف) سرشت و گوهر واحد انسان‌ها؛

از آنجایی که انسان‌ها همه دارای فطرت و سرشت واحد بوده و دارای یک مبدأ و منشأ یگانه هستند. بنابراین نمی‌توانند همواره جدا از هم و دشمن یکدیگر باشند و به جنگ و ستیزه‌جویی علیه هم پردازند، این سرشت واحد خود می‌تواند مبنا و ریشه اساسی انتظار موعود جهت تشکیل یک حکومت واحد باشد و صاحب اصلی این حکومت نیز باید کسی باشد که به درستی و بدون سودجویی شخصی بتواند انسان‌ها را بهم نزدیک سازد و از اختلاف، تفرقه، تشّت و جدال نجات‌شان دهد. پس حکومت حضرت مهدی، با سرشت و فطرت مردم متناسب و منطبق است و چیزی برخلاف خواسته و علاقه باطنی آنان نمی‌باشد لذا آنان منتظر چنین موعودی جهت تشکیل حکومت هستند.

## ۳- الف) عشق به تکامل

انسان‌ها همواره در جهت رشد و تعالی خویش تلاش می‌کنند و در صدد کمال یافتن و بالندگی افکار و اندیشه‌های خویش هستند، منتها کمال و رشد واقعی تحقق نمی‌یابد مگر با تشکیل یک حکومت عادل و ظهور رهبر مصلح و انسان کامل و هادی بشر، که بتواند به حرکت و تلاش انسان‌ها جهت دهد و زمینه‌های رشد، بالندگی و تعالی آنان را فراهم سازد بنابراین عشق به تکامل یکی دیگر از دلایل فطری بودن مسئله انتظار



منجی و موعود است، لذا کسانی که در زندگی هرگز گرفتار شکست و بحرانی نبوده‌اند، نیز چنین احساسی را در درون جان خود داشته و دارند و همواره منتظر ظهور مصلح جهانی و انسان کامل هستند. که ما به این بحث، تحت عنوان ضرورت انسان کامل در جهان هستی به‌طور مبسوط در فصل‌های بعدی خواهیم پرداخت.

#### ۴- الف) عشق به عدالت

فطری بودن عشق به عدالت را می‌توان از طریق مقدمات زیر اثبات کرد:

الف) انسان در کمون و سرشت خود میل و گرایش به حکومت عدل جهانی و الهی را احساس می‌کند.

ب) با مراجعه به دیگران چنین گرایش و تمایلی را در وجود آنان نیز می‌یابد.

ج) انسان با مراجعه به سایر تمایلات فطری و غریزی، پی می‌برد که همه آن‌ها به دلیل قاعده «الامثال فیما یجوز و فیما لایجوز واحد» ناظر به واقعیات بوده و امری خیالی نیست.

اگر چنین تمایلی در انسان وجود دارد پس باید آن حکومت عدل جهانی در زمانی به صورت کامل محقق گردد، زیرا میل و کشش، از امور ذات‌الاضافه است و تحقق این امور بدون تحقق مضاف الیه امکان‌پذیر نیست، پس میل و گرایش به حکومت عادلانه از تمایلات فطری انسان است و لذا باید در خارج محقق گردد.

علاوه بر برهان یاد شده قرآن کریم هم دو مطلب را به عنوان دو هدف برای انبیاء در کمال صراحت ذکر کرده است.

راجع به هدف اول، درباره خاتم الانبیاء می فرماید:  
 ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا، وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا  
 مُنِيرًا﴾.<sup>۱</sup> و درباره هدف دوم می فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا  
 مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾.<sup>۲</sup>

قرآن با صراحت تمام مأموریت و رسالت انبیا را برقراری عدل در میان  
 بشر مطرح می کند. در این آیه می فرماید: ما رسولان خودمان را با دلایل  
 روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و دستور و نوشته فرستادیم با میزان،  
 یعنی قوانین و مقررات عادلانه، برای ليقوم الناس بالقسط. برای این که همه  
 افراد بشر به عدالت رفتار کنند و اصل عدالت در میان افراد بشر برقرار  
 گردد، بنابراین مسأله برقراری عدالت، آن هم با مقیاس بشریت، هدف  
 اصلی و عمومی همه انبیاء نیز بوده است،<sup>۳</sup> پس عشق به عدالت چون یک  
 امری فطری است لذا خداوند زمینه های تحقق آن را هم توسط انبیاء عظام  
 فراهم کرده است و إن شاء الله ثمره و نتیجه این تلاش ها با حکومت عادلانه  
 و جهانی حضرت ولی عصر (عج) محقق خواهد شد.

### ب) غایت و پایان تاریخ (فلسفه تاریخ)

غایت و پایان تاریخ، حا کمیت صالحان است این وعده حتمی خداوند  
 به انسان هاست و با توجه به این که این وعده حتمی الهی تا کنون محقق

۱. سوره احزاب، آیه ۴۵ و ۴۶.

۲. سوره حدید، آیه ۲۵.

۳. مرتضی مطهری، سیری در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام)، چاپ هفتم، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۱ ش،  
 ص ۲۵۵.

نشده است لذا موحدین منتظر این وعده الهی می باشند که آیات و روایات زیادی هم در این زمینه وارد شده است.

آیات ذیل، نمونه‌ای از آیاتی است، درباره آینده بشریت و وعده الهی در ظهور حکومت صالحان و مستضعفان که در نتیجه بشر را به انتظار فرا می خواند:

### ۱- ب) وعده وراثت مستضعفان

«و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ \* وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ...»<sup>۱</sup>

«و ما اراده کردیم بر مستضعفان زمین منت نهاده و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. و حکومت شان را در زمین پا برجا سازیم...».

این آیه در مورد بنی اسرائیل و در قصه حضرت موسی علیه السلام و فرعون است پس از لحاظ تنزیل و از لحاظ ظاهر به داستان بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی علیه السلام و فرعون مربوط است. اما در این آیه یک اصل کلی مطرح شده است و آن این که اراده ازلی الهی بر این تعلق گرفته که مستکبران ریشه کن شوند و عبادالله الصالحین وارثین ارض و حاکمین در زمین باشند آن هم در پهنای زمین.<sup>۲</sup>

پس محتوا و مفهوم عام آیه به خصوص زمان حضرت موسی علیه السلام و بنی اسرائیل مربوط نیست، اما آیا آن اراده ازلی به طور کامل تحقق یافته است؟

۱. سوره قصص، آیه ۵.

۲. آیت الله معرفت، گفتمان مهدویت (گفتمان سوم)، تهیه مؤسسه فرهنگی انتظار نور، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۱ ش، ص ۱۹۸.

قطعاً این اراده باید تحقق پیدا کند و این اراده جز با ظهور حضرت حجت (عج) امکان پذیر نیست که مؤید این مطلب روایاتی است که مطرح شده است اما قبل از طرح روایات چند نکته از حضرت آیه الله جوادی آملی در مورد مسئله وراثت مطرح می گردد، ایشان می فرمایند:

«ارث که من حکومت را ارث فلان گروه قرار می دهم در قرآن کم تر مطرح شده است و توریث غیر از تملیک و غیر از هبه و مانند آن است تملیک مبادله ای است که در آن کالایی به جای نقد و یا کالایی به جای کالا می نشیند و در حقیقت در این داد و ستد تبادل بین دو مال است اما در مسئله ارث مالک به جای مالک می نشیند و مال در جای خود محفوظ است آن که مالک بالاصل بود فعلاً حضور ندارد و دیگری به جای او حضور و ظهور پیدا می کند و ارث به جای مورث می نشیند و بهترین واژه ای که در قرآن کریم برای برقراری حکومت اولیاء و اوصیا به کار رفته تعبیر ارث است اگر زمین مال خداست که «ان الارض لله یورثها من یشاء»<sup>۱</sup> و خدا مورث و مورث است، دیگری که ولی خداست، و ارث است ارث وقتی صادق است که ارث به جای مورث بنشیند و این بدون خلافت حاصل نمی شود اگر کسی خلیفه و جانشین خدا شد یعنی مظهر خدا و آیت کبری خدا می تواند و ارث زمین شود».<sup>۲</sup>

اما روایاتی که در ذیل آیه مزبور وارد شده است:

در معانی الاخبار به سند خود از محمد بن سنان از مفضل بن عمر روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱. مجله موعود، شماره ۱۹، سخنرانی حضرت آیت الله جوادی آملی.

۲. مجله موعود، شماره ۱۹، سخنرانی حضرت آیت الله جوادی آملی.

نگاهی به علی و حسن و حسین علیهم السلام کرد و گریست و فرمود: شما بعد از من مستضعف خواهید شد»، مفضل می‌گوید عرضه داشتیم معنای این کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله چیست؟ فرمود: «معنایش این است که بعد از من شما امامید چون خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ پس این آیه تا روز قیامت در ما جاری است»<sup>۱</sup>.

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید:

«لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَى وَلَدِهَا...»<sup>۲</sup> دنیا

پس از چموشی و سرکشی - هم‌چون شتری که از دادن شیر به دوشنده‌اش خودداری می‌کند و برای بچه‌اش نگه می‌دارد - به ما روی می‌آورد...» و سپس آیه ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ﴾ را تلاوت فرمود. ابن ابی الحدید در شرح این خطبه می‌گوید:

«و الامامية تزعم ان ذلك وعد منه بالامام الغائب الذي يملك الارض في آخر الزمان و اصحابنا يقولون انه وعد بامام يملك الارض و يستولى على الممالك»<sup>۳</sup> امامیه گمان می‌کنند که این آیه وعده‌ای از جانب خدا درباره امام غایبی است که در آخر الزمان به زمین حکم می‌راند و اصحاب ما (اهل تسنن) می‌گویند: این وعده‌ای است به امامی که بر زمین حکم می‌کند و بر کشورها مستولی می‌شود».

۱. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۱۷ به نقل از: معانی الاخبار، ص ۷۹ و الشیخ عبدعلی بن

جمعه العروسی الحویزی؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۴، قم، المطبعة العلمیه ۱۳۹۳ق، ص ۱۱۰.

۲. محمد عبده، نهج البلاغه، دارالمعرفة، کلمات قصار، شماره ۲۰۹.

۳. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ص ۲۹، خطبه ۲۰۵.



محمد بن حسن شیبانی از دانشمندان حنفی در کتاب کشف البیان از امام محمد باقر و امام صادق علیهما السلام روایت نقل کرده که فرمودند: هر آینه این آیه مخصوص به صاحب الامر است که در آخر الزمان ظاهر می شود و فرعونیان و جباران را هلاک می سازد و شرق و غرب زمین را تصرف می کند و آن را چنان که پر از جور گشته است مشحون از عدل می سازد.<sup>۱</sup>

حافظ سلیمان قندوزی در ضمن حدیثی روایت کرده است که ابو محمد امام حسن عسکری علیه السلام در روز هفتم پس از ولادت مهدی بدو گفت: سخن بگو ای فرزند کوچکم، پس شهادتین گفت و بر پدران خویش یکی پس از دیگری صلوة فرستاد سپس تلاوت قول خداوند متعال نمود که «ونرید...»<sup>۲</sup> هم چنین آمده است تأویل «الذین» آل محمد علیهم السلام هستند که به وسیله امام زمان علیه السلام پیشوایان و وارثان زمین می گردند.<sup>۳</sup>

## ۲- ب) وعده وراثت به صالحان

«ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحين»<sup>۴</sup>

در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد. موضوع بحث در آیه شریفه فراز آخر آیه شریفه می باشد که خداوند می فرماید: البته بندگان نیکوکار من ملک زمین

۱. السید هاشم الحسین البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، قم، المطبعة العلمیه، ص ۲۲۰.

۲. سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی، ینایع الموده، تحقیق سید علی جمال اشرف الحسینی، بیروت، دارالماسرة، ۱۴۱۲ق، ص ۴۵۰.

۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، پیشین، ج ۵۱ و ۵۴.

۴. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

را وارث و متصرف خواهند شد. که مانند آیه سابق اراده ازلی حق را که «ان الارض يرثها» است مطرح می‌کند.

مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله صاحب تفسیر المیزان می‌فرماید: مراد از وراثت زمین انتقال منافع آن و استقرار برکات زمین برای صالحان است و این برکات پایان‌ناپذیر شامل برکات مادی و معنوی می‌شود.<sup>۱</sup> با توجه به مطالب فوق مفاد آیه شریفه می‌شود: به زودی زمین از لوث شرک و گناه پاک‌گشته و افراد و جامعه‌ای که خدای را بندگی کنند و به وی شرک نوزند در آن زندگی می‌کنند.

عده‌ای از مفسرین در مورد تفسیر آیه ذکر شده قائلند، این وراثت که آیه می‌فرماید اختصاص به دوره ظهور و حکومت ولی عصر (عج) که رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در اخبار متواتره از آن خبر داده می‌باشد.<sup>۲</sup> مرحوم طبرسی در تفسیر شریف مجمع البیان ذیل آیه مبارکه از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند: «هم اصحاب المهدي في آخر الزمان» بندگان صالحی را که خداوند در این آیه به عنوان وارثان زمین یاد می‌کند یاران مهدی در آخر الزمان هستند.<sup>۳</sup>

در تفسیر قمی نیز در ذیل این آیه چنین آمده است: «ان الارض يرثها عبادي الصالحون»، «قال القائم و اصحابه؛ منظور از این که زمین از بندگان صالح خدا به ارث می‌برند مهدی قائم علیه السلام و یاران او هستند».<sup>۴</sup>

۱. علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۴، پیشین، ص ۳۳۰.

۲. همان.

۳. آیت الله ناصر مکارم، تفسیر نمونه، ج ۱۳، تهران، چاپ بیست و چهارم، دارالکتب الاسلامیه،

۱۳۶۸، ص ۵۱۹؛ الشیخ عبدعلی بن جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۴، پیشین، ص ۱۱۰.

۴. آیت الله ناصر مکارم، تفسیر نمونه، ج ۱۳، پیشین، ص ۵۱۹.

### ۳- ب) وعده استخلاف به مؤمنان و صالحان

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا. يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا...»<sup>۱</sup> «خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده‌اند و اعمال صالح انجام داده‌اند وعده می‌دهد که آن‌ها را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که پیشینیان را خلافت روی زمین بخشید. و دین و آیینی را که برای آن‌ها پسندیده پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت و خوف و ترس آن‌ها را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را برای من شریک نخواهند ساخت».

پس خداوند به گروهی از مسلمانان که دارای این دو صفت هستند «ایمان» و «عمل صالح» سه نوید داده است:

۱. استخلاف و حکومت روی زمین.
  ۲. نشر آیین حق به طور اساسی و ریشه‌دار در همه جا.
  ۳. از میان رفتن تمام اسباب خوف و ترس و وحشت و ناامنی.
- و نتیجه این امور آن خواهد شد که با نهایت آزادی خدا را بپرستند و فرمان‌های او را گردن نهند و هیچ شریک و شبیهی برای او قائل نشوند و توحید خالص را در همه جا بگسترانند.
- علامه طباطبایی در مورد آیه می‌فرماید:
- این مجتمع طیب و طاهر با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد هرگز

تا کنون در دنیا منعقد نشده است، و دنیا از روزی که پیامبر ﷺ مبعوث به رسالت گشته تا کنون، چنین جامعه‌ای به خود ندیده، ناگزیر اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی (عج) خواهد بود، چون اخبار متواتری که از رسول خدا ﷺ و ائمه اهل بیت  در خصوصیات آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهد.<sup>۱</sup>

مرحوم طبرسی در ذیل آیه می‌گوید: از اهل بیت پیامبر ﷺ این حدیث نقل شده است: «أنها فی المهدی من آل محمد».

در تفسیر روح المعانی و بسیاری از تفاسیر شیعه از امام سجاد  چنین نقل شده است که در تفسیر آیه فرمود:

«هم و الله شیعتنا اهل البيت، يفعل الله ذلك بهم على يدى رجل منا، و هو مهدى هذه الامة، يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً، و هو الذى قال رسول الله ﷺ: "لولم يبق من الدنيا الا يوم...";<sup>۲</sup> آن‌ها به خدا سوگند، شیعیان ما هستند، خداوند این کار را برای آن‌ها به دست مردی از ما انجام می‌دهد که "مهدی" این امت است. زمین را پر از عدل و داد می‌کند آن‌گونه که از ظلم و جور پر شده باشد، و هم اوست که پیامبر ﷺ در حق وی فرمود: "اگر از عمر دنیا یک روز باقی نماند خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌کند تا مردی از دودمان من که نامش نام من است حاکم بر زمین بشود».

۱. علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، پیشین، ص ۲۱۵.

۲. آیت الله ناصر مکارم، تفسیر نمونه، ج ۱۴، پیشین، ص ۵۱۳. در کتاب منتخب الاثر یکصد و بیست و سه حدیث در این مضمون از منابع مختلف اسلامی مخصوصاً از منابع اهل تسنن نقل شده است. به این کتاب صفحه ۲۴۷ به بعد مراجعه فرمایید.

در قسمت آخر آیه هدف نهایی را فراهم آمدن حکومت عدل و ریشه‌دار شدن آیین حق و گسترش امن و آرامش که همان استحکام پایه‌های عبودیت و توحید است معرفی می‌کند که به عنوان هدف آفرینش ذکر شده: «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون»<sup>۱</sup> و این هدف إن شاء الله در حکومت حضرت حجة بن الحسن (عج) به طور کامل محقق خواهد شد و جامعه مهدوی که در واقع همان جامعه‌ای است که همه پیامبران برای تأمین آن در عالم ظهور کردند و همه پیامبران مقدمه بودند تا آن جامعه ایده‌آل انسانی پایه‌گذاری شود و حضرت ولی عصر (عج) که میراث‌بر همه پیامبران الهی است گام آخر را در تحقق آن جامعه الهی برخواهند داشت و در سایه حکومت آن حضرت شجره شیرین خلقت، که تا کنون چنان چه باید، میوه نداده است به ثمر خواهد نشست.

#### ۴-ب) وعده غلبه و تسلط اسلام بر کل ادیان

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون»؛ «اوست خدایی که رسول خدا را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم او را تسلط و برتری دهد، هر چند مشرکین نخواهند».<sup>۲</sup> آیه فوق که عیناً و با همین الفاظ در دو سوره مبارکه صف و توبه آمده است با تفاوت مختصری در سوره مبارکه فتح تکرار شده، یقیناً خبر از واقعه مهمی می‌دهد که اهمیتش موجب این تکرار شده است، خبر از جهانی شدن اسلام و عالم‌گیر گشتن این آیین می‌دهد.<sup>۳</sup>

۱. سوره الذاریات، آیه ۵۶: «جن و انس را نیافریدم مگر این که مرا عبادت کنند».

۲. سوره صف، آیه ۹.

۳. آیت الله ناصر مکارم، تفسیر نمونه، ج ۷، پیشین، ص ۳۷۲.



با توجه به این که در آیه هیچ گونه قید و شرطی نیست و از هر نظر مطلق است دلیلی ندارد که معنی آیه را محدود به زمان پیامبر ﷺ بدانیم. مفهوم آیه مبارکه پیروزی همه جانبه اسلام است بر همه ادیان و این که سرانجام اسلام و اسلامیان همه جهان را مسخر خواهند نمود می باشد.

طبق دلالت نصوص و روایات مختلف، غلبه بر همه ادیان زمانی خواهد بود که منجی بشریت حضرت مهدی (عج) ظهور نماید و برنامه جهانی شدن اسلام را تحقق بخشد. مرحوم طبرسی، صاحب تفسیر مجمع البیان از امام باقر علیه السلام در مورد تفسیر این آیه شریفه نقل می کند: «إِنَّ ذَلِكَ يَكُونُ عِنْدَ خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ فَلَا يَبْقَى أَحَدًا إِلَّا أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ؛ و عده ای که خداوند در آیه داده است به هنگام خروج مهدی (عج) از آل محمد علیهم السلام صورت می پذیرد در آن روز هیچ کس روی زمین نخواهد بود مگر این که اقرار به حقانیت محمد صلی الله علیه و آله می کند»<sup>۱</sup>.

و نیز در همان تفسیر از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل شده که فرمودند:

«لَا يَبْقَى عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ بَيْتٌ... إِلَّا ادْخَلَهُ اللَّهُ كَلِمَةَ الْإِسْلَامِ؛<sup>۲</sup> بر روی صفحه زمین هیچ خانه ای باقی نمی ماند... مگر این که خداوند نام اسلام را در آن وارد کند». و نیز در کتاب اکمال الدین «صدوق» از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه چنین نقل شده: «و الله مانزل تأويلها بعد و لا ينزل تأويلها حتى يخرج القائم فاذا خرج القائم لم يبق كافر بالله العظيم؛ به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می پذیرد که "قائم"

۱. ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان، ج ۲، چاپ اول، بیروت دار احیاء التراث العربی،

۱۴۰۷ هـ. ق، ص ۲۵.

۲. همان.

خروج کند و به هنگامی که او قیام کند کسی که خدا را انکار نماید در تمام جهان باقی نخواهد ماند».

حافظ قندوزی به اسناد خود از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد قول خداوند متعال ﴿هو الذی ارسل...﴾ روایت کرده است که فرمود: «به خدا قسم تاویل آن نمی آید تا زمانی که قائم ما مهدی (عج) قیام کند، پس هنگامی که "قائم" خروج نماید مشرکی به جای نماند مگر آن که کشته گردد تا آن جا که اگر کافری در شکم صخره سنگی باشد آن سنگ خواهد گفت: ای مؤمن در درون من کافری است پس مرا بشکن و او را بکش. <sup>۱</sup> و در آن هنگام جزیه برداشته شود».<sup>۲</sup>

﴿هو الذی ارسل﴾ در کافی ذیل آیه فوق از محمد بن فضیل روایت کرده که می گوید: تفسیر این آیه را از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کردم فرمود: «مقصود از دین حق وصایت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است که پروردگار امر در آن نموده و غالب می شود بر تمام ادیان در وقت ظهور امام عصر روحی له الفداء و خداوند می فرماید ما ولایت قائم و نور او را گرچه کافرین به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام کراحت داشته باشند به مرحله کمال و اتمام می رسانیم».<sup>۳</sup>

۱. سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی، ینایع المودة، پیشین، ص ۵۰۸.

۲. الدر المنثور.

۳. تفسیر جامع، ج ۶، ص ۳۸۸.

## فصل سوم: مبانی نظری انتظار در روایات

اخبار و روایات فراوانی از پیامبر اسلام و هریک از امامان علیهم السلام درباره ضرورت حجت، حجیت امام و تولد، غیبت، ظهور و قیام جهانی و سایر ویژگی‌های حضرت مهدی نقل شده و در واقع سالها پیش از تولد آن حضرت، خصوصیات و ویژگی‌های او، از قبیل این که او از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، از فرزندان فاطمه علیها السلام و از نسل حسین علیه السلام است و با قیام جهانی خویش زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، پیش‌گویی شده است. تعداد این روایات به حدی فراوان است که درباره کم‌تر موضوعی از موضوعات اسلامی این اندازه حدیث وارد شده است.

ما نخست به مسئله اضطرار به وجود امام و حجیت امام از دیدگاه روایات پرداخته و بعد به تعداد روایات وارد شده از ائمه شیعه درباره حضرت مهدی علیه السلام اشاره می‌کنیم و سپس روایات رسیده از حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق اهل سنت را بررسی خواهیم کرد.

## اضطرار به وجود حجّت

تفسیر و تحلیل واقعی «حجّت» و به عبارت دیگر تصوّر صحیح آن، زیربنای تصدیق ضرورت آن در نظام آفرینش است، بدون فهم صحیح حجّت و درک معنای «حجیت امام و نبی» نمی‌توان به ضرورت یا عدم ضرورت آن حکم کرد.

### ۱. حجیت امام

ملاصدرا در بیان این نکته می‌نویسد:

انسان در آغاز تولد خود، حیوانی به‌سان حیوانات دیگر است که جز خوردن و آشامیدن نمی‌داند، سپس با رشد جسم باقی صفات نفس از شهوت و غضب برایش حاصل می‌شود، تا اینجا انسان، حیوان راست قامت است و با بقیه حیوانات تمایزی ندارد.

«فلومات علی هذه الحالة لم یکن له فی الاخرة حیوة مستقرّة و لاحساب و لا کتاب و لا ثواب و لا عقاب ایضاً اذا العذاب و الشقاوة فرع الشعور بالسعادة التي فی مقابلها»<sup>۱</sup>.

بدین جهت، این انسان نه مستحق ثواب است و نه مستحق عقاب، چرا که شقاوت عدم ملکه است و تا سعادت تصور نشود و امکان نیابد، آن هم معنا نمی‌یابد.

حیوان مستوی القامه، به واسطه حجّت به حیات انسانی قدم می‌گذارد و در مسیر ثواب و عقاب قرار می‌گیرد. نقش و معنای حجّت در زندگی این است که انسان را وارد زندگی و حیاتی فراتر از حیات حیوانی می‌کند.

۱. صدر المتألهین، شرح اصول کافی، ج ۲، ص ۵۰۵ در شرح حدیث ۴۶۰.

«اذ تبین هذا فنقول: معنی کون النبی او الامام حجة لله علی العباد، إن طاعته یوجب استحقاق الرحمه و الجنة و النعیم و ان عصیانه یوجب استحقاق الغضب و العذاب و عند الرفع لا یستحقون ثواباً و لاعقاباً»<sup>۱</sup>

حجت بودن امام به معنای این است که بدون او ثواب و عقاب منتفی است و ثواب و عقاب یعنی فعلیت یافتن قوه‌ای انسانی، بر این اساس امام ملاک و عامل فعلیت یافتن انسان است و بدون آن، حیات انسانی قابل تصور نیست.

## ۲. ضرورت حجت

ملاصدرا از سه دلیل عقلی و نقلی برای اثبات ضرورت حجت با استناد به روایات استفاده کرده است:

### ۲-۱. برهان غایت

۱. علت غایی، بیان آن: «العلة الغائية التي لاجلها الشیء»<sup>۲</sup> یعنی، علت غایی گرچه در وجود مؤخر باشد اما فاعلیت فاعل به آن بستگی دارد:

نظام هستی برای انسان کامل خلق شده است و این سخن حکیمانه شیخ الرئیس، از منبع وحی برخاسته: «الحمد لله الذی خلق الانسان و خلق من فضالة طيبته سایر الاکوان»<sup>۳</sup>.

چرا که تمام هستی، ظل وجودی انسان محسوب می‌شود: «لان النبات

۱. همان.

۲. ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ج ۳، ص ۱۵.

۳. به نقل از: حواشی آیت الله حسن‌زاده آملی بر شرح منظومه سبزواری، ج ۲، ص ۴۳۱.



ظل نباتيته و السباع و البهائم اظلال غضبه و شهوته و الشيطان ظل نكراه و مكيدته»<sup>۱</sup>.

بر این اساس اگر علت غایی (انسان کامل) نباشد، فاعل، فاعلیت نمی یابد و فعل نیز بدون علت غایی، وجود و بقایی ندارد. ملاصدرا ضمن تاکید بر این مهم، ضرورت وجود امام را بدین جهت موجه می داند و قائل است این ضرورت را در ورای احتیاج مردم به راهنمایی امام، باید در نیازمندی تمام هستی به وجود امام جست.

«ان وجود النبی ﷺ و الامام لیس بمجرد ان الخلق محتاجون الیه فی اصلاح دینهم و دنياهم و ان کان ذلك مترتباً علی وجوده ضرورتاً، بل انما قامت بوجوده الارض و من فیها لکون وجوده الکونی علةً غائیةً لوجودها، فلاتقوم الارض و من فیها لحظةً الا بوجود الانسان کامل»<sup>۲</sup>.

قوام زمین و آسمان و کل هستی به جهت وجود عنصری امام است و وجود امام، علت غایی وجود هستی است و بر این اساس، حتی یک لحظه، هستی بدون امام و انسان کامل باقی نمی ماند و این نکته مفاد حدیث شریف ذیل است که امام باقر علیه السلام فرمود: «لو ان الامام رفع من الارض ساعةً لماجت باهلها»<sup>۳</sup>.

۱. همان.

۲. صدر المتألهین، شرح اصول کافی، ج ۲، پیشین، ص ۵۰۲. ترجمه: وجود پیغمبر و یا امام تنها برای نیاز خلق در اصلاح دین و دنیاشان به او نیست، و اگرچه این امر ناگزیر بر وجود او مترتب می شود. بلکه زمین و هرکس که در آن است به وجود او قائم و برپاست، زیرا وجود کونی او علت غایی وجود زمین و غیره است. لذا زمین و هرکس که در آن است لحظه ای برپا، جز به وجود انسان کامل نمی ماند.

۳. شیرازی صدر الدین، شرح اصول کافی، ج ۲، پیشین، ص ۲۵۳.

اگر امام لحظه‌ای از زمین گرفته شود، زمین با اهلش مضطرب گردد، ملاصدرا در شرح حدیث می‌گوید: «ان هذا الحدیث علی حقیقه مامراً ذکره منّا» یعنی این حدیث حقیقتی را که بیان کردیم، ذکر می‌فرماید.

## ۲-۲. برهان امکان اشرف

شرح برهان و اشکالات وارد بر آن در فصول بعدی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

## ۲-۳. برهان ضرورت هدایت و استکمال نوع انسان

از جمله ادله‌ای که می‌توان بر ضرورت حجّت اقامه نمود، طرح مسأله نظام احسن خلقت و تعلق گرفتن عنایت باری تعالی به ممکنات است که زمینه تحصیل فعلیت و به غایت رسیدن آنان را فراهم می‌کند. از مطالب پیشین نیز روشن شد که انسان فقط در سایه حجّت به فعلیت می‌رسد و در صورت نبود حجّت، گویا عنایت باری تعالی شامل این نوع شریف نبوده و به نوعی محدودیت که با ذات ناسازگار است، دچار شده است.<sup>۱</sup>

ملاصدرا انسان را مدنی الطبع می‌داند و زندگی مدنی، عوارض طبیعی چون مشاجره و تخاصم دارد. این تنازعات را اگر خوش بینانه بنگریم، برخاسته از تنوع طبایع و ذاتیات و اختلاف فهم افراد انسانی است، برای فعلیت یافتن و بقا و استمرار حیات مدنی، قانون آسمانی لازم است، چرا که انسان که خود مثار و منشأ اختلاف است، نمی‌تواند آن را برطرف کند از

طرفی تکثر فهم‌های بشری، که ناشی از محدودیت آن است، نمی‌تواند با اعتماد کامل به خود و مصون ماندنش از خطا بدون یک فهم ممتاز و یک ملاک برای تشخیص صحت و سقم خود، هدایت جامعه را بر عهده گیرد. این نکته از مناظره هشام استفاده می‌شود که خدای تعالی در وجود انسان حواس و فهم‌های مختلف نهاد، اما برای جلوگیری از خطای حواس، «قلب» را خلق نموده که کنترل‌کننده حواس و میزان برای خطاسنجی آن باشد. امام نیز برای تصحیح افکار انسان‌ها و هدایت‌شان، در مواقعی که خودشان از شناسایی مسیر عاجزند، ضرورت دارد. حیات جمعی بشر و فعلیت یافتن و کمال انسان که ضرورت هستی و مقتضای عنایت باری تعالی است، مقتضی وجود حجت در عرصه حیات بشری است.<sup>۱</sup> و ملاصدرا این سه برهان را در شرح حدیث ذیل مطرح می‌کند.

محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن البرقی عن خلف بن حماد، عن ابان بن تغلب قال: «قال ابو عبد الله عليه السلام: الحجة قبل الخلق و مع الخلق و بعد الخلق؛<sup>۲</sup> حجت پیش از خلق و با خلق و بعد از خلق می‌باشد».

جناب ملاصدرا در توضیح این حدیث می‌گوید:

«فایده این حدیث دفع توهم آن چیزی است که نفوس عوام می‌پندارند که: اشخاص کامل و نفوس ارجمند و انوار بلند، برای هدایت خلق آفریده شده‌اند، تا آنکه غایت در وجود عالی بهره‌بردن سافل باشد، در حالیکه حقیقت جز آن است که می‌پندارند، چون غایت همیشه برتر از صاحب غایت است و آنچه که شی برای آن است، آن شی منزلتش از آن

۱. صدر المتألهین، شرح اصول کافی، ج ۲، پیشین، ص ۳۹۰.

۲. همان، ص ۴۶۷، حدیث ۴۴۳.

چیز پائین تر است، و این مطلب مانند این است که گمان می شود حرکات افلاک و گردش خورشید و ماه و ستارگان در شب و روز تنها برای بهره بردن پائین نشین ها از حیوان و نبات و جماد است... و همچنین انبیا و راهنمایان و حجت های الهی نیز هدف و غایت در وجود آنان اصلاح حال امت هاست، نه بلکه چیزی بالاتر از اینها، و آن قرب و رسیدن به لقای اوست، ولی بر افعالی که آنها انجام می دهند، و بدان افعال تقرب به خداوند حاصل می نمایند. هدایت امت به شاهراه نجات و رسیدن به رستگاری و نیک بختی های امت نیز مترتب است... حجت های الهی پیش از خلق، از آن روی که واسطه در ایجاد خلق اند بوده اند، و بعد از خلق از آن روی که غایاتی هستند که جسمانیات بدانها منتهی می شوند خواهند بود و با خلق، از آن روی که حجت بر آنان باشند و نوری که بدان در تاریکی های احوال خود بسوی شاهراه جهان آخرت و گذرگاه قدسی و پاکی هدایت شوند خواهند بود»<sup>۱</sup>.

این حدیث اشاره به سه استدلال عقلی بر ضرورت حجت که گذشت دارد. «قبل الخلق» اشاره به امکان اشرف و «بعد الخلق» اشاره به برهان غایت (۳) و «مع الخلق» اشاره به برهان لزوم استکمال نوع بشر و عنایت الهی دارد.

و همین طور ملاصدرا برای اثبات ضرورت و استمرار حجت الهی در تفسیر آیه شریفه «ثم قفینا علی آثارهم برسلسنا و قفینا بعیسی بن مریم و آتیناه الانجیل»<sup>۲</sup> می فرماید:

۱. همان، ص ۴۶۸.

۲. حدید / ۱۲۷.

«ان هذه الاية حجة على عدم خلد الزمان عمن يقوم به حجة الله على خلقه اذ علم انه بهذا جرت سنة الله من لدن آدم و نوح و آل ابراهيم الى وقت نبينا ﷺ و لن تجد لسنة الله تبديلاً؛ آيه شريفه سنتی از سنن الهی را بیان می کند و بر نص قرآن، سنت الهی تحویل و تبدیل ناپذیر است. سنتی که رسولان الهی، پیوسته در جامعه بشری حضور داشته اند و این سنت، مقتضی وجود حجت در هر عصر و زمانی است و در عصر ما هم حجت الهی، طبق سنت الهی وجود دارد».<sup>۱</sup>

بنابراین آنچه ضرورت هستی و مقتضای سنت الهی است، وجود «حجت و ولی الله» در هر زمانی است که گاهی در کسوت نبوت و گاهی در کسوت امامت تحقق می یابد. «رسالت» جنبه ملکی آنان است و نفاد و ختم می پذیرد، اما باطن «نبوت»<sup>۲</sup> که ولایت است و مظهر و تجلی اسم خدا می باشد، نفاد و ختم ندارد.

در خلال بحث ها روشن شد که ضرورت حجت با پیوستگی آن تلازم دارد و همیشگی آن را نیز ثابت می کند، حکمت الهی چنان که اصل حجت را لازم می داند، استدامه و بقای این مهم را نیز لازم و ضروری می داند و باطن نبوت (ولایت) همیشه باقی است.

ملاصدرا از ابن عربی نقل می کند:

«ان النبوة قد انقطعت كما قاله رسول الله و ما انقطعت الا من وجه خاص انقطع منها مسمى النبي و الرسول... اما الاوليا فلهم في هذه النبوة مشرب عظیم».<sup>۳</sup>

۱. صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ج ۶، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ص ۲۹۸.

۲. ملاصدرا، شرح اصول کافی، ج ۲، پیشین، ص ۴۶۳.

۳. همان، ص ۴۵۰.

بعد از دوران پیامبر ختمی مرتبت، وحی رسانی قطع و عنوان «نبیّ تشریحی» بر کسی اطلاق نمی‌گردد چون که خود حضرت رسول ﷺ فرمود: «لانی بعدی» اما نه تنها ولایت - که باطن و گوهر نبوت است - قطع نشد. که نسبت به ولایت گذشتگان، شدیدتر و بیش‌تر گردد.

وی از سعدالدین حموی نقل می‌کند: «ان الاستعدادات کانت من زمن آدم الی اخر الزمان فی الترقی فیجب ان یکون امة نیّاً خیراً من الامم الماضیه كما دل علیه قوله کنتم خیر امة اخرجت للناس»<sup>۱</sup>.

بر این اساس می‌توان گفت در دوره آخر الزمان نیز نه تنها ولایت منقطع نیست که به جهت رشد دایره ولایات و تجارب، ولایت ولی الله گسترده‌تر و عظیم‌تر است این پیوستگی را از آیه «لکل قوم هاد» نیز می‌توان استفاده کرد.

پس حاجت مردم به کتاب و منبع وحی الهی، مستمر و همیشگی است و لذا وجود امام نیز همیشگی و دائمی باید باشد تا جواب‌گوی نیازهای عمومی مردم باشد، پس به هر دوران ولّی قائم است.

امام زمان و مهدی منتظر، طبق عقیده شیعه، امام حاضر و ناظر عصر ما است و ایمان به او شرط ایمان واقعی است. حضرت مهدی (عج) امام منتظر و وارث ولایت الهی است که با ظهور خود، جهان را پر از عدل و داد می‌کند و این وعده حتمی است که حتی اگر یک روز هم بیشتر از عمر جهان باقی نماند تحقق خواهد یافت.

۱. ملاصدرا، شرح اصول کافی، ج ۲، پیشین، ص ۴۲۴. ترجمه: استعداد ما از زمان حضرت آدم ﷺ تا آخر الزمان در ترقی و شکوفایی است پس لازم است که امت پیامبر ما ﷺ بهترین امت‌های گذشته باشد، هم چنان که بیان الهی بدان دلالت دارد که بهترین دسته‌ای که بر این مردم نمودار شده‌اند شما بوده‌اید، بدین جهت باید در میان آنان کسانی که درجه‌شان، درجه پیامبران است وجود داشته باشند.



بنابراین حقیقت انتظار، در «اندیشه و فرهنگ شیعه» به نیاز و اضطرار ما به موعود، یعنی کسی که همه دین را در دل خود جای داده است تعبیر می‌شود، ما نیازمند طلایه‌داری هستیم که با وحی پیوند دارد و جامعه بشریت را با تکیه بر وحی به فلاح و رستگاری و کمال می‌رساند. که ما روایات فراوانی در متون دینی خود در ارتباط با موعود جهانی، حضرت مهدی (عج) داریم که به برخی از آنان اشاره می‌کنیم.

آمار اجمالی از روایاتی که در مورد حضرت مهدی (عج) از طریق ائمه علیهم‌السلام رسیده است:

لازم به ذکر است که با توجه به این که عصر هر یک از ائمه ویژگی‌هایی داشته و توجه آن بزرگواران قاعدتاً معطوف به مسائل و موضوعات حادث روز بوده، اما در عین حال، موضوع حضرت مهدی (عج) همواره مورد نظر آنان بوده و به مناسبت‌های گوناگون بیانات و پیشگویی‌های فراوانی نموده‌اند که ذیلاً به عنوان نمونه آماری اجمالی از احادیثی که از ائمه در این زمینه رسیده مطرح می‌کنیم:

۱. امیر مؤمنان علیه‌السلام ۵۱ حدیث؛
۲. امام حسن علیه‌السلام ۵ حدیث؛
۳. امام حسین علیه‌السلام ۱۵ حدیث؛
۴. امام زین العابدین علیه‌السلام ۱۱ حدیث؛
۵. امام باقر علیه‌السلام ۶۳ حدیث؛
۶. امام صادق علیه‌السلام ۱۲۴ حدیث؛
۷. امام موسی بن جعفر علیه‌السلام ۶ حدیث؛
۸. امام رضا علیه‌السلام ۱۹ حدیث؛
۹. امام جواد علیه‌السلام ۶ حدیث؛

۱۰. امام هادی علیه السلام ۶ حدیث؛

۱۱. امام حسن عسکری علیه السلام ۲۲ حدیث.<sup>۱</sup>

۱- الف) امیر مومنان علیه السلام می فرماید: پیامبر اسلام فرمود: عمر جهان به پایان نمی رسد مگر آنکه مردی از نسل حسین امور امت مرا در دست می گیرد و دنیا را پر از عدل می کند همچنانکه پر از ظلم شده است.<sup>۲</sup>

۲- الف) حضرت علی علیه السلام از حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کنند که آن حضرت فرمود: «مهدی قائم از اولاد من است، نام او نام من، کنیه اش کنیه من، و از نظر سیرت و صورت شبیه ترین مردمان است به من».<sup>۳</sup>

۳- الف) بعد از حسین نه تن از صلب او خلیفه خدا در روی زمین هستند و حجت خدا بر بندگان و امین خدا بر وحی او هستند. آنها پیشوای مسلمین، رهبر مؤمنین و سرور پرهیزگاران می باشند. نهمی آنها «قائم» است.<sup>۴</sup>

ب) امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید:

۱- ب) هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به عهد جاهلیت مرده است.<sup>۵</sup>

ج) امام حسین علیه السلام می فرماید:

۱- ج) اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را

۱. این آمار از روی احادیث منقول در کتاب منتخب الاثر تهیه شده است و اگر تتبع بیشتری صورت گیرد طبعاً تعداد احادیث بیش از این خواهد بود.

۲. محمد بن جریر بن رستم طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۰.

۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، پیشین، ص ۷۲.

۴. اعلام الوری، ص ۳۷۸.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، تهران، انتشارات بنیاد رسالت، ۱۳۶۴ ش، ص ۳۷۱.

طولانی می‌کند تا آن‌که مردی از نسل من قیام می‌کند و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند چنان‌که از ظلم و ستم پر شده است. از رسول خدا شنیدم چنین فرمود.<sup>۱</sup>

۲- ج) نهمین فرزند من قائم به حق است. خداوند به وسیله او زمین مرده را زنده گرداند، دین را به دست او آشکار می‌نماید، و حق را احقاق نماید، گرچه مشرکان خوش ندارند.<sup>۲</sup>

۱- د) امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

از وعده‌های حتمی خدا قیام قائم ماست، هر کس در این گفتار شک و تردید به خود راه دهد، خدا را به حال کفر و انکار ملاقات می‌کند.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هر کس به همه امامان اعتراف کند ولی حضرت مهدی علیه السلام را انکار کند مانند کسی است که به همه پیامبران اعتراف کند ولی حضرت محمد صلی الله علیه و آله را انکار کند؛<sup>۴</sup>

امام جواد علیه السلام می‌فرماید:

قائم ما همان مهدی منتظر است که باید در غیبتش انتظار او را کشید و در موقع ظهورش از او فرمان برد. او سومین فرزند من می‌باشد.<sup>۵</sup>

امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: گویا با چشم خود می‌بینم که بعد از من در مورد جانشین من به اختلاف افتاده‌اید، آگاه باشید که هر کس به همه امامان بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اعتراف کند ولی پسر من را انکار نماید،

۱. ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۱۸.

۲. اعلام الوری، ص ۳۸۴.

۳. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، پیشین، ص ۱۴۰.

۴. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، پیشین، ص ۱۴۳.

۵. اعلام الوری، ص ۴۰۸.

همانند کسی است که به همه پیامبران اعتراف نموده، اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را انکار نماید. زیرا که اطاعت آخر ما، اطاعت اول ماست. انکار آخر ما چون انکار اول ماست.<sup>۱</sup>

### مهدی علیه السلام در منابع اهل سنت

در یک بررسی نقادانه، تعداد ۳۳۸ حدیث از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره (مهدی موعود) در منابع روایی اهل سنت نقل شده است، که از این میان دست کم ۴۶ روایت و اثر از حیث مبانی حدیث شناسی از اعتبار کافی برخوردار است، و به اصطلاح «صحیح» یا حداقل حسن محسوب می شود.<sup>۲</sup> و محدثان بزرگ اهل سنت احادیث مربوط به آن حضرت را از

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، پیشین، ص ۱۶۰.

۲. کتابی در سال های اخیر نوشته و منتشر شد که کاروبار اصلی اش بررسی روایات نبوی در خصوص «مهدی موعود» و آموزه «مهدویت» بود. این کتاب ۳۳۸ حدیث از حضرت پیامبر اسلام در این موضوع را به لحاظ سندی بررسی کرده و صحیح و ضعیف و مسند و مرفوع و صریح و غیر صریح آن را از هم باز شناخته است. کتاب الاحادیث الواردة فی المهدی فی میزان الجرح و التعديل در دو مجلد با دو عنوان در معرض است، یکی المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث و الآثار الصحیحه و اقوال العلماء و آراء الفرق المختلفه، و دومی با عنوان الموسوعة فی احادیث المهدی الضعیفه و الموضوعه، چند ویژگی در این اثر هست که آن را شایسته اتکای این بررسی می سازد، نخست آن که، کل این اثر حاصل رساله فوق لیسانس دکتر عبدالعلیم، عبدالعظیم البستوی در دانشگاهام القری در شهر مکه است، که در زمان تألیف رساله، سال ۱۳۹۸ هـ. ق از دانشکده های دانشگاه ملک عبدالعزیز در جده بوده است. به همین ملاحظه، مراحل تحقیق، تدوین و اصلاح کتاب تحت اشراف عالمان برجسته مذهب وهابی انجام شده و از صافی این نگاه گذشته است. می دانیم که مهدویت از شاخصه های مهم مذهب تشیع، به ویژه، فرقه امامیه اثنا عشریه است، و باز می دانیم مذهب وهابیت وسواس و تعصب زیادی در جرح و تعدیل عقاید منسوب به تشیع از خود نشان می دهد، و به جهاتی سخت گیرانه ترین موضع در قبال عقاید و آموزه هایی از این دست از سوی مذهب وهابی اتخاذ می شود، به همین ملاحظه، هر تعداد اذعان و اعتراف کتابی از این دست، درباره آموزه ای از این

طریق گروه بسیاری از صحابه و تابعین در کتاب‌های خویش نقل کرده‌اند و براساس پژوهش برخی از محققان بزرگ، محدثان اهل سنت، احادیث مربوط به حضرت مهدی را از ۳۳ نفر صحابه پیامبر در کتب خود نقل کرده‌اند.<sup>۱</sup>

تعداد ۱۰۶ نفر از مشاهیر علمای بزرگ اهل سنت، اخبار ظهور امام غایب را در کتاب‌های خود آورده‌اند.<sup>۲</sup> و ۳۲ نفر از آنان مستقلاً درباره حضرت مهدی کتاب نوشته‌اند.<sup>۳</sup>

و براساس یک بررسی اجمالی، تعداد ۱۷ نفر از دانشمندان بزرگ اهل سنت به متواتر بودن احادیث مهدی علیه السلام در کتاب‌های خود تصریح کرده‌اند.<sup>۴</sup>

علامه «شوکانی» در خصوص اثبات تواتر این روایات، کتابی به نام التوضیح فی تواتر ماجاء فی المنتظر و الدجال و المسیح تألیف کرده است.<sup>۵</sup> در این کتاب پس از نقل احادیث مربوط به حضرت مهدی می‌گوید: همه احادیثی که آوردیم، به حد تواتر می‌رسد. چنان‌که بر مطلعان پوشیده نیست. و هم‌چنین وی در کتاب النجاح می‌گوید:

اگر کسی ذره‌ای ایمان و مختصری انصاف داشته باشد هیچ وقت نمی‌تواند در اصالت این احادیث و صحت این عقیده تردید نماید.<sup>۶</sup>

→ نوع، مهم تلقی می‌شود. این کتاب از میان ۳۳۸ روایت، با دقت و وسواس، ۴۶ حدیث و اثر را به عنوان صحیح یا حسن برگزیده و ۲۹۲ روایت را ضعیف شناخته است. (علی موحدیان عطار، گونه‌شناسی اندیشه موعود در ادیان مختلف، فصلنامه هفت آسمان، ش ۱۲-۱۳، ص ۱۳).

۱. لطف‌الله صافی گلپایگانی، نوید امن و امان، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۹۱-۹۲.

۲. همان، ص ۹۲-۹۵.

۳. همان، ص ۹۵-۹۹.

۴. همان، ص ۹۰-۹۱.

۵. همان، ص ۹۱.

۶. سید ثامر هاشم العمیدی، پیشین، ص ۱۷۰.

ابن ابی الحدید هم می گوید:

«تمامی فرق اسلامی، اتفاق نظر دارند که عمر دنیا و تکلیف پایان نمی پذیرد مگر پس از ظهور مهدی».<sup>۱</sup>

اینها بخش کوچکی از احادیث و روایاتی است که در کتب معتبر شیعه و سنی آمده است که بیشتر از این در حوصله این کتاب نمی باشد و برای تتبع بیشتر می توان به کتب معتبر روایی مراجعه کرد.

### نتیجه

بنابراین، انتظار منجی، مسأله ای است عمومی و فطری و ودیعه در نهاد تمام بشر بسان تمام اعتقادات دیگر دینی، این امر به معنای بی ریشه گی این اعتقاد در اسلام یا ودیعه گرفتن آن از دیگران نیست بلکه چنان که گفتیم دلیل فطری و اصیل بودن آن خواهد بود، و مؤید الهی بودن این وعده آیاتی است که گذشت، در این آیات سخن از وعده حتمی الهی به میان آمده بود و می دانیم که خداوند «ان الله لا یخلف المیعاد»<sup>۲</sup> است. در سوره قصص سخن از اراده قطعی حضرت حق مطرح گشته بود و تحقق اراده الهی هم قطعی است که: «اذا اراد شیئاً فیقول له کن فیکون»<sup>۳</sup> و در سوره انبیاء سخن از سند مطالبی است که در کتب انبیاء سلف به شکل مکتوب موجود می باشد. پس اراد الله، کتب الله، و وعد الله سه محور قرآنی هستند که ضمانت اجرایی این برنامه الهی را اعلام نموده اند.

پس با تأملی کوتاه در آیات و روایات، به خوبی می توان دریافت که

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، پیشین، ص ۹۶.

۲. آل عمران / ۹.

۳. یس / ۸۲.



این اعتقاد تحت تأثیر هیچ ایده و دین دیگری نبوده است و این مژده و وعده الهی حتی در زمان پیروزی‌ها و موفقیت‌های حکومت اسلامی و فراگیری اسلام در عصر رسول اکرم ﷺ نیز بوده است.

بنابراین مسئله انتظار منجی و موعودگرایی در اسلام، ایده وارداتی و برگرفته از زرتشت، یهود و نصارا... و بازتاب مشکلات پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام و یا پیامد مسایل اقتصادی و محرومیت‌ها و شکست‌ها، نمی‌باشد. البته شکست‌ها، ضعف‌ها، نابسامانی‌ها، ظلم و جنگ، جهل و خدعه، فقر و مسکنت‌ها در برهه‌هایی از زمان، احساس نیاز به منجی را شدت می‌بخشد و نیاز به آن را ملموس‌تر می‌کند. چنان‌که خواسته‌های دیگر نیز در شرایط گوناگون کم و زیاد شده و شدت و ضعف می‌یابد. لیکن عامل پیدایش این ایده و اعتقاد، این امور نیستند. «این تفکر خواه در حال رفاه و آسایش و خواه در حال ناامنی و گرفتاری یک اعتقاد دینی است». و علاوه بر اینها، روایات نیز بر ضرورت وجود حجت الهی با بدن عنصری در هر عصر و زمانی تأکید دارند. حجتی که ولی و جانشین خداست و یکی از شئون او تشکیل حکومت جهانی بر محور توحید و عدل است، لذا ما مسلمانان منتظر آن حکومت الهی هستیم. پس فطری بودن انتظار و وعده‌های الهی مبنی بر استقرار حکومت جهانی عادلانه و روایاتی که در باب ضرورت حجت حی و حاضر در هر زمان، وجود دارد می‌توانند به عنوان سه مبنا از مبانی نظری انتظار مطرح باشند.

## اوصاف و ویژگی‌های منتظران

مجتبی گودرزی

### چکیده

تحقیق حاضر، در باب اعتقادات، شاخه امامت و عنوان مهدویت نوشته شده است و در مقام پاسخ به یکی از اساسی‌ترین مسائل مهدویت در زمان غیبت، یعنی بیان اوصاف و ویژگی‌های منتظران ظهور امام مهدی (عج) می‌باشد. البته در خلال پاسخ به این سؤال، قهراً فرق منتظران واقعی از غیر واقعی روشن شده و اوصاف ذکر شده در واقع اوصاف منتظران واقعی و راستین ظهور می‌باشد. و نیز نشان دادن قلّه‌های اوصاف، که در این میان خواننده می‌تواند خود را محک زده و جایگاه خویش را در مراتب صدق و عمل به این اوصاف بیابد، لذا این اوصاف در دو بخش کلی یعنی، اوصاف فردی منتظران بر اساس باورها و اعتقادات و اوصاف منتظران نسبت به افراد و جامعه آمده است. در بخش نخست به ۱۲ صفت پرداخته شده، که همگی از نصوص دینی استخراج شده‌اند. در بخش دوم به چند صفت به طور اجمال اشاره شده و در آخر، هدف از تحقیق بیان شده است که عبارتند از: ۱. تبیین مسائل اعتقادی؛ ۲. دفاع از شبهات

احتمالی؛ ۳. ایجاد انگیزه برای کسب آن صفات؛ و در نهایت، ۴. قرار گرفتن در زمره منتظران امام مهدی (عج).

### بیان مسأله

این تحقیق، پیرامون اوصاف و ویژگی‌های منتظران ظهور امام مهدی (عج) در دوران غیبت آن حضرت می‌باشد، و در مقام بیان اوصاف یاران و یاوران آن حضرت با استفاده از متون و نصوص دینی یعنی قرآن کریم و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام است؛ به عبارت دیگر حوزه بحث، نقلیات است. گفتنی است در این تحقیق از بیان اوصاف یاران خاص آن حضرت یعنی، همان ۳۱۳ نفر که دلایل خاص برای آن وجود دارد، صرف نظر شده است؛ و استناد اوصاف به روایات و آیات می‌باشد. و از صفات عام و ممدوح که در شأن تمام مسلمین و مؤمنین می‌باشد نیز به دلیل عدم استناد به روایات پرهیز شده است.

### سوالات تحقیق

تحقیق حاضر در پی پاسخ دادن به پرسش‌های ذیل تدوین شده است:

۱. اوصاف منتظران ظهور حضرت مهدی (عج) چیست؟
۲. آیا صرف اعتقاد داشتن به ظهور آن حضرت کافی است؟
۳. آیا کسانی که اعتقاد به ظهور آن حضرت دارند ولی بهره‌ای از صفات و ویژگی‌های منتظران ندارند و یا لااقل چندین صفت دارند، از منتظران واقعی و راستین آن حضرت هستند؟!

۴. آیا با برخورداری از مراحل ابتدایی و کم‌رنگ اوصاف مذکور، می‌توان ادعا کرد که از منتظران واقعی و راستین آن حضرت هستیم؟!
۵. اساساً دانستن اوصاف منتظران، چه نقشی در شخصیت فردی و جامعه، ایفا می‌کند؟
- و سؤالات احتمالی دیگر که شاید از خلال بحث، بتوان آن‌ها را استخراج کرد.

### فرضیات تحقیق

- این تحقیق و استنباطات و نتایج آن، بر فرضیات ذیل استوار است:
۱. ظهور شخصی به نام امام مهدی (عج)، از فرزندان آخرین رسول خدا ﷺ که برای تحقق وعده الهی و گسترش عدل و تشکیل حکومت عدل جهانی، به اذن خداوند می‌آید، حتمی و قطعی است.
  ۲. ظهور امام مهدی (عج) و تشکیل حکومت عدل جهانی، وعده الهی است که در قرآن آمده است.
  ۳. آن حضرت، برای تشکیل حکومت جهانی، نیاز به یاران و یاورانی دارد.
  ۴. یاوران و منتظران ظهور او، از خصوصیات و ویژگی‌های خاصی برخوردارند تا بتوانند در آن حکومت ایفای نقش کنند.
  ۵. این ویژگی‌ها به طور اجمال در قرآن کریم، و به طور تفصیل، در روایات وارده از ائمه علیهم‌السلام آمده است.
  ۶. کسانی که مدعی انتظار هستند، و خود را از منتظران ظهور می‌دانند، باید دارای این اوصاف بوده و یا در مقام کسب آن باشند.

### پیشینه تحقیق

اوصاف و ویژگی‌های منتظران ظهور امام مهدی (عج)، در بعضی از آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام، در باب سخن از منجی عالم بشریت و مهدی موعود (عج) آمده است. البته شاید بتوان گفت در ادیان الهی قبل از اسلام مانند: یهودیت و مسیحیت نیز به صورت اجمال و اشاره دیده می‌شود؛ ولو در قالب یک صفت و یا چند صفت باشد و اسمی از حضرت مهدی (عج) نباشد. و نیز در سیره علمای اسلام در طول زمان غیبت، این اوصاف به طور صریح و کنایه مورد اشاره قرار گرفته است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ویژه در دهه اخیر، عنایت بیش‌تری به این مسأله شده است.

هرچند در این باب به طور مستقل کتابی چاپ نشده و اگر بعضی از مؤلفین در کتب خود فصلی را به اوصاف منتظران اختصاص داده‌اند، اغلب آن را با وظایف منتظران خلط کرده و یا جابه‌جا نقل کرده‌اند. البته، پیرامون اوصاف منتظران، مقالات متعددی به طور جسته و گریخته نوشته شده است، که ما از آن‌ها بهره برده‌ایم.

### روش تحقیق

این تحقیق، با استفاده از روش کتابخانه‌ای انجام شده و توصیفی می‌باشد، و با رجوع به کتب متعدد و منابع اولیه در این زمینه، مطالب مورد نظر استخراج و تدوین شده است.

## ضرورت و اهمیت تحقیق

از آن‌جا که یکی از اصول دین در نزد شیعه، امامت می‌باشد که در راستای نبوت و تکفل امر نبوت بوده و مهدویت از شاخه‌های آن اصل شریف است، و نیز سخن از منتظران ظهور امام مهدی (عج) از زیرمجموعه بحث‌های باب مهدویت می‌باشد، اهمیت این بحث روشن می‌گردد.

از سوی دیگر، ظهور اندیشه‌های افراطی و تفریطی و مسموم، و نیز اندیشه‌هایی به عنوان روشنفکران، با بیان انواع و اقسام شبهات و به چالش کشیدن بحث‌های مهدویت، بر ضرورت و اهمیت این تحقیق می‌افزاید.

از سوی سوم، تبیین مباحث دینی و آمادگی در برابر حملات خصم، و نیز جستجو و تفحص در اعتقادات اساسی و زیربنایی، ضرورت و اهمیت این‌گونه مباحث و تحقیقات را دوچندان می‌کند؛ بنابراین با استعانت از خدای متعال و عنایت امام عصر (عج) و با توجه به بضاعت اندک نویسنده، به تحقیق پیرامون اوصاف منتظران همت کرده و صفحاتی را در این باب تدوین کرده‌ایم.

## کلید واژه‌ها

- **ضرورت بررسی واژه‌ها:** در این فصل قصد داریم واژه‌های مربوط به تحقیق را بررسی کنیم، تا در فهم و شناخت اوصاف منتظران و نیز روایات مورد نظر، ما را یاری دهد.

این واژه‌ها عبارتند از: صفت - وظیفه - یاران - ظهور - قیام، البته ممکن است در خلال تحقیق، به واژه‌گانی برخورد کنیم که نیاز به توضیح داشته باشند که در صورت نیاز در جای خود به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.



- **صفت:** در لغت به معنای وصف کردن، و صفت کسی یا چیزی را بر شمردن و چگونگی و خاصیت می باشد؛<sup>۱</sup> و جمع آن اوصاف است. و نیز گفته شده است صفت برای بیان حالت و چگونگی چیزی و یا وجود علامت در شخصی به کار می رود.

- **وظیفه:** در لغت به معنای جیره، حقوق، عهد و پیمان، کار و خدمت آمده است؛ و جمع آن وظایف می باشد.<sup>۲</sup> معنای مورد نظر ما، از بین معانی مذکور، همان کار و خدمت است، یعنی آن چیزی که با امر و نهی و خواستن و مسئلت کردن، به وقوع می پیوندد؛ و در اصطلاح عرف، عامل بایدها و نبایدها است.

- **یاران:** جمع یار است و در لغت به معنای دوست، محب و اعانت کننده آشنا آمده است.<sup>۳</sup>

معادل عربی آن صحابه و اصحاب است؛ و گاهی، مرادف یاوران استعمال می شود. معنای مورد نظر ما، همان دوست و محب و همراه است. البته در لسان روایات مهدویت، هرگاه سخن از اصحاب و یاران امام زمان (عج) است، شامل اصحاب خاص ایشان (۳۱۳ نفر) و نیز کلیه منتظران ظهور در زمان غیبت می باشد، ولی منظور از یاران و اصحاب در این تحقیق، فقط منتظران ظهور در عصر غیبت است ولو این که ممکن است زمان ظهور و حضور امام زمان (عج) را نیز درک کنند.

۱. بندر ریگی، محمد، منجم الطلاب، ص ۶۷۸ انتشارات اسلامی، تهران، ۶۶، چاپ پنجم.

۲. همان، ص ۶۸۱.

۳. معین، محمد، برهان فاطم، ج ۴، ص ۲۴۱۳، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۶۲.

- ظهور: در لغت به معنای ظاهر گشتن و آشکار شدن است؛<sup>۱</sup> و مقابل آن خفاء و مخفی است. معنای مورد نظر ما، همان ظاهر شدن است، که در معنای خاص آن، به اعلان حضور رسمی امام زمان (عج) پس از دوران غیبت، در مکه مکرمه می باشد.

- قیام: در لغت به معنای ایستادن، رستاخیز و انقلاب و نوعی حرکت است؛<sup>۲</sup>

و در اصطلاح مرادف نهضت و اعلان حرکت عظیم است، که مورد نظر ما همین معنا است. قیام امام مهدی (عج)، طبق بعضی از روایات چهل روز و یا شش ماه پس از ظهور او است؛ لذا قیام آن حضرت با ظهور ایشان فرق دارد و به یک معنا نیست.

۱. بندر ریگی، محمد، منجم الطلاب، ص ۳۳۱، انتشارات اسلامی، تهران، ۶۶، چاپ پنجم.

۲. بندر ریگی، محمد، منجم الطلاب، ص ۴۶۴، انتشارات اسلامی، تهران، ۶۶، چاپ پنجم.

## مقدمه

یکی از سؤالات اساسی و مهم در عصر غیبت با توجه به کثرت مشتاقان و عاشقان حضرت مهدی علیه السلام سؤال از ویژگی‌ها و صفات منتظران آن حضرت است.

بسیارند کسانی که در صدد یادگیری و تحصیل این ویژگی‌ها و صفات هستند، تا بتوانند در جهت قرب معنوی و رضایت امام زمان‌شان حرکت کنند و قدمی بردارند؛ و در صورت توفیق، از اصحاب و یاوران در رکاب آن حضرت باشند و در انقلاب عظیم جهانی موعود مؤثر بوده و ایفای نقش کنند.

تشنه گان عدالت و دل‌سوختگان غیبت، با شنیدن و یا خواندن اوصاف منتظران ظهور، غبطه می‌خورند و خود را ملامت می‌کنند که چرا به طور کامل متصف به آن اوصاف نشده و با تمام قدرت در آن مسیر حرکت نمی‌کنند؛ و گاهی با مطالعه در حالات منتظران راستین و نیز اصحاب فداکار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام هم‌چون اباذر، مالک، مقداد، سلمان و...، اشک فراق و اشک شوق می‌ریزند. مشتاقان ظهور پس از علم به اوصاف و ویژگی‌های منتظران، آن را نصب‌العین خود ساخته و با

انجام وظایف و دستورات دینی، به سوی آن صفات حرکت می‌کنند؛ و به هر اندازه که پیش می‌روند، متّصف و ملّبس به آن صفات می‌شوند. در این جا قبل از بیان ویژگی‌های منتظران، لازم است نکاتی را متذکر شویم:

۱. گاهی سخن از وظایف منتظران است؛ گاهی از جایگاه و مقام آنان، و گاهی از صفات و ویژگی‌های منتظران؛ پرسشی که ما در مقام پاسخ دادن به آن هستیم، پیرامون ویژگی‌ها و صفات منتظران است.

به این معنا که منتظران چگونه هستند، چه خصوصیتی دارند و باید چگونه باشند، نه پیرامون وظایف؛ همان‌طور که بعضی از مؤلفین در باب انتظار، بین ویژگی‌های منتظران و وظایف آنان خلط کرده و گاهی هر دو را یکی فرض کرده و گاهی نیز جای آن دو را عوض کرده‌اند. بنابراین فرق بین صفات و وظایف عبارت است از:

۱. در وظایف، سخن از اوامر (بایدها) و نواهی (نبایدها) و دستورات است، در حالی که در اوصاف، سخن از بیان اهداف عالی و ارائه‌نمای کلی و ایده‌آل و آرمانی بوده و بحث از (هست‌ها) است.

۲. اوصاف و ویژگی‌ها نسبت به وظایف، متأخر است و وظایف متقدمند؛<sup>۱</sup> یعنی برای رسیدن به اوصاف، باید وظایفی را انجام داد و تکالیفی را به عمل آورد، تا متّصف و ملّبس به آن صفات شد. البته این امر نسبی است، به این معنا که اشخاص به هر اندازه به وظایف عمل کنند، به همان مقدار متّصف و ملّبس به آن صفت می‌شوند.<sup>۲</sup>

۱. البته در عالم خارج و عینیت این‌گونه است و ممکن است در عالم ذهن به گونه‌ای دیگر باشد.

۲. در نهایت، این وظایف هستند که اوصاف را در وجود منتظران برجسته می‌کنند.

۳. خصوصیات و ویژگی ها به لحاظ عمل، وظایف اند و به لحاظ اتصاف و تلبس، صفات اند. البته با نگاه کلی به وظایف، می توانیم عمل کردن به وظایف را یکی از ویژگی های منتظران به حساب آوریم؛ یعنی یکی از اوصاف منتظران این است که به وظایف خود عمل می کنند. گفتنی است، در نهایت این وظایف اند که اوصاف را در وجود منتظران برجسته می کنند.

به عنوان مثال می توان گفت: برای اتصاف به صفت تقوا و متقی شدن، باید وظایف و اعمالی را انجام داد تا به تدریج آن صفت حاصل گردد.

۲. بعضی از مؤلفین، منتظر را به واقعی و غیر واقعی تقسیم کرده و این تقسیم را معلول دو گونه انتظار دانسته اند:

۱. انتظار صحیح و مثبت که سازنده، تعهد آور، تحرک بخش و نوعی عبادت است؛

۲. انتظار غلط و منفی که ویرانگر، اسارت بخش، فلج کننده و نوعی اباحی گری است.

و در ادامه گفته اند: این دو گونه انتظار، خود معلول دو نوع برداشت از ظهور امام زمان علیه السلام و آن نیز معلول دو نوع بینش درباره انقلاب های تاریخی است؛ پس در بحث ویژگی های منتظران گفته اند: اگر کسی این گونه صفات و ویژگی ها را نداشت منتظر غیر واقعی، و اگر تمام آن ها را داشت، منتظر واقعی است.<sup>۱</sup>

۱. ر. ک: سیمای آفتاب، دکتر حبیب الله طاهری، انتشارات زائر، ص ۲۰۵، تابستان ۸۰.

به این تقسیم‌بندی اشکالاتی وارد است. از جمله این‌که:  
 اولاً: محور تقسیم فوق، نوع برداشت و نوع بینش است که از مقوله اندیشه می‌باشد و آن را نمی‌توان سرایت داد به جایی که علاوه بر اندیشه و حالت انتظار، به مقوله عمل هم نظر دارد، و بر آن اساس، منتظران را به واقعی و غیرواقعی تقسیم کرد. عکس این حالت هم صحیح نیست، یعنی اگر انتظار را مرکب از دو مقوله اندیشه (بینش) و عمل بدانیم،<sup>۱</sup> چگونه ادعا می‌شود که تقسیم انتظار و منتظر به واقعی و غیرواقعی، معلول دو نوع بینش از انتظار است؟

ثانیاً: بینش و اعتقاد به ظهور، با انتظار ظهور فرق دارد. چه بسا معتقدین به ظهور مصلحی که همه‌جا را پر از عدل می‌کند، وجود داشته باشند، ولی در انتظار تحقق آن نباشند. در بحث منتظران ظهور، صرف اعتقاد و بینش کافی نیست بلکه نیاز به یک سری خصوصیات و ویژگی‌ها و صفات هم می‌باشد. به عبارت دیگر، منتظران علاوه بر اعتقاد، در صحنه عمل هم از هیچ تلاش و کوششی دریغ نمی‌کنند. به همین جهت، کسانی که نسبت به ظهور امام علیه السلام از برداشت و بینش صحیحی بهره‌مندند ولی در این مسیر حرکتی نکرده و در جهت کسب آن صفات قدمی بر نمی‌دارند، چگونه می‌توان آن‌ها را از منتظران واقعی به حساب آورد؟ در حالی که با توجه به تقسیم مذکور این اشخاص از منتظران واقعی می‌باشند.<sup>۲</sup>

ممکن است عده‌ای گمان کنند منتظرانی که تمام صفات و ویژگی‌ها را

۱. که در حقیقت همین صحیح است، ولی با یک تقسیم دیگری که خواهد آمد.

۲. زیرا طبق تقسیم مذکور، منتظر واقعی کسی است که دارای بینش صحیحی از انتظار باشد.



دارند و نیز منتظرانی که تعدادی از آن صفات را کسب کرده‌اند و هم‌چنین منتظرانی که بینش صحیحی از انتظار دارند ولی در عمل هیچ‌گونه تحرّکی ندارند، همه از منتظران واقعی محسوب می‌گردند؛ چرا که عرف، تمام این اقسام را، منتظران واقعی می‌داند، (مسامحة). در حالی که جای عرف و تسامح عرفی، احکام و مسائل فرعی، مانند: عدالت فقهی در امام جماعت و نظایر آن است. ولی در امور اعتقادی از جمله مباحث مهدویّت، جای دقت و امعان نظر و تعمّق است و دیگر سخن از عسر و حرج و امثال آن نیست. به عنوان مثال، خداوند متعال در قرآن کریم، امر به ایمان قوی و مستحکم و توصیه به خارج شدن از ایمان قشری و مستودع می‌کند. «یا ایها الذین آمنوا آمنوا باللّه ورسوله والکتاب الذی نزل علی رسوله...»؛<sup>۱</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ایمان بیاورید به خدا و رسولش و کتابی که بر رسولش نازل شده است».

از دیدگاه فقه، صرف تصدیق قلبی خدا و رسولش ایمان است و آن شخص، مؤمن محسوب می‌گردد، ولو این که از اوصاف مؤمنین بهره‌ای نداشته باشد؛ ولی در اعتقادات، ایمان امری است جوانحی و جوارحی؛ لذا با عمل هماهنگ و توأم است. در بحث اوصاف منتظران نیز صرف وجود مراحل ابتدایی و کم‌رنگ صفات کافی نیست، بلکه آن مرتبه از صفات که برجسته و تقویّت شده و حاکی از انتظار باشد، مورد نظر است؛ لذا به نظر می‌رسد که اگر اصلاحاتی در تقسیم مذکور داشته باشیم، دچار اشکالات فوق نمی‌شویم.

۱. سوره نساء، آیه ۱۳۶.

به این ترتیب که شخص، یا اعتقاد به ظهور دارد و یا اساساً اعتقادی به ظهور ندارد (این قسم از بحث خارج است).

در صورت اول، علاوه بر اعتقاد، یا انتظار ظهور امام علیه السلام را نیز دارد و یا ندارد. (این قسم اصلاً داخل در بحث منتظران نیست).

صورت اول، یعنی کسانی که اعتقاد به ظهور داشته و انتظار ظهور را نیز دارند، منتظران واقعی نامیده می‌شوند.

در این صورت، کسانی که اوصاف بیش‌تری را کسب کرده‌اند و هم‌و غم‌شان انجام وظایف و تحصیل اوصاف بوده است، منتظران واقعی و راستین ظهور امام علیه السلام هستند، ولی اگر در ابتدای مسیر حرکت به سمت اوصاف و وظایف‌اند و مثلاً یکی، دو مورد را به عمل آورده‌اند، آن‌ها هم در مراتب پایین‌تر منتظران واقعی و راستین می‌باشند. به عبارت دیگر صدق و راستی، دارای مراتبی است؛ و به هر اندازه که اعمال با اعتقادات تطبیق می‌کند و به عمل می‌آید، به همان مقدار سیر صعودی در مراتب صدق پیدا می‌کند و بالا می‌رود.<sup>۱</sup>

۳. منظور از منتظران در این تحقیق، همان یاوران و یاران امام مهدی (عج) است؛ کسانی که برای ظهور آن حضرت زمینه‌سازی کرده و در انتظار او به سر برده و امید درک ظهور امام علیه السلام را دارند.

و نیز کسانی که مدّتی در انتظارند و سپس امام علیه السلام را درک کرده و او را مدد رسانده و در حکومت جهانی ایشان ایفای نقش می‌کنند. البته این

۱. اشخاص یا اعتقاد به ظهور → دارند که یا انتظار ظهور هم → دارند ← از منتظران واقعی  
ندارند ← ندارند (منتظر نیستند).

هستند که نسبت به عمل، از مراتب صدق بهره می‌برند.

عده علاوه بر دارا بودن آن صفات و ویژگی ها که اکتسابی و تحصیلی است، به برکت حضور امام علیه السلام و عنایت ایشان، متّصف به صفاتی دیگر می گردند؛ همان طور که از امام سجاده علیه السلام چنین گزارش شده:

«اذا قام قائمنا اذهب الله عزوجل عن شيعتنا العامة وجعل قلوبهم كزبر الحديد وجعل قوة الرجل منهم قوة اربعين رجلا و يكونون مكارم الارض و سنامها...؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آفت را از شیعیان ما بر می دارد، و قلب های آنان را مانند پاره های آهن قرار می دهد و نیروی یک مرد را مساوی با چهل نفر قرار می دهد و این ها حاکمان روی زمین هستند...»<sup>۱</sup>

بدیهی است که اصحاب خاص امام علیه السلام که سیصد و سیزده نفرند، از موضوع بحث خارج هستند و کسانی که در زمان غیبت صغری در انتظار بوده اند و یا حتی در زمان ائمه علیهم السلام منتظر ظهور امام زمان علیه السلام بوده اند نیز از موضوع بحث و تحقیق خارج اند.

۴. اوصاف و ویژگی هایی که در این نوشتار برای منتظران ظهور آمده به طور صریح و روشن در روایات و نصوص دینی آمده است و دارای استناد شرعی و روایی می باشد. سعی شده از واسطه های متعدّد و یا لوازمات روایی برای بیان اوصاف اجتناب شود و نیز فقط از روایاتی که مربوط به زمان ظهور است استفاده شده است و اگر در مورد خاصی به روایتی که مربوط به زمان ظهور است استناد شده، به این دلیل است که لازمه داشتن چنان صفتی نیاز به، ممارست، تمرین و صرف زمان قابل

ملاحظه‌ای برای نقش بستن و ملکه شدن آن صفت لازم است. و به طور طبیعی متّصف شدن به آن، در یک لحظه غیر ممکن می‌نماید. گفتنی است، اوصاف و ویژگی‌هایی که در این تحقیق بیان شده، مربوط به منتظران واقعی و راستین است که در مرتبه‌ای بالا و عالی هستند که این تحقیق با نشان دادن قلّه‌های اوصاف منتظران، اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

۱. شناخت و معرفت به اوصاف منتظران با توجه به روایات وارده از ائمه اطهار علیهم‌السلام؛

۲. ایجاد انگیزه - با مطالعه آن صفات - برای حرکت در مسیر انتظار و کسب آن صفات و قرار گرفتن در زمره منتظران واقعی و راستین ظهور؛

۳. تمییز و تشخیص منتظران واقعی و راستین از مدّعیان این امر؛

۴. دمیدن روح امید به منتظران، توجه دادن به استعدادها و قوای باطنی و الهی، که خداوند در نهاد انسان به ودیعت گذاشته است؛ و باور داشتن این که ما هم مانند منتظران واقعی و راستین می‌توانیم،<sup>۱</sup> با تمرین و ممارست، ریاضت شرعی و انجام وظایف، متّصف به این صفات شویم و رضایت امام زمان (عج) را به دست آوریم؛ و هنگام ظهور در ردیف کسانی باشیم که در همان مراحل اولیّه به لشکر امام علیه‌السلام می‌پیوندند، و آن حضرت را در برپایی حکومت جهانی یاری می‌کنند.

- پس از بیان نکات فوق، به دلیل کثرت ویژگی‌های منتظران، این

۱. عبارت واقعی و راستین از روایت امام سجاد علیه‌السلام برداشت شده است که در این تحقیق، چندین مرتبه به این روایت استناد شده است.

ویژگی ها تحت دو عنوان کلی قرار داده شده و برای هر یک نمونه‌هایی ارائه شده است.

### الف) ویژگی های درونی و فردی منتظران بر اساس اعتقادات و باورها

منتظران واقعی و راستین باور دارند، خواست الهی، اجرای عدل و اصلاح بشریت است و تحقق این امر از وعده‌های الهی بوده و تخلف ناپذیر است و نیز به رهبری حضرت مهدی (عج) و این که او همان فرزند امام عسکری علیه السلام و مهدی موعود علیه السلام است، ایمان دارند. لذا بر اساس این اعتقاد، تلاش می‌کنند آمادگی لازم جهت پذیرفتن عدالت را در خود فراهم سازند، تا از یاران صادق آن حضرت باشند. این حالت درونی سبب شده با عمل به دستورات دین و وظایف و کوشش‌های فراوان و جدی، دارای ویژگی‌ها و صفاتی شوند که با توجه به آنها، منتظر واقعی صادق، از دیگران تمیز داده شود.

آن ویژگی‌ها عبارتند از:

#### ۱. پایداری و استقامت

استقامت رمز پیروزی هر فرد و جامعه در امورات و برخورد با مصائب و مشکلات است. با مطالعات تاریخ انبیاء و ائمه علیهم السلام می‌بینیم، رهبران الهی و یاران و حامیان آنها برای رسیدن به اهداف متعالی خویش با مشکلات گوناگون دست و پنجه نرم کرده و در برابر آن مقاومت کرده‌اند. شکنجه‌ها، زندان‌ها، تبعیدها و شهادت‌ها گویای این استقامت و پایداری است، بدون

آن که دست از عقیده خود بردارند. پیروزی انقلاب اسلامی نیز خود ثمره استقامت میلیون ها انسان در برابر مشکلات عدیده است، و به عنوان الگو و نمونه زیبایی برای دیگران محسوب می گردد.

منتظران ظهور امام زمان (عج) هم در شرایط دشوار و مشکلات متعدد در عصر غیبت، بر اعتقادات و مسیری که آن را انتخاب کرده اند پایدار و مقاوم اند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی به اصحاب شان فرمودند:

«انکم اصحابی و اخوانی قوم فی آخر الزمان آمنوا ولم یرونی لقد عرفتهم الله باسمائهم... لاحدهم اشد بقية علی دینه من خرط القتاد فی اللیلة الظلماء او كالتابض علی جمر الغضاء اولثک مصاییح الدجی؛ شما اصحاب من هستید، لکن برادران من مردمی هستید که در آخر الزمان می آیند؛ هریک از ایشان بیش از کندن پوست درخت خار با دست خالی در شب تاریک، یا نگه داری آتش سوزان در کف دست، در دین داری خدا استقامت و پایداری می ورزند»<sup>۱</sup>.

و نیز در روایت دیگری خطاب به اصحاب شان چنین آمده است:

«سیاتی قوم من بعدکم الرجل الواحد منهم له اجر خمسين منکم قالوا یا رسول الله نحن کنا معک بیدر واحد و حنین و نزل فینا القرآن فقال انکم لو تحمّلوا لما حملوا لم تصبروا صبرهم؛ پس از شما کسانی می آیند که بر هر یک از آنان اجر پنجاه نفر شما را خواهند داد. اصحاب گفتند: ما در غزوات بدر، احد و حنین با شما بودیم و آیاتی درباره ما نازل شد؛ پس چرا به آنها پنجاه برابر ما ثواب داده می شود؟ حضرت فرمودند: آنان در



شرایطی دشوار خواهند بود که اگر شما در آن شرایط باشید تحمل و استقامت آنان را نخواهید داشت»<sup>۱</sup>.

روشن است که در هر دو روایت، منظور از «برادران من» و «پس از شما کسانی می آیند» در کلام پیامبر اکرم ﷺ همان مردمی می باشند که در زمان غیبت امام زمان (عج) زندگی می کنند، چرا که روایاتی در این زمینه و شبیه به آن از رسول خدا ﷺ نقل شده که مردم زمان غیبت را برادران خود نامیده و به مشکلات و امتحانات سخت الهی و دشواری های مختلفی که برای آنها به وجود می آید، اشاره کرده است.<sup>۲</sup>

منتظران چون هدف را می شناسد سند و راه را پیدا کرده اند و به آن ایمان دارند، ثابت قدم و پایدارند ولو این که مجبور به تحمل آزار و اذیت، شکنجه و حتی از دست دادن جان خود شوند؛ آنها از سرزنش ها نمی هراسند؛<sup>۳</sup>

و در اراده آهنین شان، ضعفی پیدا نمی شود و هم چون تمارها، حجر بن عدی ها، ابوذرها، مالک ها، در ولایت و دوستی امام ﷺ ثابت قدم اند<sup>۴</sup> و در عمل آن را به اثبات می رسانند.

۱. همان، ج ۵۲، ص ۱۳۰، باب ۲۲، فصل انتظار فرج.

۲. قال رسول الله ﷺ: «طوبى لمن ادرك قائم اهل بيتى وهو مقتد به قبل قيامه يتولى وليه ويتبرأ من عدوه ويتولى الائمة الهاديه من قبله اولئك رفقاى...». (غیبت شیخ طوسی، ص ۲۹۹).

۳. «يا ايها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف يلقى الله بقوم يجهم ويحبونه اذله على المؤمنين اعزده على الكافرين يجاهدون في سبيل الله ولا يخانون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتیه من يشاء والله واسع عليم». (سورة مائده، آیه ۵۴).

۴. امام سجاد ﷺ: «هرکس در ایام غیبت در ولایت و دوستی ما ثابت قدم باشد خداوند به او اجر هزار شهید مانند اجر شهدای بدر واحد را عطا می کند». (کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۷).

## ۲. معرفت و شناخت صحیح

یکی از ارکان مهم اعتقادی منتظران که از ویژگی‌های آنان نیز محسوب می‌گردد، شناخت صحیح از امام و رهبری است که در انتظارش لحظه‌شماری می‌کنند؛ شناختی عمیق و دارای ابعاد متعدّد، شناختی که در مواقع حساس آن‌ها را از تزلزل و گمراهی حفظ کرده و در نهایت، تسلیم را به دنبال داشته باشد؛ نه شناخت ظاهری و شناسنامه‌ای که امام علیه السلام را فقط به منزله یک رهبر سیاسی در رأس حکومت بشناسند. منتظران به تمام شئون امام علیه السلام اعم از رهبری سیاسی، مقام جعل حکم، قضاوت، مرجعیت دینی، انتصاب از طرف خدا و رسول، ولایت معنوی، ولایت تکوینی، ولایت تشریحی، ولایت مطلقه الهی، مقام نورانیت<sup>۱</sup> و تاریخ ائمه علیهم السلام و عبرت‌های آن، بر تمام موارد مذکور علاوه بر اعتقاد، دارای معرفتی عمیق نیز می‌باشند. آنان انقلاب عظیم امام مهدی (عج) را وعده الهی و حکومت آن حضرت علیه السلام را صحنه عملی احکام و قوانین الهی می‌دانند و در جهت زمینه‌سازی ظهور تلاش می‌کنند.

منتظران معتقدند امام زمان (عج) عبد صالح و برگزیده خدا و حجت او، و تأمین‌کننده سعادت انسان‌هاست و وجودش لطف الهی است؛ لذا در این جهت، نه دچار افراط می‌شوند که امام را تا حدّ الوهیت بالا ببرند، و نه دچار تفریط که او را فقط به عنوان یک رهبر سیاسی بشناسند و با دست

۱. این مقام برگرفته از حدیثی است در بحارالانوار، ج ۲۶، که ابوذر از امام علی علیه السلام پرسید: در شأن و مقام شما چه بگوییم که دچار خطا نشویم؟ امام فرمود: «قولوا فی فضلنا ماشیتکم ولا تقولوا اربابا؛ در فضل ما هر چه می‌خواهید بگویید ولی به ما ارباب و رب نگوئید» و سپس فرمود: «شناخت بر مقام ما آن هم معرفت بر نورانیت و مقام نورانی ما همان شناخت خداوند است». این حدیث در لسان‌علماء مشهور شده به حدیث نورانیت و مقام نورانیت اهل بیت علیهم السلام. (ر. ک اسرار الشهادة، سعادت پرور).

روی دست گذاشتن و تعطیل کردن بعضی دستورات دین مانند: امر به معروف و نهی از منکر و تلاش در جهت آماده سازی زمینه ظهور و خودسازی و دیگر سازی، دچار خمودی و رکود می شوند.

منتظران با شناخت عمیق و تحلیلی تاریخ ائمه علیهم السلام به آفات نداشتن شناخت کامل از امام، توسط مردم و حتی بعضی از اصحاب، آگاه بوده و دریافته اند که ذبح عدالت در سقیفه بنی ساعده و انزوای بیست و پنج ساله آن و در نتیجه واقعه جانگداز کربلا و شهادت ائمه اطهار علیهم السلام یکی از ثمرات عدم معرفت و شناخت صحیح و عمیق از امام است.

از این رو حاضر به تکرار آن نیستند و دائماً در صدد کسب و تحصیل معرفت می باشند. آنان دریافته اند «کسی که امام را نشناسد، مانند کسی است که در تاریکی باشد و نتواند از آن خلاصی یابد».<sup>۱</sup> «و اگر در این حال از دنیا برود گویا به مرگ جاهلیت از دنیا رفته است».<sup>۲</sup>

در حدیثی از امام سجاد علیه السلام در خصوصیات منتظران ظهور چنین نقل شده است که فرمود:

«إِنَّ لِلْقَائِمِ مَنَّا غَيْبَتَيْنِ إِحْدِيهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى أَمَّا الْأُولَى فِسِتَّةُ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةُ أَشْهُرٍ أَوْ سِتَّةُ سِنِينَ وَأَمَّا الْأُخْرَى فَيَطْوِلُ أَمَدَهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ

۱. عن بُرَيْدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى «أَوْ مَن كَانَ مَسِيئًا فَأَخِيْنَاهُ وَجَعَلْنَاهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ» فَقَالَ «مَسِيئٌ» لَا يَعْرِفُ شَيْئًا وَ«نُورًا يَمْشِي...» إِمَامًا يُؤْتَمُّ بِهِ «كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» قَالَ الَّذِي لَا يَعْرِفُ الْإِمَامَ. (اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجج، باب معرفه الامام، ح ۱۳).

۲. عن الحارث بن المغيرة قال قلت لابي عبد الله عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً قَالَ: نَعَمْ قُلْتُ جَاهِلِيَّةً جَهْلَاءُ أَوْ جَاهِلِيَّةً لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ؟ قَالَ جَاهِلِيَّةً كُفْرًا وَنِفَاقًا وَضَلَالًا». (اصول کافی، ج ۲، باب من مات وليس له امام، ح ۳).

اکثر مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَلَمْ يَجِدِ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَسَلَّمْنَا لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ؛ برای قائم ما دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی تر است؛ غیبت اول شش روز یا شش ماه یا شش سال به طول می انجامد و اما غیبت دیگر طولانی می شود تا جایی که بیش تر معتقدین به آن امام، از این امر بازگردند و بر آن ثابت نماند مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش درست باشد و در دلش حرجی از آن چه حکم می کنیم نبوده و تسلیم ما اهل بیت علیهم السلام باشد.<sup>۱</sup>

با توجه به این روایت، یکی از ویژگی های منتظران واقعی که بر اعتقاد خود ثابت قدم اند، این است که دارای شناخت درست و کامل می باشند به طوری که هیچ گونه تردیدی در دل ندارند و تسلیم اهل بیت اند. اگر در بعضی از روایات، از ائمه اطهار علیهم السلام خطاب به اصحاب، امر به شناخت امام شده است، این گونه شناخت است که حتی پس از مرگ، اجر و پاداش همراهان و یاران امام علیه السلام مانند کسانی است که در خیمه او قرار دارند.<sup>۲</sup>

بدین جهت است که دعای همیشگی منتظران، شناخت حجت خداست،<sup>۳</sup> چرا که اگر امام خویش را نشناسد راه اصلی دین را گم کرده و به بی راهه خواهند رفت.

۱. کمال الدین، باب ۳۱، ح ۷.

۲. «اعرف امامتک... من عرف امامه ثم مات قبل ان یری هذا الامر ثم خرج القائم کان له من الاجر کمن کان مع القائم فی فسطاطه». (کتاب الغیبه، ص ۱۳۰، عن الرسول صلی الله علیه و آله).

۳. «اللهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف رسولک اللهم عرفنی رسولک فانک ان لم تعرفنی رسولک لم اعرف حجتک اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ظلمت عن دینی». (اصول کافی، کتاب الحججه، باب فی الغیبه، ح ۵).

## ۳. صبر و شکیبایی

صبر که همان ثبات و اطمینان نفس و مضطرب نگشتن آن در بلا یا و مصائب و مقاومت کردن با حوادث و شداید است، به نحوی که باعث پریشانی خاطر و تنگی سینه نگردد،<sup>۱</sup> در قرآن کریم بیش از هفتاد مرتبه ذکر شده و خیرات زیادی بر آن مترتب شده است. خداوند متعال اوصاف زیادی را برای صابرين بر شمرده، و صلوات، رحمت و هدایت را برای ایشان قرار داده<sup>۲</sup> و مژده داده که با صابران است<sup>۳</sup> و آنان را دوست دارد<sup>۴</sup> و در چندین آیه نیز امر و توصیه به صبر کرده<sup>۵</sup> و آن را مانع رسیدن ضرر دانسته است.<sup>۸</sup>

هم چنین در کلمات ائمه اطهار علیهم السلام چنین آمده است: «صبر نسبت به ایمان به منزله سر نسبت به بدن است و ایمان بدون صبر، مانند جسد بدون سر می باشد».<sup>۹</sup>

مؤمنین، در طاعت و بندگی، در معصیت و گناه، و در بلا یا و مصائب مامور به صبرند، و منتظران ظهور امام علیه السلام دارای درجات بالایی از صبر

۱. ملا احمد نراقی، معراج السعاده، ص ۶۴۳، باب صبر.

۴. ﴿ولنبیونکم بشی من الخوف... و بشر الصابرين... اولئک علیهم صلوات من ربهم ورحمة واولئک هم المهتدون﴾. (بقره، آیه ۱۰۷-۱۰۰).

۵. ﴿واصبر ان الله مع الصابرين﴾. (انفال، آیه ۴۶).

۶. ﴿والله یحب الصابرين﴾. (سوره آل عمران، آیه ۱۴۶).

۷. ﴿فاصبر كما صبرا اولوالعزم من الرسل﴾، (سوره احقاف، آیه ۳۵)، «صبر علاوه بر این که بر رهبران فریضه است بر اهل طاعتش نیز فریضه است زیرا باید به پیامبر صلی الله علیه و آله تاسی و اقتدا کرد». (امام علی علیه السلام، نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۳).

۸. ﴿ان تصبروا و تتقوا لا یضرکم کیدهم شیئا﴾. (آل عمران، آیه ۱۲۰).

۹. قال الصادق علیه السلام: «الصبر من الايمان بمنزلة الرأس من الجسد فاذا ذهب الرأس ذهب الجسد كذلك اذا ذهب الصبر ذهب الايمان». (میزان الحکمه).

هستند. صبر و شکیبایی در سه زمینه مذکور و صبر در انتظار فرج، با توجه به سختی دین داری و افزایش انحرافات و گریز از دین و گسترش زمینه‌های ناباوری و گرفتاری‌ها و امتحانات الهی در عصر غیبت، منتظران ظهور را به درجات عالی و مقامات ارجمند می‌رساند و آنان را بر مسند عزت و سعادت می‌نشانند؛ صبر آنان جمیل و زیبا است؛<sup>۱</sup> چرا که در هیچ موردی لب به شکایت باز نمی‌کنند؛<sup>۲</sup> و تمام مشکلات را برای رضای خدا و شوق دیدار و خدمت به ولیّ خدا، حضرت مهدی (عج) به جان دل می‌خرند، و روز به روز بر استحکام پایه‌های ایمان خود می‌افزایند.<sup>۳</sup> در روایتی از رسول گرامی اسلام ﷺ چنین آمده است که: «طوبی للصابرین فی غیبتہ، طوبی للمتقین علی محبتہ، اولئک الذین وصفهم اللہ فی کتابہ و قال «هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب»...»<sup>۴</sup> خوشا به حال صبرکنندگان در غیبت امام ﷺ، خوشا به حال متقین بر محبت او، کسانی که خداوند آن‌ها را در کتابش توصیف کرده و گفته است: «متقین کسانی هستند که ایمان به غیب دارند...».

منتظران، به غیب ایمان داشته و در عمل بر آن چیزی که ایمان دارند صابرند و اساساً کسی که صبر را شعار و نصب‌العین خود نساخته و به آن عمل نمی‌کند و در مصائب و مشکلات جزع و فزع و بی‌تابی می‌کند، از

۱. عن جابر قال: قلت لابی جعفر عليه السلام: «یرحمک اللہ ما الصبر الجمیل؟ قال: ذلک صبر لیس فی شکوی لی الناس». (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۳).

۲. عن الرسول صلی اللہ علیہ و آلیہ وسلم: «من علامات الصابر ان لا یشکو من ربّہ و اذا شکا من ربّہ فقد عصاه؛ در واقع شکایت خلق را به خدا می‌برند نه این که از خداوند شکایت کنند».

۳. عن علی عليه السلام: «الایمان علی اربع دعائم، علی الصبر والیقین والعدل والجهاد». (نهج البلاغه، خ ۳۱).

۴. منابع الموده، ج ۳، ص ۱۰۱.

ایمانی ضعیف و سطحی برخوردار است. منتظران که از مراتب عالیہ ایمان بهره‌مندند، به توصیه الهی عمل کرده، و از صبر کمک گرفته<sup>۱</sup> و صبر در انتظار فرج را از دین ائمه علیهم‌السلام می‌دانند.<sup>۲</sup> در راه تحقق اهداف جهانی حضرت مهدی (عج)، مشکلات و سختی‌های زیادی را متحمل می‌شوند ولی از روی اخلاص و تواضع، عمل خود را ناچیز پنداشته و آن را بزرگ نمی‌شمارند. منتظران، برای خدا صبر می‌کنند و هر کس برای خدا صبر کند، خداوند برای او فرج و گشایش قرار می‌دهد، و رحمت خود را شامل او می‌گرداند. در روایتی حمید واسطی از امام محمد باقر علیه‌السلام چنین گزارش کرده است:

«قلت لابی جعفر علیه‌السلام اصلحك الله والله لقد تركنا اسواقنا انتظارا لهذا الامر حتى اوشك الرجل منا يسال في يديده فقال يا عبد الحميد انزى من حبس نفسه على الله لا يجعل الله له مخرجاً؟ بلى والله ليجعلن الله له مخرجاً رحم الله عبداً حبس نفسه علينا رحم الله عبداً احياء امرنا قال قلت فان مت قبل ان ادرك القائم؟ فقال القائل منكم ان ادركت القائم من آل محمد عليهم‌السلام نصرته كالمقارع معه بسيفه والشهيد معه له شهادتان؛<sup>۳</sup> حمید واسطی می‌گوید: به امام محمد باقر علیه‌السلام گفتم: ما دست از تجارت کشیدیم و منتظر فرج شما شدیم تا جایی که نزدیک بود بعضی از ما به گدایی افتند. فرمود: گمان می‌کنی کسی که برای خدا صبر کند و انتظار بکشد خداوند

۱. قوله تعالى: ﴿واستعينوا بالصبر والصلاة﴾.

۲. قال الصادق عليه‌السلام: «من دين الائمة الورع والعفة والصبر عن انتظار الفرج؛ ورع و عفت و صبر از انتظار فرج، از دین ائمه است». (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲).

۳. بصائر الدرجات، ص ۱۲۶.



فرجی برای او نمی‌رساند؟ به خدا قسم برای او فرج و گشایشی خواهد بود. خدا رحمت کند بنده‌ای را که منتظر فرج ما بماند و امر ما را احیاء نماید. گفتم: اگر قبل از قیام بمیرم چه خواهد شد؟ فرمود: کسی که معتقد باشد که اگر آن حضرت را درک کند او را یاری کند، مانند کسی خواهد بود که در کنار او شمشیر بزند و کسی که در رکاب او کشته شود، پاداش دو شهید را خواهد داشت».

با توجه به مطالب فوق معلوم می‌شود، منتظران راستین علاوه بر صبر در مصیبت و معصیت و طاعت، در انتظار فرج امام علیه السلام نیز صابرند، و همین خصوصیت است که آنان را از دیگران متمایز کرده است و به عنوان یکی از ویژگی‌های منتظران محسوب می‌گردد.

#### ۴. منتظران مهذبند

منتظران دریافته‌اند که باید با امام منتظر علیه السلام یک سنخیتی داشته باشند؛ و خود را شبیه و نزدیک کسی کنند که سراسر وجودش خیر و نیکی است و افعال خیر از او سر می‌زند؛ و نه تنها اهل گناه و فساد نیست، بلکه فکر آن را هم نمی‌کند.

البته ممکن است این حالات در مؤمنین هم پیدا شود، ولی منتظران دائماً و لحظه به لحظه اعمال خود را ارزیابی کرده و خود را تحت تربیت و نظارت مقتدای خویش قرار می‌دهند.

آنان با رعایت پروای الهی و اجتناب از معاصی، نفس را تهذیب کرده و مواظب رفتار و کردار و گفتار خود بوده و روز به روز ارتباط خود را با امام علیه السلام تقویت می‌کنند و هر روز خود را در میزان سنجش قرار داده و به

حساب اعمال خود می‌رسند.<sup>۱</sup> و قلب خویش را آماده ظهور امام علیه السلام می‌کنند.

به عبارت دیگر اهل مراقبه، محاسبه و مرابطه‌اند.<sup>۲</sup> منتظران همیشه در صدد اصلاح عمل خویش‌اند و امام علیه السلام را ناظر بر اعمال خود می‌بینند.<sup>۳</sup> آنان با توجه به امام علیه السلام و دل سپردن به او، معتقدند بهترین راه و واسطه برای شناخت خداوند و حرکت در مسیر عبودیت و سیر و سلوک معنوی و رسیدن به سعادت، امام علیه السلام است.<sup>۴</sup>

در دعای ندبه می‌خوانیم «أَيْنَ وَجْهَ اللَّهِ الَّذِي يَتَّوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ؛ كَجَاسْتِ أَنْ وَجْهَ الْهَيْبَةِ الْهَيْبَةِ كَمَا تَتَّوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ مَتَّوَجِّهًا أَوْ مِمَّ شُونَ».

بدیهی است توجه کردن به امام علیه السلام فقط به یاد او بودن نیست، بلکه با اعمال، رفتار، گفتار، زیارات، توسلات و ادعیه هم می‌شود بر امام علیه السلام توجه کرد.<sup>۵</sup> منتظران چون برنامه مهمی در پیش دارند، در جهت ارتقاء سطح اندیشه و آمادگی روحی و اخلاقی تلاش می‌کنند و از آلودگی‌های اخلاقی مانند: سخن چینی، تفرقه افکنی، اشاعه فساد، بیهوده گویی، غیبت، تهمت و... دوری کرده و بر محور و اساس تعلیمات دین حرکت می‌کنند و به دستورات دین بدون کم و کاست عمل می‌کنند. باین اوصاف اگر در

۱. «حَاسِبُوا قَبْلَ أَنْ تَحَاسِبُوا؛ به حساب خود برسید قبل از این که به حسابتان برسند».

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا» رابطوا ای مع الامام المنتظر. (سورة آل عمران، آیه ۲۰۰).

۳. «قُلْ اعْلَمُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ»؛ «بگو بزرودی خداوند و رسولش و مؤمنان در کار شما خواهند نگریست». (سورة توبه، آیه ۱۰۵).

۴. «مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ؛ کسی که خدا را قصد می‌کند به شما ائمه توجه می‌کند». (زیارت جامعه کبیره).

۵. «تَوَجَّهَ إِلَيْهِ بِالزِّيَارَةِ». (بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۷۴).

مسیر تهذیب و مجاهده با نفس، از دنیا بروند، شهید از دنیا رفته‌اند و اجر شهید را دارند.

همان‌طور که امام محمد باقر علیه السلام پس از اعمال حج به جابر جعفی فرمود: «... فاذا كنتم كما اوصيناكم ولم تعدوا لی غیره فمات منكم میت قبل ان یخرج قائما كان شهيدا ومن ادرك قائمنا معه كان له اجر شهیدین ومن قتل بین یدیه عدوانا كان له اجر عشرين شهیداً»<sup>۱</sup> اگر شما به دستورات ما بدون کم و کاست عمل کردید، هرگاه کسی از شما پیش از ظهور قائم ما در این حال بمیرد شهید از دنیا رفته و اگر او را درک کند و در رکابش کشته شود ثواب دو شهید را دارد و اگر در رکابش یکی از دشمنان ما را به قتل برساند ثواب بیست شهید را دارد».

منتظران می‌دانند که زمان ظهور، ناگهانی فرامی‌رسد و در آن زمان فرصت خودسازی نیست، لذا اهل تهذیب نفس و خودسازی‌اند و در این امر نهایت تلاش خود را می‌کنند. در روایتی از امام عصر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «... فلیعمل كل امری منكم بما یقرب به من محبتنا ویتنجّب ما یدینه من کراهتنا وسخطنا فان امرنا بفته فجاءه حین لا تنفعه توبه ولا ینجیه من عقابنا ندم علی حوبه و...؛ هر یک از شما باید آن چه را که موجب دوستی ما می‌شود پیشه خود سازد و از هر آن چه که موجب خشم و ناخشنودی ما می‌گردد دوری کند زیرا فرمان ما به یک باره و ناگهانی می‌رسد و در آن زمان توبه برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات نمی‌بخشد».<sup>۲</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲، ح ۵، باب ۲۲، فضل انتظار فرج.

۲. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۹۵، ذکر طرف مما خرج ایضاً عن...

منتظران با اعمال نیک و صلاح و دستورات دینی خود را هماهنگ و همراه امام علیه السلام کرده و فقط از او کسب و جاهت و آبرو می‌کنند، نه از دیگران؛ به همین جهت نه تنها در انجام اعمال خیر و نیک و تهذیب نفس و خودسازی کوتاهی نکرده، بلکه هم و غم‌شان تحصیل آن است.

### ۵. آمادگی

کسانی که در انتظار محبوبی به سر می‌برند همیشه خود را برای رسیدن و ظهورش آماده نگه می‌دارند و دائماً در حال حرکت و تلاش و کسب آمادگی هستند. آمادگی در تمام زمینه‌ها، نه فقط آمادگی رزمی و نظامی در برابر دشمنان، آن‌هم در جهت یاری قیام امام علیه السلام که البته این نوع آمادگی یک اصل حیاتی است، و در قرآن کریم به مسلمانان توصیه شده در برابر دشمنان با تمام توان آماده باشند. آن‌جا که می‌فرماید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» «در برابر دشمنان آن‌چه توانایی دارید آماده سازید».<sup>۱</sup>

بدیهی است کلمه قوه در این آیه، نه تنها سلاح‌های جنگی و مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام قدرت‌هایی که به نوعی در پیروزی بر دشمن اثر دارد اعم از نیروهای مادی و معنوی را شامل می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. سوره انفال، آیه ۶۰.

۲. کلمه قوه نکره است و «ما استطعتم» عام است و شامل هر نیرویی می‌شود. (تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۵).

قوه هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن ممکن باشد از قبیل اسلحه، مردان جنگی، تشکیلات نظامی

و از طرف دیگر آمادگی فقط، آمادگی نظامی نیست بلکه شامل آمادگی علمی و فرهنگی و دیگر زمینه‌ها نیز می‌شود. منتظر، با آمادگی در جهات مختلف، خود را برای یاری حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) مهیا می‌سازد. در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

«...رجال لا ینامون اللیل لهم دوی فی صلاتهم کدوی النحل یتون قیاما علی اطرافهم ویصبحون علی خیولهم رهبان باللیل لیوث بالنهار هم اطوع له من الامة لسیدها کالمصایح کان قلوبهم القنادیل وهم من خشية الله مشفقون یدعون بالشهادة ویتمنون ان یقتلوا فی سبیل الله شعارهم یالثارات الحسین علیه السلام...؛ آنان هنگام شب نخواستند، زمزمه قرآن و مناجات‌شان هم چون زنبوران عسل فضا را آکنده سازد، تا بامداد به عبادت بایستند و بامدادان سوار بر مرکب‌ها شوند، آنان راهیان شب و شیران روز و گوش به فرمان امام خویش هستند. ایشان چون مشعل‌های فروزانند که دل‌های استوارشان به سان قندیل‌های نور در سینه‌های‌شان آویخته شده است. این مردان تنها از خدا می‌ترسند، فریاد لاله الا الله والله اکبر آنان بلند است، همواره شهادت و کشته شدن در راه خدا را آرزو می‌کنند و شعارشان یالثارات الحسین است»<sup>۱</sup>.

→ و امر اعدوا امر عامی است. (ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۱۵۰).

والمراد بالقوه هاهنا، یکون سبباً محصول القوه و ذکر و اقیه و جوهراً: انواع الاسلحه، الرمی، حصون، کل مایتقوی به علی حرب العدو و کل ما هو آله للغزو الجهاد فهو من جمله القوه. (تفسیر فخر رازی، ج ۸، ص ۱۹۱).

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، باب ۲۶.

روایت فوق اگرچه ناظر بر یاران خاص امام زمان (عج) است نه یاوران و منتظران ظهور، ولی می دانیم این آمادگی به یک باره حاصل نمی شود، و نیاز به تمرین و ریاضت دارد و آن هم در طول زمان به دست می آید و هم چنین واقعه «روبه رو شدن نیروهای سفیانی در زوراء با سپاه ایران به رهبری خراسانی و فرماندهی شعیب بن صالح و نبرد سنگین این دو نیرو»<sup>۱</sup> حکایت از آمادگی منتظران دارد.

در روایت دیگری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

«يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ إِلَى بِلَادِ الرُّومِ وَجَيْشُهُ مِائَةُ أَلْفٍ فَيَدْعُو مَلِكَ الرُّومِ إِلَى الْإِيمَانِ فَيَأْبَى فَيَقْتُلَانِ شَهْرَيْنِ فَيَنْصُرُ اللَّهُ تَعَالَى الْمَهْدِيَّ وَيُقْتَلُ مِنْ أَصْحَابِهِ كَثِيرًا وَيَنْهَزِمُ وَيَدْخُلُ إِلَى الْقِسْطَنِيَّةِ... وَتَقْتُلُ مِنَ الرُّومِ خَلْقًا كَثِيرًا وَيَسْلِمُ عَلَى يَدَيْهِ خَلْقٌ كَثِيرٌ؛ حضرت مهدی (عج) پس از شکست روم، با نیروی صد هزار نفری به سوی کشورهای غربی حرکت می کند، حاکم روم را به اسلام دعوت می نماید او نمی پذیرد، پس از جنگ دو ماه آن حضرت با نصرت الهی پیروز شده و با تکبیر داخل قسطنطنیه می شود، و عده زیادی از رومیان (ششصد هزار نفر) کشته و خلق کثیری نیز اسلام می آورند».<sup>۲</sup>

بدیهی است که نیروی صد هزار نفری آن حضرت، همان منتظران ظهور هستند که سعادت درک ظهور را پیدا می کنند، نه فقط یاران خاص آن حضرت (۳۱۳ نفر). و هم چنین ادعیه و روایاتی که دلالت دارد بر

۱. عقد الدرر، ص ۱۲۷؛ زوراء به منطقه عمومی بغداد گفته می شود.

۲. معجم احادیث الامام المهدي عليه السلام، ج ۱، ص ۳۴۷.

وجود اوتاد، ابدال، نجباء، صلحاء<sup>۱</sup> در کنار حضرت و همراهی ایشان با امام علیه السلام، حکایت از آمادگی این اشخاص دارد، در حالی که همه از منتظران ظهور امام علیه السلام هستند. آنان برای یاری امام علیه السلام که همان یاری خدا و دین خدا و آماده بودن در راه خداست و در روایات از آن به مرابطه<sup>۲</sup> یاد شده است، از هیچ اقدامی دریغ نمی‌کنند. در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «من رَابَطَ يَوْمًا وَلَيْلَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَانَ...؛ یک شب مرابطه و مہیای رکاب بودن در راه خدا، از این که شخصی یک ماه، روزها روزه باشد و شب‌ها به عبادت قیام نماید، ثوابش بیش تر است؛ پس هرگاه بمیرد، عملی که انجام می‌داده بر او جریان خواهد یافت و روزیش بر او جاری خواهد شد و از فرشته‌ای که در قبر سؤال می‌کند ایمن خواهد ماند».

البته مرابطه با امام زمان (عج) به این معنا که خود را به رشته ولایت امام ببندد و مربوط سازد و به پیروی و یاری حضرتش ملتزم شود، از ارکان ایمان است، که خداوند متعال به داشتن این نوع رابطه امر کرده و از واجبات عینی است؛<sup>۳</sup> ولی به معنای نگه‌داری مرکب و آلات جنگی و

۱. «اللهم صلی علی الابدال والاوتاد والسیاح والعباد والمخلصین والزهاد». (مفاتیح الجنان، دعای نیمه رجب، از امام صادق علیه السلام).

صاحب این امر باداشتن سی هزار همراه، دیگر تنهایی و دلتنگی نخواهد داشت». (اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۰، از امام محمد باقر علیه السلام).

«ابدال از اهل شام و نجبا از اهل کوفه‌اند». (بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۴۷، از امام علی علیه السلام).

«چهار نفر اوتاد، چهل نفر ابدال، هفتاد نفر نجباء و سیصد و شصت تن صالح در خدمت حضرت به سر می‌برند و احتمالاً حضرت خضر، الیاس و مسیح علیه السلام اوتادند». (کفعمی در حاشیه مصباح).

۲. ﴿یا ایها الذین آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا﴾، ای رابطو مع الامام المنتظر.

۳. رجوع به فروع کافی، ج ۶، ص ۵۳۵، باب الدواجن، ارتباط الدابه والمركوب، ح ۱، و نیز تفسیر برهان، علامه بحرانی، ج ۱، ص ۳۳۵، و نیز این حدیث «عن ابن طیفور المتطیب قال: سألنی ابوالحسن ای شی



مانند آن توسط منتظر در جهت یاری آن حضرت و مقاتله با دشمنان او که نوعی آمادگی است، از مستحبات مؤکد است و روایات زیادی در فضیلت آن وجود دارد و سیره علما نیز همین بوده که شمشیری را نگه‌داری می‌کردند حتی ابن جوزی سنی مذهب برای یاری امام زمان (عج) این‌گونه عمل می‌کرد.

## ۶. عبادت

یکی دیگر از ویژگی‌های منتظران واقعی و راستین، عبادت و پرستش خداوند متعال و نشان دادن مملوکیّت خویش برای پروردگار است. آنان عبادت را که به عنوان هدف از آفرینش انسان است، همیشه در نظر دارند و از مسیر اصلی عبودیت منحرف نشده و خود را بنده خدا می‌دانند؛ و قلب خویش را برای عبادت فارغ کرده‌اند؛ و اگر از مواهب الهی بهره‌مندند. خود را مالک آن نمی‌دانند، عابدانی هستند که عبادت را برای معبود و تقرب به او انجام می‌دهند و آن‌گونه خدا را بندگی می‌کنند که گویا او را می‌بینند.

→ ترکب؟ قلت حمارا. فقال بکم ابته؟ قلت بثلاثة عشر دینارا فقال: ان هذا هو السرف ان تشرى حمارا

بثلاثة عشر دینارا وتدع برذونا قلت یاسیدی ان موونة البرذون اکثر من مونه الحمار.

فقال ان الذی یمون الحمار یمون البرذون اما علمت ان من ارتبط دابر متوقعا به امرنا ویغیظ به عدونا و هو

منسوب الینا ادر الله رزقه و شرح صدره وبلغه امله وکان عوننا علی جوائجه. (تفسیر مفاتیح الغیب،

فخرالدین رازی شافعی، ج ۹، ص ۱۲۷).

برذون: اسب تازی، یمون: هزینه می‌دهد، سرف: اسراف، ادر: فراخ گرداند، رباط و مرابطة: نگاه داشتن

و محافظت نمودن.

منتظران از این جهت با فضیلت‌ترین مردم هستند، چرا که به عبادت عشق می‌ورزند و قلب‌شان با آن عجین شده است.<sup>۱</sup>

منتظران نه تنها خدا را به نحو احسن عبادت می‌کنند بلکه عاشق عبادتند؛ این نوع عبادت عاشقانه و آگاهانه، برای منتظران که از انصار امام مهدی (عج) در آخرالزمان هستند، در روایتی از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چنین نقل شده است:

«لَه كُنُوزٌ بِالطَّالِقَانِ مَاهِي مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ بَلْ هِيَ رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يَشْوِبُهَا شَكٌّ... رِجَالٌ لَا يَنَامُونَ اللَّيْلَ. لَهُمْ دَوِيُّ فِي صَلَوَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ يَبْتَئُونَ قِيَاماً عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَيُسَبِّحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ وَهُمْ أَطْوَعُ مِنَ الْأَمَةِ لِسَيِّدِهَا؛ بِرَأْيِ أَوْ كُنْجِهَا فِي دَرِّ طَالِقَانٍ أَسْتُكِيهِ مِنْ طَلَا وَنَقْرِهِ نِيَسْتُنْدُ، بَلْ كِه مَرْدَانِي هَسْتُنْدُ كِه دَلْهَائِي أَنَانِ مَانَنْدُ قِطْعَه‌هَائِي آهِنِ اسْتُ كِه هِرْكَزِ شَكِّ وَتَرْدِيدِ دَرِ آن رَاهِ نَدَارِدُ. مَرْدَانِ شَبِّ زَنْدِه‌دَارِي كِه شَبْهَائِي نَمِي خَوَابَنْدُ وَ زَمَزَمَةُ نَمَازَشَانِ، چُونِ نَعْمَه زَنْبُورَانِ از كَنْدُو، بَه كُوشِ مِي رَسْدُ. شَبْهَائِي رَا بِا شَبِّ زَنْدِه‌دَارِي سِپَرِي مِي كَنْنَدُ وَ خُدَا رَا بِرْفَرَازِ اسْبْهَائِي تَسْبِيحِ مِي كُوينْدُ. آن‌هَائِي دَرِ بَرَابَرِ فَرْمَانِ اِمَامِ شَانِ از بَنْدِه مَطْبِيعِ، مَطْبِيعِ تَرْنَنْدُ».<sup>۲</sup>

۱. عن الصادق (علیه السلام): «افضل الناس من عشق العباده فعانفها واحبها بقلبه وباشرها بجسده وتفرغ لها فهو لا يبالي على ما اصبغ من الدنيا على عسرام عاي يسر؛ بهترين مردم کسی است که عبادت را معشوق خود بداند با عبادت معانقه کند و با تمام وجود آن را لمس کند و خود را برای آن فارغ سازد آنگاه نگران نخواهد بود که دنیا برای او به سختی می‌گذرد یا به آسانی» (کافی، ج ۲، ص ۸۳، ح ۳).

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸، وايضاً عن اميرالمؤمنين (علیه السلام): «وبجاً للطالقان... وهم انصار المهدي في آخر الزمان» (بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۹).

عبادت، نردبان ترقی انسان به سوی کمالات است. عشق به عبادت و شوق به آن سبب می شود منتظران در مراتب عبادت به جایی برسند که فقط برای خدا عبادت کنند و قصدشان تقرب به خدا باشد؛ چرا که او را شایسته و سزاوار چنین عبادتی می دانند، نه این که برای ترس و خوف از جهنم و یا به طمع ثواب و بهره بردن از نعمت های بهشت، خدا را عبادت کنند.<sup>۱</sup>

توبندگی چون گدایان به شرط مزد مکن

که خواجه خود روش بنده پروری داند  
منتظران با عبادت و بندگی خدا، ایمان، اراده و روحیه خود را تقویت کرده و صفات عالی که همان نتایج عبادات است را در وجود خود پرورش داده اند و در انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام لحظه شماری می کنند. و طبق سخن امام صادق علیه السلام که فرمود: «افضل العبادة انتظار الفرج؛ بافضیلت ترین عبادت انتظار فرج است»،<sup>۲</sup> بافضیلت ترین عبادت را که همان انتظار فرج است، تحصیل و کسب می کنند.

## ۷. اطاعت

منتظران واقعی و راستین، دستورات و اوامر امام علیه السلام را که همان دستورات و اوامر خدای متعال است اطاعت می کنند و نسبت به آن اوامر

۱. عن الصادق علیه السلام: «العبادة ثلاثة: قوم عبدوا الله عزوجل خوفا فتلك عبادة العبيد وقوم عبدوا الله طلب الثواب فتلك عبادة الاجراء، وقوم عبدوا الله جبالا لك فتلك عبادة الاحرار وهي افضل العبادة». (کافی، ج ۲، ص ۸۴ و معجم الملاحم والفتن، ج ۳، ص ۱۸۹).

۲. کافی، ج ۴، ص ۷۹ و معجم الملاحم والفتن، ج ۳، ص ۱۸۸.

مطیع اند. در لغت، اطاعت به معنای فرمان بردن، گردن نهادن، امتثال، فروتنی و تسلیم شدگی است. و در کلام متدینان، به جا آوردن دستورات و ترک منهیات الهی است؛ و گفته شده، اعلی درجه تکالیف انسان نسبت به خداوند متعال، اطاعت است.<sup>۱</sup> علمای علم کلام و اعتقادات می گویند: هر فعلی که به آن امر شده طاعت است و هر کسی که آن امر را انجام دهد، آن را طاعت کرده و مطیع است.<sup>۲</sup>

با توجه به معنای اطاعت و اوصاف منتظران واقعی و راستین مانند: تقوا، عبادت، یقین، معرفت و... که همه این صفات به نحو شایسته و عالی در آنها وجود دارد، معلوم می شود آن گونه عمل کردن و گردن نهادن و امتثال اوامر خداوند و دستورات ائمه علیهم السلام همه از مصادیق اطاعت است و منتظران دارای این صفت (اطاعت) نیز می باشند؛ و در همه حال حتی در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام نیز هم چنان مطیع اوامر اویند. البته می توان وجود این صفت در منتظران را از این روایت استفاده کرد.

«قال الصادق علیه السلام: یا ابابصیر طوبی لشعبة قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبة والمطیعین له فی ظهوره اولئک اولیاء الله الذین لا خوف علیهم و هم لا یحزنون؛ امام صادق علیه السلام به ابوبصیر فرمود: ای ابوبصیر، خوشا به حال شیعة قائم ما، کسانی که در غیبت، منتظر ظهور اویند. و در ظهورش از

۱. لغت نامه دهخدا، ج ۲، ص ۲۸۵۵.

۲. در مقابل، هر کسی که از چیزی نهی شده باشد ولی آن را انجام دهد، معصیت کرده است. «قال اصحابنا ان الطاعة موافقة الامر فكل من امتثل امر غیره صار مطیعا له». (موسوعات مصطلحات کلام، ص ۷۳۰).

اطاعت کنندگان اند. آنان اولیای خدا هستند که نه خوفی دارند و نه محزون می شوند.<sup>۱</sup>

نظر امام صادق علیه السلام در این روایت، پیروان امام مهدی (عج) است که دو ویژگی دارند:

۱. در زمان غیبت منتظر ظهور امام علیه السلام هستند. یعنی کسانی که از منتظران و دارای اوصاف منتظران اند.

۲. منتظرانی که پس از درک ظهور، مطیع امامند. و دستورات امام علیه السلام را اطاعت می کنند.

این دو ویژگی در کنار هم می باشد و هر دو مورد نظر امام صادق علیه السلام است. لذا در ذیل حدیث می فرماید:

«اولئک اولیاء الله الذین لا خوف علیهم ولا یحزنون». بنابراین با دقت در روایت معلوم می شود، اگر کسی در زمان غیبت، مطیع نباشد، جزو منتظران و شیعیان امام مهدی علیه السلام نیست. اساساً شیعه امام علیه السلام و منتظر واقعی، کسی است که دستورات امام علیه السلام که همان دستورات خداوند متعال است را اطاعت کند، و از سوی دیگر ممکن است، کسانی از منتظران و شیعیان امام علیه السلام در زمان غیبت مطیع او باشند، ولی در زمان ظهور از اطاعت امام سرپیچی کنند، که این اشخاص نیز مورد نظر امام صادق علیه السلام نیستند. پس منتظر واقعی است که در زمان غیبت دارای اوصاف و ویژگی های خاصی از جمله، اطاعت است، در زمان ظهور امام علیه السلام هم که اطاعت، برجستگی خاصی پیدا می کند، نیز مطیع امام علیه السلام می باشد.

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۹.

به عبارت دیگر منتظرین ظهور امام علیه السلام در زمان غیبت باید دارای صفت اطاعت باشند؛ و اطاعت فقط مختص به زمان ظهور نیست و اگر در این حدیث شریف، فقط مطیعین زمان ظهور (والمطیعین له فی ظهوره) بیان شده، به این دلیل است که عده‌ای در اطاعت خود باقی نمی‌مانند و امر امام علیه السلام را اطاعت نمی‌کنند.<sup>۱</sup>

اما برای شیعیان حقیقی، تفاوتی بین غیبت و ظهور حضرت نیست. آن‌ها حتی در زمان غیبت هم خود را در حضور حضرت می‌بینند؛ و آن‌گونه زندگی می‌کنند که هر زمان امام‌شان ظاهر گشت، آنان را گوش به فرمان ببیند. از سوی دیگر امامت امام، جز با اطاعت امت از او، و پیشوایی یک رهبر، جز در سایه فرمان‌پذیری پیروانش تحقق نمی‌پذیرد، و این یک اصل مسلم است. همان‌طور که خداوند هیچ پیامبری را نفرستاد مگر برای آن که اطاعت شود. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»<sup>۲</sup> و نیز هیچ امامی را منصوب نکرد، مگر آن که مردم را به اطاعت و فرمان‌بری از او فرا خوانده است. «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۳</sup>.

امام زمان علیه السلام نیز یکی از ائمه علیهم السلام ما است و باید ایشان را اطاعت کرد؛ این اطاعت است که باعث فراهم شدن زمینه ظهور می‌شود. چنان‌که از آن حضرت علیه السلام نقل شده است که فرمود: «لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِسَطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ»

۱. همان‌طور که در بعضی از احادیث آمده است که عده‌ای از آن حضرت علیه السلام بر می‌گردند، حتی بعضی او را (نعوذ بالله) لعن می‌کنند و یا به خاطر سختی کار و آزمایشات سخت الهی از امام اطاعت نمی‌کنند.

۲. سوره نساء، آیه ۶۴.

۳. همان.

بلقائنا؛ اگر شیعیان ما که خداوند آنان را به اطاعت خویش موفق گرداند، در وفای به عهد الهی هم دل و هم پیمان می شدند سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی افتاد.<sup>۱</sup> روشن است که عهد الهی پرستش و بندگی خداست<sup>۲</sup>، و این عبادت با اطاعت از ولی خدا تحقق می پذیرد. در روایتی این صفت یکی از صفات مردانی شمرده شده است که از اهل طالقان اند و پس از ظهور آن حضرت او را یاری خواهند کرد، امام صادق علیه السلام در بیان پاره‌ای از صفات آن‌ها فرمود: «لَهُ كُنُوزٌ بِالطَّالِقَانِ مَاهِيٍّ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ بَلْ هِيَ رِجَالٌ... وَهُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنْ الْأَمَةِ لِسَيْدِهَا؛ برای آن حضرت گنج‌هایی است در طالقان، نه از جنس طلا و نه از نقره، بلکه مردانی هستند... که اطاعت و فرمان‌پذیری آن‌ها از امام زمان علیه السلام، بیش‌تر از اطاعت کردن کنیزی از مالک خود می‌باشد».<sup>۳</sup>

منتظران آن حضرت، سعادت‌مندان و نیک‌بختانی هستند، که در غیبت و حضور امام علیه السلام، جز اطاعت نمی‌شناسند، و در تمام مراحل مطیع او هستند.

## ۸. تقوا

یکی دیگر از صفات منتظران تقوا است. برای این‌که وجود این صفت را در منتظران بررسی کنیم و صحت استعمال صفت متقین را برای منتظران

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸.

۲. سوره یس، آیه ۶۰-۶۱، ﴿الْم اعهد اليكم يابني آدم ان لاتعبدوا الشيطان انه لكم عدو مبين، وان اعبدوني هذا صراط مستقيم﴾.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.



بیابیم، ابتداءً تقوی را در لغت و اصطلاح معنا کرده، سپس بعضی از خصوصیات و ویژگی‌های متقین را نام برده و با تطبیق دادن با منتظران و استفاده از چند روایت از ائمه علیهم‌السلام به این نتیجه خواهیم رسید که منتظران واقعی و صادق دارای این صفت هستند و از متقین شمرده می‌شوند.

### الف) تقوا به چه معنایی است؟

تقوا در لغت از ماده وقایه به معنای نگه داشتن و حفظ کردن و پرهیز کردن است.<sup>۱</sup> و در اصطلاح شرع به معنای خویشتن داری در برابر گناهان است؛ و کمال تقوی آن است که از موارد مشکوک نیز اجتناب شود.<sup>۲</sup> در کتاب غرر الحکم، از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام چنین نقل شده است: «التَّقْوَى اجْتِنَابٌ»<sup>۳</sup> تقوا، دوری (از معصیت خدا) است» و نیز «التَّقْوَى أَنْ يَتَّقَى الْمَرْءُ كُلَّ مَا يُؤْتِمُهُ»<sup>۴</sup> تقوا این است که انسان از هر آن چه که او را به گناه می‌کشاند، پرهیز کند».

و هم‌چنین از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است:

«لَمَّا سُئِلَ عَنْ تَفْسِيرِ التَّقْوَى قَالَ علیه‌السلام: أَنْ لَا يَفْقِدَكَ اللَّهُ حَيْثُ أَمَرَكَ

وَلَا يَرَاكَ حَيْثُ نَهَاكَ» امام علیه‌السلام در پاسخ به سؤال از معنای تقوا، فرمود: تقوا

۱. فرهنگ جامع نوین، ص ۱۷۳۰، باب واو، راغب در مفردات می‌گوید وقایه به معنای نگه‌داری اشیاء است در برابر اموری که به آنها زیان و آزار می‌رساند و تقوا قرار دادن روح است در یک پوشش حفاظتی در برابر خطرها؛ ولذا گاهی تقوا را به خوف تفسیر کرده‌اند در حالی که خوف سبب تقوا می‌شود.

۲. همان.

۳. غرر الحکم، ص ۱۸۸، ح ۴۳۱۶.

۴. همان، ح ۹۷۲۱.

این است که خداوند در جایی که تو را فرمان داده است غایب نبیند و در آن جا که تو را نهی کرده است حاضر نبیند.<sup>۱</sup>

با توجه به روایات، تقوی یک نیروی کنترل درونی است که انسان را در برابر گناه و طغیان شهوات حفظ می کند. در واقع مانند ترمز نیرومندی است که ماشین وجود انسان را از سقوط در پرتگاه های خطرناک، و از تندروی های خطر آفرین باز می دارد. به همین جهت امیرالمؤمنین علی علیه السلام تقوا را به سان دژی محکم در برابر گناهان شمرده است؛ آن جا که می فرماید: «اعلموا عباد الله انَّ التَّقوی دارُ حِصْنٍ عَزِیزٍ؛ بدانید ای بندگان خدا، تقوا دژی است مستحکم و غیر قابل نفوذ».<sup>۲</sup>

بعضی تقوا را به حالت کسی تشبیه کرده اند که از یک سرزمین پر از خار عبور می کند و سعی دارد دامن و لباس خود را کاملاً جمع کرده و برچیند و با احتیاط حرکت کند تا مبادا خاری به پایش فرورود و یا لباسش را بگیرد. در هر صورت این حالت تقوا و کنترل قوی معنوی، معیار فضیلت انسان و مقیاس سنجش شخصیت او در اسلام است. «انَّ اکرمکم عند الله اتقاکم»؛ «گرامی ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است».<sup>۳</sup> تقوا در حد عالی تر، بر فعل یا ترک فعل خارجی، شامل فعل و ترک فعل قلبی و باطنی نیز می شود. مانند: خودداری از افکاری که برای سعادت انسان خطرناک است. پس می توان گفت: تقوا مفهومی است انتزاعی و عام که شامل تمام

۱. بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۸۵، ح ۸.

۲. نهج البلاغه، خ ۱۵۷.

۳. سوره حجرات، آیه ۱۴.

افعال نیک از جهت مصداق می شود ولو آن که بر و نیکی، با تقوا دو مفهوم متفاوت اند.<sup>۱</sup>

متقی کسی است که در همه کارها خداوند را در نظر داشته باشد و طوری رفتار کند که موجب خشنودی خداوند شود.<sup>۲</sup>

ب) با رجوع به روایات و خطبه همّام، می توان به نمونه هایی از صفات متقین پرداخت. از جمله در روایات این صفات بیان شده است:

«راستی و درستی در گفتار و اعمال، دوری از هرگونه افراط و تفریط، ثبات قدم در سختی ها، شب زنده داری، مناجات و تدبر در قرآن، صبور و شکیبا بودن، وفاء به عهد، حسن خلق و...» و در حدیثی از امام محمد باقر علیه السلام به بعضی از این اوصاف نیز اشاره شده است آن جا که می فرماید: «ان لاهل التّقوی علاماتٌ یعرفون بها: صدقُ الحدیث و اداءُ الأمانة و وفاءُ بالعهد و بذلُ المعروف و حُسْنُ الخُلُق و سعةُ الحِلْم و... طوبی لهم و حُسْنُ مآب؛<sup>۳</sup> اهل تقوی علاماتی دارند که با آن علامات شناخته می شوند: راستی در گفتار، اداء امانت، وفای به عهد، عمل نیک، اخلاق خوب و حلم و شکیبایی. خوشا به حال ایشان». و هم چنین اوصافی که در خطبه همّام از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است، فرمود: «چشم پوشی از محرّمات الهی، باور داشتن بهشت و دوزخ آن چنان که آن را می بینند،

۱. اخلاق در قرآن، آیت الله مصباح یزدی ج ۱، ص ۷۳، در میزان الحکمة در لبّ تقوی آمده است: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: جماع التّقوی فی قوله: «ان الله یامرُ بالعدل و الاحسان». (سورة نحل، آیه ۹۰) «عصاره تقوی در این آیه است».

۲. گاهی از تقوا به خوف خدا تعبیر می شود؛ دلالت تقوا بر خوف، التزامی است، زیرا اصل تقوا یعنی خود را نگه داشتن و این بدیهی است که انسان تا از چیزی نترسد، حفظ نفس مفهومی ندارد.

۳. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۸۲.

اسیر دنیا نشدن، عبادت و مناجات شبانه، ایمانی توأم با یقین، معرفت صحیح و قوی، شکیبایی، اعمال نیک و صلاح، دوری از گناه و زشت‌گویی، عزت نفس، دوراندیشی و آگاهی و دیگر صفات...» که همه در وصف متقین ایراد شده است.

ج) پس از بیان معنای تقوا و بعضی از ویژگی‌های متقین و منتظران در صفحات قبل مانند: استقامت و پایداری، معرفت و شناخت صحیح، صبر و شکیبایی، تهذیب، اخلاص، یقین، و عبادت؛ می‌توان هم‌خوانی و یک‌سان بودن این صفات را با صفات متقین برداشت کرد؛ به عبارت دیگر، منتظران واقعی و راستین، همان متقین حقیقی می‌باشند.<sup>۱</sup> در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَةً فَلْيَتَّقِ اللَّهَ وَلْيَتَمَسَّكَ بِدِينِهِ؛ همانا برای صاحب این امر غیبتی است، پس باید تقوای الهی را پیشه ساخت و متمسک به دین خدا شد».<sup>۲</sup>

کسانی که در انتظار ظهور به سر می‌برند، یقیناً به این‌گونه اوامر عمل می‌کنند و با تمسک به دین و ایجاد تقوا، خود را آماده ظهور می‌کنند؛ نظیر این روایت دیگری است از امام صادق علیه السلام که توصیه به انتظار و ورع و محاسن اخلاق کرده و فرموده است:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنَ اصْحَابِ الْقَائِمِ عليه السلام فَلْيَنْظُرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْاِخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ؛ کسی که دوست دارد از اصحاب و یاران امام

۱. قبلاً گفته شد که چون ما، در مقام بیان منتظران واقعی و راستین هستیم، یعنی کسانی که تمام اوصاف منتظران را به نحو اعلی دارا هستند و این منافاتی ندارد با کسانی که متقی به آن معنای حقیقی نیستند ولی از منتظران محسوب می‌شوند، بدیهی است همان‌طور که قبلاً متذکر شدیم، در این بحث، نظر به قله‌های بلند و ترسیم اوصاف منتظران حقیقی و ایده‌آل داریم.

۲. منتخب الاثر، ص ۳۱۹، ح ۸.

باشد پس باید انتظار بکشد و در اعمال ورع داشته و دارای اخلاق خوب باشد، در حالی که منتظر است»<sup>۱</sup>.

بدیهی است که ورع، نهایت تقوا و مرتبه‌ای قوی‌تر از آن است. کسی که اهل ورع است نه فقط موارد حرام را رعایت می‌کند بلکه در اموری که مشکوک و شبهه حرمت دارد نیز اهل رعایت است.

در نتیجه، بادقت در اوصاف متقین و نیز اوصاف منتظران واقعی و راستین، و هم‌چنین با توجه به دو روایت مذکور از امام صادق علیه السلام که در آن توصیه به تقوا و ورع شده، می‌توان تقوا را به عنوان یکی دیگر از اوصاف منتظران برشمرد، و چنین گفت: منتظران واقعی و راستین، اهل تقوا و در زمره متقین هستند.

## ۹. اخلاص

یکی از مقامات مقربین و یکی از منازل راه دین و از خصوصیات منتظرین ظهور، اخلاص است؛ که از آن به کبریت احمر و اکسیر اعظم تعبیر شده است.<sup>۲</sup> و هر کس توفیق وصول آن راباید به مرتبه عالی نایل می‌گردد. بدیهی است که اخلاص به معنای خالی بودن عمل از جمیع شوائب و اغراض و لحاظ کردن تقرب به خدا،<sup>۳</sup> مانند دیگر صفات دارای مراتب است؛ و پایین‌ترین مرتبه آن، قصد وصول به ثواب و خلاصی از

۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.

۲. معراج السعاده، باب اخلاص، انتشارات دهقان.

۳. همان، ص ۴۷۸، «عن ابی عبد الله علیه السلام... والعمل الخالص الذن لا ترید ان یحمدک علیه احد الا الله عزوجل...» (کافی، ج ۲، ص ۱۵).

عقاب است. <sup>۱</sup> که همه به آن امر شده‌اند و اعمال عدّه زیادی از مؤمنین دارای این مرتبه از اخلاص است. «قوله تعالى: ﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾؛ <sup>۲</sup> «و فرمان نیافته بودند جز این که خدا را پرستند و دین خود را برای او خالص گردانند».

بالاترین مرتبه اخلاص، چشم‌پوشی از اجر دو عالم، و قصد عوض نداشتن و فقط رضای خدا را در نظر گرفتن است. <sup>۳</sup> که رسیدن به این مرحله نیاز به چشم‌پوشی از هواهای نفسانی و مجاهدت‌های مستمر دارد. منتظران واقعی و راستین، با مجاهده در راه خدا، انجام تکالیف و عبادات، مبارزه با نفس و اخلاص، در مسیر انتظار پیش می‌روند تا به مقام مخلصین نائل شوند.

امام سجاد علیه السلام در وصف منتظران به طور صریح به صفت اخلاص در وجود آن‌ها خبر می‌دهد و می‌فرماید:

«يا ابا خالد انّ اهل زمان غيبته القائلين بامامته المنتظرين لظهوره... اولئك المخلصون حقاً وشيعتنا صدقاً والدُّعَاءُ الى دين الله سرّاً وجَهراً؛ <sup>۴</sup> ای ابو خالد مردم زمان غیبت که معتقد به امامت آن امام و منتظر او هستند... آنان مخلصان حقیقی و شیعیان راستین و دعوت‌کنندگان به دین خدا در نهان و آشکارا هستند».

در این روایت امام سجاد علیه السلام منتظران را مخلصین حقیقی و شیعیان

۱. همان که به آن اخلاص صافی می‌گویند.

۲. سوره بینه، آیه ۵.

۳. معراج السعاده، ملا احمد نراقی، که به آن اخلاص صدق می‌گویند.

۴. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۸۸.

راستین معرفی می‌کند، آنان علاوه بر اخلاص در عبادات، در مواجهه با مشکلات و مجاهدت‌ها و اعمال، فقط رضای خدا را در نظر می‌گیرند و از طرف دیگر، انتظار فرج عبادت است، لذا منتظران این عبادت را نیز با اخلاص انجام می‌دهند.

در حدیثی از امام علی علیه السلام به فرزندش امام حسین علیه السلام چنین نقل شده است: «التاسع من وُلدِكَ يا حسين علیه السلام هو القائم بِالْحَقِّ الْمَظْهَرِ لِلدِّينِ وَالْبَاسِطِ الْعَدْلِ، قَالَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَقُلْتُ لَهُ يَا امير الْمُؤْمِنِينَ وَ انْ ذَلِكْ لِكَائِنٌ؟ فَقَالَ علیه السلام اَيُّ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله بِالنَّبُوَّةِ وَاصْطَفَاهُ عَلِيٌّ جَمِيعَ الْبَرِيَّةِ وَلَكِنْ بَعْدَ غَيْبَتِهِ وَحِيرَةٍ فَلَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلِيٌّ دِينَهُ اِلَّا الْمَخْلُصُونَ الْمُبَاشِرُونَ بِرُوحِ الْيَقِينِ الَّذِي اخَذَ اللهُ عِزَّوَجُلَّ مِيثَاقَهُمْ بِوِلَايَتِنَا وَكُتِبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْاِيْمَانُ وَايَدُهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ؛<sup>۱</sup> نهمین فرزند از فرزندان قائم به حق و آشکارکننده دین و بسط‌دهنده عدل می‌باشد. امام حسین علیه السلام عرض کرد: ای امیر مؤمنان آیا این امر شدنی است؟ امام علیه السلام در جواب فرمود: بله، قسم به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت برانگیخت و او را بر جمیع عالم انتخاب کرد، پس از غیبت و سرگردانی، کسی بر دینش ثابت نمی‌ماند مگر مخلصین، کسانی که دارای یقین بالاینده و خداوند از آنان میثاق با ولایت‌مان را اخذ کرده و ایمان را در قلب‌های‌شان نوشته و آنان را تایید کرده...».

ویژگی اخلاص، در روایاتی که سخن از عبادت و بندگی یاران مهدی علیه السلام دارد نیز به وضوح دیده می‌شود، آن‌هم عبادت و نیایشی عارفانه، عبادت آزادگان، عبادتی که نه از روی عادت و نه هم‌چون تاجران



از روی طمع و یا مانند غلامان از روی ترس باشد، بلکه عبادت خالصانه؛ به گونه‌ای که روح بندگی با جان‌های‌شان در آمیخته و همواره خود را در محضر خدا می‌بینند، و از یاد او لحظه‌ای غفلت نمی‌کنند. امام حسن عسکری علیه السلام در آخرین روزهای عمر مبارک خود به فرزندشان سخنانی گفتند و در آن از یاران مخلص آن حضرت یاد کردند و آن امام علیه السلام را با یاد آن مردان پاک دلگرمی دادند. ایشان فرمودند: «...فكأنك يابئني... وكأنك بالرايات الصُّفر والأعلام البيض تحقق على اثناء أعطافك ما بين الحطيم وزمزم وكأنك بترادف البيعه وتصافى الولاء يتناظم عليك تناظم الدر في مثاني العقود وتصاقق الاكف على جنبات الحجر الاسود... مقدسه قلوبهم من دنس النفاق مهذبته افئدتهم من رجس الشقاق... يدنون بدین الحق واهله...؛ روزی را می‌بینم که پرچم‌های زرد و سفید در کنار کعبه به اهتزاز در آمده، دست‌ها برای بیعت با تو پی در پی صف کشیده‌اند، دوستان تو کارها را چنان به نظم در آورده‌اند که مانند دانه‌های در گران‌بها که در رشته‌ای قرار گیرند، شمع وجودت را احاطه کرده و دست‌های‌شان برای بیعت با تو در کنار حجرالاسود به هم می‌خورد. آنان از سرشتی پاک و ریشه‌ای پاکیزه آفریده شده‌اند. دل‌های‌شان از آلودگی نفاق و پلیدی شقاق پاکیزه است، نسبت به فرمان‌های دینی فروتند و دل‌های‌شان از کینه و دشمنی پیراسته، رخصارشان برای پذیرش حق آماده و سیمای‌شان با نور فضل و کمال آراسته، آیین حق را می‌پرستند و از اهل حق پیروی می‌کنند».<sup>۱</sup>

روایت فوق بیان‌گر اخلاص یاران امام علیه السلام است؛ به خصوص در جایی که فرمود: «دل‌های‌شان از آلودگی نفاق و پلیدی شقاق پاکیزه است؛ چرا که نفاق و پلیدی، و مطیع هوی و هوس بودن، با اخلاص سازگار نیست».<sup>۱</sup> منتظران و یاران امام علیه السلام از این امر به دورند و در امور خود فقط خدارادر نظر دارند. آنان در جایگاهی عالی قراردارند و در صحنه عمل، عبادت و یاری کردن دین خدا، از روی اخلاص قدم برمی‌دارند.

### ۱۰. ایمان

یکی دیگر از ویژگی‌های منتظران واقعی و راستین ایمان است.<sup>۲</sup> مقصود از ایمان در این بحث فقط تصدیق و باور داشتن خدا و صفات و رسولان او، که برای همه مؤمنین حاصل می‌شود، نیست، بلکه علاوه بر آن، ایمان در مراتب عالیه و حقیقت ایمان، یعنی تصدیق قلبی همراه با درجات آن مورد نظر است.<sup>۳</sup> ایمانی که شرط ثبوت، بقاء و شدت آن،

۱. عن علی علیه السلام: «کیف یتطیع الاخلاص من یغلبه الهوی؛ چگونه کسی که هوی بر او غالب می‌شود می‌تواند اخلاص داشته باشد». (میزان الحکمه، ح ۴۸۰۴).

۲. «الایمان لغه هو التصدیق المطلق اتفاقاً ومنه قوله تعالی ﴿وما انت بمومن لنا﴾ وشرعاً علی الاظهر هو التصدیق باللّه بان یصدق بوجوده وبصافته وبرسله». (میزان الحکمه).

ایمان یعنی جای گیر شدن اعتقاد در قلب، مومن یعنی مصدق و در قرآن به معنای وثوق - اطمینان - انتقاد و خضوع آمده و در اصطلاح شرع بین عامه و خاصه اختلاف است. (کلم الطیب، تتمه، ص ۵).

۳. عن الصادق علیه السلام: «من اقرّ بدين الله فهو مسلم ومن عمل بما امر الله فهو مؤمن» - عن الرسول صلی الله علیه و آله «الایمان معرفة بالقلب وقول باللسان و عمل بالارکان».

عن ابی عبداللّه علیه السلام قال: «ان الله عزوجل وضع الایمان علی سبعة اسهم علی البسر والصدق والیقین والرضا والوفاء والعلم والحلم ثم قسّم ذلك بین الناس فمن جعل فيه هذه السبعة الاسهم فهو كامل

عمل است. منتظران راستین در اثر انجام وظایف و تکالیف و عمل به دستورات دینی، از قابلیت بالا و استعداد زیادی در پذیرش ایمان برخوردارند.

گویا ایمان با تمام حقیقتش در قلب‌شان رسوخ کرده است، به گونه‌ای که در صورت طولانی شدن زمان غیبت، با این که اکثر معتقدان به آن حضرت، از اعتقادشان برمی‌گردند، آنان هم‌چنان راسخ، و بر اعتقاد خویش باقی‌اند. امام عسکری علیه السلام به احمد بن اسحاق بن سعد اشعری فرمود:

«یا احمد بن اسحق... وَاللَّهِ لَيَغِيْبَنَّ غَيْبَةً لَا يَنْحُو فِيهَا مِنَ الْهَلِكَةِ إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَفَقَّهَهُ لِلدُّعَا بِتَعْجِيلِ فَرْجِهِ فَقُلْتُ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ فَإِنْ غَيْبَتْهُ لَتَطْوُلُ؟ قَالَ عليه السلام: أَيْ وَاللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ الْقَائِلِينَ بِهِ فَلَا يَبْقَى إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ عَهْدَهُ بِوَلَايَتِنَا وَكُتِبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيْمَانُ وَأَيَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ...»<sup>۱</sup> ای احمد بن اسحق به خدا قسم (فرزندم) غیبتی خواهد داشت که جز آن‌ها که خداوند در اعتقاد به امامت او استوارشان کرده و برای دعا در تعجیل فرجش موفقشان کرده، کسی دیگر از نابودی رهایی نخواهد یافت. به آن حضرت عرض کردم یا بن رسول الله، آیا غیبتش به طول می‌انجامد؟ فرمود: آری به خدا قسم، آن قدر طولانی می‌شود که بیش تر معتقدان به او، از اعتقادشان برمی‌گردند و فقط کسانی بر اعتقاد به او باقی می‌مانند که خداوند دربارهٔ ولایت ما از آن‌ها پیمان گرفته و ایمان را در قلب‌شان راسخ

→ محتمل وقسم لبعض الناس السهم ولبعض السهمين ولبعض الثلاثة و...». (اصول کافی، کتاب الایمان والكفر باب، درجات الایمان، ح ۱).

۱. اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۷۹، ح ۱۸۰.

کرده و مورد تاییدشان قرار داده است.»

در روایتی دیگر که بیانگر بهره‌مند شدن منتظران از ایمانی قوی است، از امام عسکری علیه السلام چنین نقل شده است که فرمود:

«إِنَّ ابْنِي هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي وَهُوَ الَّذِي تَجْرِي فِيهِ سُنَنُ الْأَنْبِيَاءِ بِالْتَعْمِيرِ وَ الْغَيْبَةِ حَتَّى نَقْسُوا قُلُوبَ يَطُولُ الْأَمَدُ فَلَا يَثْبِتُ عَلَى الْقَوْلِ بِه الْأَمْنُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَآيَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ؛<sup>۱</sup> این پسر من امام قائم پس از من است و آن چه از سنت‌های الهی در زمینه طول عمر و غیبت درباره پیامبران جاری شده است درباره او جریان می‌یابد تا جایی که به خاطر طولانی شدن غیبتش دل‌ها سخت و تیره می‌شود. و جز آن‌ها که خداوند ایمان را در قلوبشان قرار داده و یاری‌شان کرده، کسی دیگر بر اعتقاد به او باقی نمی‌ماند.»

بدیهی است خداوند متعال این نوع ایمان را در هر قلبی قرار نمی‌دهد، بلکه نیاز به ظرفیت و پذیرش و قابلیت است که مؤمنین و منتظران، با اختیار خود زمینه آن را فراهم کرده و آن را تحصیل می‌کنند و در درجات ایمان بالا می‌روند؛ و به جایی می‌رسند که شگفتی می‌آفرینند. امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش نقل کرده که در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است، که آن حضرت فرمود:

«يَا عَلِيُّ اعْجَبِ النَّاسَ إِيْمَانًا وَاعْظِمْهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَرَوْا النَّبِيَّ وَحَجَبَ عَنْهُمْ الْحِجَّةَ فَأَمَّنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ؛<sup>۲</sup> یا علی

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۸۸، ح ۲۰.

۲. همان، ص ۴۵۳، ح ۷۱.

شگفت انگیزترین مردم از نظر ایمان و بلندمرتبه ترین آنها در یقین مردمی هستند که در آخرالزمان می آیند و پیامبر را ندیده اند، حجت خدا نیز از دیده ایشان پنهان است، آنها فقط از طریق روایات و نوشته هایی که به دست شان رسیده است، ایمان می آورند».

آنچه که برای منتظران مهم است، انتظار فرج و توجه عمیق و ایمان به حجت خدا و اعتقاد به این که اوزنده است و شاهد اعمال و واسطه فیض الهی است ولو این که توفیق درک زمان ظهور را نداشته باشند و از دیدن او و رسیدن به محضرش و شنیدن کلامش محرومند. آنان با تمام وجود به آن حضرت ایمان دارند و در راه یاری امام خویش از هیچ امری دریغ نمی کنند.

«منتظران واقعی گنج هایی هستند گران بها و ارزش مند گنج هایی برتر از طلا و نقره گنج هایی از معرفت و ایمان که با آن سرمایه بزرگ دین خدا و امام خویش را یاری می کنند».<sup>۱</sup>

آنان مؤمنانی هستند که اگر توفیق ظهور را داشته باشند، سعادت خطاب سلام ملائکه و جلوس با آنها را خواهند داشت. در حدیثی از امام رضا علیه السلام چنین آمده است:

«اذا قام قائم علیه السلام امر الله الملائکه بالسلام علی المومنین والجلوس معهم فی مجالسهم؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند به ملائکه امر می کند که به مؤمنین سلام کنند و در مجالس آنها حضور یابند».

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۳۹.

مؤمنانی که دارای ایمان مستقر و خالص اند و به کمک آن از شک و دو دلی و تردید نجات یافته‌اند و در مسیر یاری دین، با صلابت پیش می‌روند، تا به مقصد برسند.

### ۱۱. یقین

یکی دیگر از صفات منتظران واقعی و راستین، و از صفات شریف و کمالات انسانی که در تکمیل نفوس و تحصیل سعادت دخیل می‌باشد، یقین است. یقین به معنای اعتقاد جازم و مطابق با واقع است که شک و زوال در آن راه ندارد.<sup>۱</sup>

یقین در واقع دو اعتقاد است، یکی اعتقاد به این که فلان چیز این‌گونه است و دیگر این که ممکن نیست این‌گونه نباشد. به عبارت دیگر، یقین علمی است که به سبب تأمل زیاد پس از زوال شبهه حاصل می‌گردد؛<sup>۲</sup> و این حالت، زمانی است که دلایل و نشانه‌های زیادی وجود داشته و تطبیق با واقع بکند.<sup>۳</sup> یقین مانند قلبی است که بادل نورانی شده و با استدلال‌های بعدی بر این نور افزوده می‌گردد، و در نهایت تمام قلب روشن می‌شود. منتظران در اثر معرفت بالا و تحصیل صفات والای اخلاقی و انسانی و

۱. تفسیر المنار، ج ۱، ص ۱۳۳، «الیقین فی اللغة فهو العلم وازاحه الشك و تحقیق الامر وهو نقیض الشك، والعلم نقیض الجهل فالایمان الشرعی یشرط فیہ الیقین اللغوی فقط وهو التصدیق الجازم الذی لاشك فیہ». (لسان العرب).

۲. تفسیر فخر رازی، ج ۷، ص ۴۸: «ولهذا المعنی لا یوصف علم الله تعالی بكونه یقیناً لان علمه غیر مسبوق بالشبهه و غیر مستفاد من الفکر والتأمل».

۳. تفسیر المنار، ج ۱، ص ۱۳۴: «فالجزم بخبر الصادق و الاعتقاد المبني على الادله والامارات، یسمى یقیناً اذا كان ثابتاً لاشك فیہ».

استدلالات مختلف، در قلب شان نسبت به وجود امام مهدی (عج) و تحقق وعده الهی و ظهور او و اجرای عدالت در سراسر عالم، هیچ گونه تردید و شکی ندارند و صحنه قلب آن مملو از نور ولایت و امامت است.

بدین جهت به دلیل غیبت طولانی امام علیه السلام، زمانی که عده‌ای بر دین خود ثابت نمی‌مانند، آنان، مؤمن و موقن<sup>۱</sup> به ولایت امام علیه السلام هستند و از اعتقاد خود دست بر نمی‌دارند و به واسطه یقینی که دارند، هم‌چنان ثابت قدم می‌مانند. در روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده که به فرزندش امام حسین علیه السلام فرمود: «نهمین فرزند تو ای حسین قائم بر حق و... پس از غیبت و سرگردانی ثابت نمی‌مانند بر این اعتقاد مگر کسانی که اهل اخلاص و اهل یقین اند».<sup>۲</sup>

کسانی که از دین شان برمی‌گردند، مؤمنانی هستند که گرفتار بلاها و مصایب می‌شوند و به خاطر طولانی شدن غیبت در دل‌های شان شک و تردید راه می‌یابد؛<sup>۳</sup> ولی همین مؤمنین اگر به مرحله یقین رسیده باشند، از این گونه شبهات و تردیدها در امانند. به خصوص اگر دارای مرتبه عالی یقین، «حق الیقین» باشند. در روایتی دیگر از امام سجاد علیه السلام چنین آمده

۱. عن الصادق علیه السلام: «الایمان علی الاسلام درجه والتقوی علی الایمان درجه والیقین علی التقوی درجه... ولم یقسم بین بنی آدم شیئا اقل من الیقین».

۲. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۱۱۷: «التاسع من ولدک یا حسین هو القائم بالحق والمظهر للذین و... ولكن بعد غیبة و حیرة لا یثبت فیها علی دینه الا المخلصون المباشرون بروح الیقین الذین اخذ الله ميثاقهم بولایتنا و...».

۳. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۷۵، ح ۱۶۲، «عن سدير الصيرفي عن ابي عبد الله علیه السلام، ويحكم ان نظرت في كتاب الجفر وهو الكتاب المشتمل على علم المنايا وعلم ماكان ومايكون الى يوم القيامة الذي خص الله به محمدا والائمة من بعده وتاملت فيه مولد قائمنا وغيبة وايضا... وطول عمره ويلوى المؤمنين في ذلك الزمان وتولد اشكوك في قلوبهم من طول غيبته وارتداد اكثرهم عن دينهم...».



است: «انَّ لِلْقَائِمِ مَنَا غَيْبَتَيْنِ أَحَدُهُمَا اطْوَالٌ مِنَ الْآخِرِ إِلَى أَنْ قَالَ: وَأَمَّا الْآخِرَى فَيَطْوِلُ أَمَدَهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ كَثِيرٌ مِمَّنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبِتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَصَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَلَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرْجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَسَلَّمْنَا لِأَهْلِ الْبَيْتِ؛<sup>۱</sup> برای قائم ما دو غیبت است که یکی از آنها طولانی‌تر از دیگری است... آن قدر به طول می‌کشد تا این‌که عده زیادی از این امر بر می‌گردند. پس بر اعتقاد ثابت نمی‌ماند مگر کسی که از یقین قوی و شناختی درستی برخوردار باشد؛ و از آن چیزی که حکم می‌کنیم حرجی بر خود راه ندهد و تسلیم ما اهل بیت باشد».

منتظران واقعی راستین، با داشتن اخلاص و یقینی که با جان‌شان در آمیخته و اعتقادشان را مستحکم ساخته و شناخت‌شان را کامل کرده، به رستگاری و سعادت می‌رسند؛<sup>۲</sup> با سختی‌ها و گرفتاری‌ها و امتحانات الهی تردید و شک به خود راه نمی‌دهند؛ و با یقین و بصیرت کامل در مسیر انتظار حرکت می‌کنند.

## ۱۲. اقتدا و تاسی<sup>۳</sup>

کسی که امام خویش را شناخته و او را مقتدای خود می‌داند، سعی می‌کند در تمام زمینه‌های فردی و اجتماعی و ابعاد مختلف زندگی اعم

۱. همان، ص ۴۶۷، ح ۱۲۸.

۲. عن علی عليه السلام: «مَنْ آيَقُنْ أَفْلَحَ، مَنْ آيَقِنِ يَنْجُو».

۳. «اقتدا» از ماده «قدوه» به معنای جلودار دانستن مقتدا، و «تاسی» از ماده «اسوه» به معنای الگو قرار دادن و تبعیت کردن از اوست.

از گفتار و اعمال و رفتار، خود را هم سو و هم سان امام علیه السلام قرار دهد، تا به رشد و کمال دست یافته و لیاقت قرار گرفتن در لیست منتظران واقعی و راستین آن حضرت را کسب نماید. به عبارت دیگر منتظران، امام علیه السلام را الگوی خود می دانند، اعمال خود را با اعمال او می سنجند و در مسیر سعادت و کمال، از او پیروی کرده و تبعیت می کنند.

به عنوان مثال اگر گفته می شود منتظران عادل اند و دارای صفت عدالت هستند، به این دلیل است که تاسی به امام و مقتدایی عادل و عدالت گستر کرده اند؛ همان طور که از امام محمد باقر علیه السلام در وصف امام مهدی (عج) چنین نقل شده که فرمود: «يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ الْبِرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ؛ او در بین آفریدگان خدا به عدالت رفتار، چه نیکوکار باشند و چه بدکار»<sup>۱</sup> منتظران با تاسی به امام زمان (عج) متصف به عدالت و دیگر صفات نیک می شوند و مشمول کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله می گردند، در جایی که فرمود: «طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ؛<sup>۲</sup> خوشا به حال آن کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند، در حالی که در زمان غیبت و دوران قبل از قیامش به او اقتداء نموده باشد». منتظران، در عمل کردن به توصیه ها و دستورات امام زمان علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام من باب اقتداء و تاسی نهایت توان خود را به کار می برند تا رضایت کامل امام و مقتدای خود را به دست آورند.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹، ج ۳.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۲، ج ۱۴.

ب) ویژگی‌های منتظران براساس رفتارهای جمعی و گروهی در جامعه تا این جا سخن از ویژگی‌ها و اوصاف درونی و فردی منتظران بود؛ اما منتظران چون زمینه‌سازان ظهور هستند، علاوه بر خودسازی، در جهت دیگرسازی نیز تلاش می‌کنند. آن‌ها با تبلیغ دین و اصلاح دیگران، با ترویج اخلاق و فضائل و متوجه کردن دل‌ها و اندیشه‌ها به حکومت جهانی آن حضرت علیه السلام و تشویق در جهت دست برداشتن از تعصبات قومی، نژادی و گروهی، در صدد مهیا کردن یک جامعه ایده‌آل و مهدوی می‌باشند؛ و با دعوت به دین خدا و توجه دادن به مهدی صاحب الزمان علیه السلام روح امید را در جامع بشری می‌دمند.

در روایتی از امام سجاد علیه السلام به ابو خالد کابلی چنین آمده است: «یا ابا خالد ان اهل زمان غیبه القائلین بامامته والمنتظرین لظهوره افضل من اهل كل زمان لان الله تبارک وتعالی اعطاهم من العقول والافهام، ما صارت به الغیبه عندهم بمنزله المشاهده وجعلهم فی ذلك زمان بمنزله المجاهدین بین یدی رسول الله بالسیف اولئک المخلصون حقاً وشیعتنا صدقاً والدعاء الی دین الله عزوجل سراً و جهراً وقال: "انتظار الفرج من اعظم العمل؛" ای ابا خالد به درستی که مردم زمان غیبت مهدی علیه السلام، آنان که معتقد به امامت او هستند و در انتظار ظهور او به سر می‌برند با فضیلت‌ترین مردم همه زمان‌ها هستند زیرا خداوند متعال عقل و فهمی به آنان عنایت کرده که غیبت در نزد آنان به منزله ظهور و مشاهده گشته است، خداوند مردم آن

زمان را به منزله کسانی قرار داده که در راه خدا و در پیشگاه پیامبر ﷺ با شمشیر جهاد و مبارزه می کنند. آنان حقیقتاً افراد با اخلاص و شیعیان صادق ما می باشند و آنان دعوت کنندگان به سوی دین خدا به طور سری و علنی هستند؛ و بعد حضرت فرمود: "انتظار فرج از بزرگ ترین اعمال است".<sup>۱</sup>

در این روایت، منتظران واقعی، علاوه بر اخلاص حقیقی و شیعه راستین بودن، دعوت کنندگان به دین خدا به طور آشکارا و پنهانی هستند، یعنی کوشش می کنند تا مردم صالح شوند و خود نیز در برابر فساد و فسادکنندگان می ایستند. بدیهی است که دین خدا در باب مسئولیت افراد نسبت به دیگران و جامعه تعالیمی دارد، مانند: امر به معروف و نهی از منکر، اجتناب از گناه و فساد و عدم اشاعه آن، فروتنی در برابر مؤمنان، گردن فرازی در برابر کافران و ترویج اخلاق و فضائل و...<sup>۲</sup> که در این موارد، منتظران کوتاهی نکرده و به وظیفه خویش عمل می کنند.

در روایتی که از رسول خدا ﷺ در وصف یاران آن حضرت گزارش شده، چنین آمده است: «...مُجَدُّونَ فِي طَاعَتِهِ... مَثَلُهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَثَلِ الْمِسْكِ يَسْطَعُ رِيحُهُ فَلَا يَتَغَيَّرُ أَبَدًا وَمَثَلُهُمْ فِي السَّمَاءِ كَمَثَلِ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ

۱. منتخب الاثر، ص ۲۴۴.

۲. با استناد بر آیه ۵۶ سوره مائده ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ در روایتی آمده است که این آیه شریفه در رابطه با حضرت مهدی (عج) و اصحابش می باشد (مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۰۲).

الَّذِي لَا يَطْفَأُ نُورَهُ أَبَدًا؛ آنان در پیروی از وی کوشایند... مثل آنها در زمین مثل مشک است که بوی خوشش پراکنده می شود و هرگز متغیر نمی گردد. و مثل آنها در آسمان مثل ماه است که نورش هرگز خاموش نمی شود.<sup>۱</sup> و نیز در بعضی از روایات در باب ویژگی های اصحاب و یاران امام زمان (عج) آمده است: «آنان مشعل های هدایت اند». <sup>۲</sup> و این مطلب بدیهی و روشن است که در یک لحظه و یک شب نمی توان به جایی رسید که بتوان راهنما و هادی و مصلح دیگران شد. منتظران دریافته اند که انتظار از مقوله عمل است و صرفاً یک حالت درونی نیست. به همین جهت اگر از منتظران واقعی به حساب نیایند، حتی اگر آن حضرت هم ظهور کند، بهره کامل را نخواهند برد، چرا که او طیب دردمندان است و بی دردها و کسانی که احساس نیاز نمی کنند، از مراجعه به طیب خود را بی نیاز می دانند.

طیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک

چو درد در تو نسیند که را دوا بکند<sup>۳</sup>

۱. کمال الدین، ج ۱، باب ۲۴، ص ۵۰۵.

۲. امام علی علیه السلام می فرمایند: ... و آن زمانی است که نجات نمی یابد مگر مؤمن گمنام که اگر حضور داشته باشد، شناخته نمی شود و اگر غایب باشد کسی از او سراغ نمی گیرد، آنها مشعل های هدایت و نشانه های روشن روی زمین اند که از سخن چینی، تفرقه افکنی، اشاعه فساد و بیهوده گویی به دور هستند. خداوند درهای رحمتش را بر روی آنها می گشاید و غم های نعمتش را از آنها برطرف می کند. (نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۱۴۹، ح ۱۰۳).

۳. ظهور نو، ص ۱۰۴، آیت الله پهلوانی، سعادت پرور.

## نتایج تحقیق

پس از بیان ویژگی‌های فردی و اجتماعی منتظران واقعی و راستین ظهور امام زمان (عج)، نتایج ذیل حاصل می‌گردد:

۱. شناخت و معرفت نسبت به منتظران واقعی و راستین ظهور، که هم در اصلاح نفس کوشش و جدیت دارند و وظایف خویش را به نحو احسن انجام می‌دهند، و هم در صحنه‌های مختلف اجتماعی از قبیل: مبارزه با فساد - امر به معروف و نهی از منکر - برخورد و مواجهه با کفار و... تلاش می‌کنند. و نیز تمیز و تشخیص منتظران واقعی از مدعیانی که گمان می‌کنند - با جاری کردن نام امام علیه السلام بر زبان و یا ناله و آه سر دادن و دعای عهد خواندن و تعجیل در فرج امام علیه السلام را از خداوند مسئلت کردن و دعای ندبه را با سوز و گداز خواندن - از منتظران واقعی هستند؛ با این که تمام این موارد از اعمال نیکو است و دارای فضیلت است، ولی تا رسیدن به آن مراتب عالیه و وارد شدن در گروه منتظران واقعی، فاصله بسیار است.

۲. بیان ویژگی‌ها و اوصاف منتظران واقعی ظهور به طور برجسته و ترسیم قله‌های نورانی و بلند اوصاف منتظران با هدف تشویق و ترغیب دیگران در کسب آن اوصاف و یا تقویت اوصاف و رساندن به مراتب برتر و بالاتر، و نیز ایجاد انگیزه در منتظران با توجه به استعداد و توان کسب اوصاف منتظران واقعی به جهت قرار دادن در زمره اصحاب و یاران امام زمان علیه السلام اعم از اصحاب خاص، ابدال، صلحا و نیز لشکر اولیه ده هزار نفری امام (حلقه کامله) و یاری آن حضرت در انقلاب جهانی مهدوی؛ چرا که هر کس می‌تواند با اراده جدی و تلاش در انجام وظایف و کسب

اوصاف منتظران واقعی، جزو این اشخاص باشد.  
۳. تفکیک اوصاف و ویژگی‌ها از وظایف و فضایل منتظران که در یکی از مقدمات تحقیق بیان شد.



## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، صبحی سالم.
۳. اثبات الهداة، حرّ عاملی، محمد بن حسن، المطبعة العلمية، قم.
۴. اخلاق در قرآن، آية الله مصباح يزدي، انتشارات اسلامي، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
۵. اصول کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، انتشارات گلگشت.
۶. الاحتجاج، طبرسی، ابی منصور احمد بن علی، اعلمی، بیروتی.
۷. بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر، دارالکتب الاسلامیه.
۸. بصائر الدرجات، حسن بن فرّخ صفّار.
۹. تفسیر المنار، رشید رضا، محمد، دارالفکر، بیروت.
۱۰. تفسیر المیزان (ترجمه)، طباطبائی، محمد حسین، مترجم: موسوی همدانی، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۱. تفسیر برهان، علامه بحرانی.
۱۲. تفسیر فخر رازی، محمد، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۳ق.